



ماهنامه آموزشی، تحلیلی و
اطلاع رسانی

معلم

ماه نامه
آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
دوره سی ام
فروردین ماه ۱۳۹۱
شماره پیاپی دربی ۲۶۵

فروردین ماه گل‌ها/ سردبیر/ ۲

سامان کتاب چه می‌کند/ محبت الله همتی/ ۳

معلمان چراغ کتاب خوانی را روشن نگاه داشته‌اند/ سمانه آزاد/ ۶

رونمایی از یک کار سترگ/ ۹

ابوالقاسم قلمسیاه/ اسفندیار معتمدی/ ۱۰

پرهیز از ام‌الخبائث/ محمد حسن مکارم/ ۱۳

واژه‌های آشنا/ ۱۶

چگونه پاورپوینت تعلیم و تربیت را نابود می‌کند؟/ مارک ایسکسی/ ترجمه سعید قریشی/ ۱۸

ویژه‌نامه استان کرمانشاه/ ۲۱

استانداردهای زندگی و رشد جمعیت/ حمیده علمی غروی/ ۲۹

نشان دادن فرع به جای اصل/ بهروز رضایی کهریز/ ۳۳

گوناگون/ ۳۶

نقش خانواده، مدرسه و جامعه در بهداشت روانی/ علی پور علیرضا توتکله/ ۳۸

کتابخانه معلم/ ۴۲

به یاد ایرج شگرف نخعی/ ۴۴

بهترین روزهای تدریس من/ فریبا شالانی/ ۴۶

جلد کتاب/ صدیقه اخباری/ ۴۷

خبرگزاری دانش آموزی پانا/ ۴۸

مدیر مسئول: محمد ناصری

سردبیر: جعفر ربیانی

شورای برنامه ریزی و کارشناسی:

اسفندیار معتمدی، سعید قریشی، سید امیر رون، محمد هادی نهاوندیان

مدیر داخلی: کبری محمودی

طراح گرافیک: حسین نوروزی

نشانی پستی دفتر مجله:

تهران - صندوق پستی ۶۵۸۶-۱۵۸۷۵ تلفن: ۸۸۴۹۰۲۲۹ - ۰۲۱

نشانی پستی امور مشترکین: تهران - صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن: ۷۷۳۳۶۱۰۶ - ۷۷۳۳۵۱۱۰

وبگاه: www.roshdmag.ir

پیام‌نگار: moallem@Roshdmag.ir

تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۹۲۳۲۲ - ۸۸۳۰۱۴۸۲ - ۰۲۱

کد مدیر مسئول: ۱۰۲؛ کد امور مشترکین: ۱۱۴

شمارگان: ۶۲۰۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات نگاه آموزشی

آثار ارسالی برای درج در مجله
با ویژگی‌های زیر قابل بررسی است:

قابل توجه
نویسندگان محترم

- قبلاً جای دیگری چاپ نشده باشد.
- دارای چکیده و منبع باشد.
- ترجمه‌ها، هم‌خوان و همراه با متن اصلی باشد.
- از نظر موضوع، نو و کاربردی باشد و قابلیت تعمیم در مدرسه را داشته باشد.
- خوانا، روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد.
- در کاغذ A۴ و یک روی کاغذ نوشته شود.
- مقاله‌ها حتی الامکان دارای جدول، نمودار و عکس مناسب باشد.
- مجله در قبول، رد، ویرایش و تلخیص آثار رسیده آزاد است.
- آثار ارسالی بازگردانده نمی‌شود.

فروردین ماه گل‌ها

آموزشی (یا کمک آموزشی)، از وظایف دفتر انتشارات کمک آموزشی است و این دفتر نزدیک به ده سال است که «جشنواره کتاب‌های آموزشی» را در این راستا برگزار می‌کند. کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی، اگر نگوییم پلیه‌اند، به هر حال به نوعی در کار آموزش و پرورش اختلال ایجاد می‌کنند که به نظر ما مهم‌ترین اختلال آن‌ها هم فاصله انداختن میان دانش‌آموزان و کتاب‌های خواندنی یا کتاب‌خوانی است؛ یعنی همان چیزی که موجب رشد و پرورش فکری و ذهنی بچه‌ها می‌شود. اما چه چاره؟ چاره این بوده که وزارت آموزش و پرورش بهتر دیده‌است با برگزاری جشنواره‌ای که امسال نهمین سال آن برگزار شد، تا حلدی توجه مؤلفان و ناشران و معلمان را به آثار برجسته این حوزه جلب کند و استانداردهای مناسبی را به مخاطبان کتاب‌های کمک آموزشی و درسی عرضه کند. به منظور معرفی این فعالیت و برای تقدیر از همکاری که این وظیفه را به عهده دارند، در این شماره به این موضوع پرداخته‌ایم.

۳. ویژه‌نامه استانی این شماره را که آخرین ویژه‌نامه استانی ماست، به کرمانشاه اختصاص داده‌ایم. این تجربه تازه‌ای بود که امسال به آن دست زدیم و در واقع کاری آزمایشی بود که می‌تواند در آینده هم ادامه پیدا کند و امیدواریم چنین باشد. در این جا با تشکر از همکاری که در استان‌های چهارمحال و بختیاری، زنجان، خراسان شمالی، یزد و کرمانشاه، در تولید این مجموعه به ما کمک کردند، بویژه از خوانندگان خود در این استان‌ها، می‌خواهیم نقد و نظرهای خود را در باره ویژه‌نامه برای ما بفرستند. در شماره آینده ویژه‌نامه‌ای برای پاسداشت استاد شهید مطهری خواهیم داشت.

سرمدی

ماه فروردین است و آغازین روزهای سال ۱۳۹۱؛ نخستین سال از آخرین دهه قرن چهاردهم هجری شمسی. بنابراین کمتر از یک دهه به آغاز قرن پانزدهم مانده است. این سال را به معلمان عزیز بخصوص به خوانندگان رشد معلم، و خوانندگان دیگر رشد‌ها، تبریک می‌گوییم و برای همه تن درستی، سلامت روان و هشیاری جان آرزو می‌کنیم. شماره‌ای که در دست دارید، نشانی از «خواب تابستانی» مجله را با خود دارد، چه، پس از آن تنها یک شماره خواهیم داشت و به تعطیلات خواهیم رفت. با این حال، این شماره به نوعی ویژه است. چگونه؟ به شرحی که می‌خوانید:

۱. بیستم فروردین ماه هر سال، «روز ملی فناوری هسته‌ای» نام دارد و یکی از روزهای مهم در تقویم‌هاست و اما، اهمیت حقیقی آن خارج از تقویم است و همان است که همه می‌دانیم. مسئله انرژی هسته‌ای که قدرت‌های جهانی و در رأس آن‌ها آمریکا اصرار دارند آن را به «سلاح هسته‌ای» وصل کنند و سال‌هاست به چالشی بزرگ برای کشور ما بدل شده‌است، از ارزش علمی و فناورانه ویژه برای ما برخوردار است. در واقع، آن‌چه از رهگذر دست‌یابی به علوم و فنون هسته‌ای نصیب ملت ایران شده‌است، ارتقای حیثیت و جایگاه علمی مردان علم و اندیشه و مهندسان و فناوران برجسته‌ای است که طی چند دهه به این قابلیت دست یافته‌اند و دوست و دشمن را انگشت به دهان کرده‌اند. «انرژی هسته‌ای» حقیقتاً یک امر ملی است و باید در گرامیداشت آن بکوشیم. از همین روست که روی جلد این شماره، تصویر یکی از معلمان دانشمند و تلاشگر این عرصه، یعنی دکتر **ابوالقاسم قلمسیاه**، مزین کرده‌ایم تا ادای دینی باشد به این معلم برجسته و خدمتگزار، و یادی باشد از استادان توانمند و برجسته‌ای که در چند سال اخیر در این راه شریک شهادت نوشیده‌اند، یعنی دکتر مسعود علی محمدی، دکتر مجید شهریاری، دکتر داریوش رضایی نژاد و مهندس مصطفی احمدی روشن.

۲. بخش قابل توجهی از این شماره بر محور کتاب‌های کمک‌درسی سامان یافته است؛ گفت‌وگو، گزارش و مقاله. سامان‌بخشی کتاب‌های

گفت
و گو

سامان کتاب چه می‌کند؟

اشاره

نزدیک یک دهه است که دفتر انتشارات کمک آموزشی هر ساله در پاییز جشنواره‌ای برگزار می‌کند و کتاب‌های برگزیده در زمینه علمی و آموزشی را در رشته‌های گوناگون معرفی و از مؤلفان و ناشران این کتاب‌ها تقدیر می‌کند. آنچه می‌خوانید، متن گفت‌وگویی است که در این زمینه با آقای محبت‌الله همتی - رییس گروه داوران دفتر انتشارات کمک آموزشی که هر سال «جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد» به همت او برگزار می‌شود - انجام شده است. رشد

■ جناب همتی، شما امسال نهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد را برگزار کردید. مدیران و معلمان ما در مدارس، از طریق کتاب‌نامه‌های رشد که شما برای آن‌ها می‌فرستید، با دورنمای یک دهه فعالیت شما - به اجمال - آشنا هستند. برای آشنایی بیشتر آن‌ها، از شما خواهش می‌کنیم درباره برنامه‌های خودتان به تفصیل توضیح دهید.

□ وظیفه اصلی دفتر انتشارات کمک آموزشی از بدو تأسیس، تولید مواد خواندنی مناسب برای مخاطبان خود یعنی دانش‌آموزان و معلمان بوده است. این وظیفه قبل از انقلاب با انتشار «مجلات پیک» آغاز می‌شود و پس از انقلاب هم با شروع انتشار «مجلات رشد» استمرار می‌یابد. از جمله مواد خواندنی، می‌توان از تولید و





انتشار «کتاب» نیز در کنار مجلات نام برد. تولید و انتشار کتاب فراز و فرودهای بسیاری در دفتر انتشارات کمک آموزشی داشته است. قبل از انقلاب اسلامی، در این دفتر بیش از ۵۰ عنوان کتاب منتشر شده است که این فعالیت پس از انقلاب با تشکیل واحد کتاب ادامه یافته است. از دل واحد کتاب و به مرور و با رشد کمی و کیفی فعالیت‌های آن، انتشارات مدرسه شکل گرفته که هم‌اکنون از جمله ناشران موفق در انتشار کتاب‌های علمی و آموزشی محسوب می‌شود. اکنون انتشارات مدرسه، ناشر وابسته به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است.

از حدود ۱۳ سال پیش تاکنون، موضوع کتاب و کتاب‌خوانی در سازمان بحث مهمی بوده است. براساس ضرورت زمانه، نیمه دوم دهه هفتاد، طرحی به نام «طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی»، یا همان سامان کتاب، شکل گرفت و وظیفه اجرای آن به دفتر انتشارات کمک آموزشی محول شد.

■ عناصر یا ارکان این کار چه بود یا چیست؟

این طرح سه عنصر اساسی دارد:
اول، تولید و تعریف ویژگی‌های کتاب‌های آموزشی است. در این زمینه، تاکنون ۳۰ عنوان راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی تولید و منتشر شده است. این راهنماها در سایت samanketab.roshtmag.ir قابل مشاهده است.

هدف اساسی این راهنماها، هدایت تولیدکنندگان کتاب‌ها و سوق دادن آن‌ها به سوی تولید آثار مناسب برای مخاطبان است. در واقع این فعالیت ناظر به تولیدکنندگان کتاب‌های آموزشی (مؤلفان و ناشران) است و نقش هدایتی فعالیت‌های نشر کتاب را به عهده دارد. عنصر دوم، انتشار مستمر «کتاب‌نامه‌های رشد» به عنوان فهرستگان کتاب‌های مناسب و مرتبط با برنامه‌های درسی است. در طول این سال‌ها، نوزده هزار کتاب توسط معلمان زبده و کارشناسان گروه‌های درسی بررسی شده است که از این میان، نزدیک به ۹ هزار کتاب، در کتاب‌نامه‌ها و برای دوره‌های تحصیلی گوناگون، به شکل توصیفی معرفی شده است. این فعالیت ناظر به نیاز مصرف‌کنندگان کتاب‌های آموزشی یعنی معلمان و دانش‌آموزان است. در واقع، در این فهرستگان، کتاب‌هایی که با محتوای برنامه‌های درسی ارتباط

مفهومی و محتوایی دارند، معرفی می‌شوند. این کتاب‌نامه‌ها می‌توانند به عنوان مرجع، برای تجهیز کتاب‌خانه‌های کلاسی و آموزشی‌گاه‌ها استفاده شوند. نقش کتاب‌نامه‌های رشد، حمایت از آثار مناسب آموزشی است.

سوم، برگزاری جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد است. در این جشنواره، در فاصله زمانی معینی که فراخوان هر جشنواره آن را مشخص می‌کند، کتاب‌های چاپ اول هر دوره داوری می‌شوند که از میان آن‌ها بهترین‌ها معرفی و به پدیدآورندگان آن‌ها جوایزی اهدا می‌شود. نقش عمده جشنواره‌ها، جریان‌سازی در حوزه کتاب‌های آموزشی و تشویق آثار مناسب‌تر است. این فعالیت نیز ناظر به فعالیت تولیدکنندگان است.

تاکنون ۹ دوره جشنواره برگزار شده است، یعنی به‌طور متوسط هر سه سال دو جشنواره. جشنواره دهم که در سال ۱۳۹۲ برگزار خواهد شد، به کتاب‌های دوره‌های ابتدایی و راهنمایی اختصاص دارد و کتاب‌های چاپ اول سال‌های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ را شامل می‌شود. از همین جا دعوت می‌کنم، معلمان آثار خود را برای دبیرخانه دائمی سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی ارسال کنند.

■ بخشی از فعالیت‌های واحد کتاب طی دو دهه گذشته، تولید مجموعه کتاب‌های داستانی چلچراغ، مفاخر و... و هم‌چنین کتاب‌های «دوستت دارم ایران، خورشید ایران و بالاخره موسوعه امام حسین (ع)» بوده است. آیا این فعالیت‌ها ادامه دارد یا به آخر رسیده است؟

□ همان‌طور که عرض کردم، تولید کتاب در دفتر انتشارات کمک آموزشی فراز و فرودهای زیادی داشته است. در دوره‌ای پس از انقلاب، نام این دفتر، «مدرسه کمک آموزشی و تجهیز کتاب‌خانه‌های مدارس» بود. بعدها تجهیز کتاب‌خانه‌ها به معاونت پرورشی واگذار شد و نام دفتر به «انتشارات کمک آموزشی» تغییر یافت.

پس از آن که واحد کتاب به انتشارات مدرسه تبدیل شد و انتشارات مدرسه بزرگ و بزرگ‌تر شد و کم‌کم از تولید آثار مورد نیاز دانش‌آموزان و دیگر موضوعاتی که سیاست‌های دفتر ایجاب می‌کرد، به نحوی سرباز زد. در نتیجه، واحد کتاب دوباره براساس شرح وظایف دفتر شکل گرفت و فعالیت‌هایی را برای تولید کتاب‌هایی که در آن دوران مجموعه نشر کشور از انتشار آن‌ها ناتوان بود، سرلوحه کار خود قرار داد. از این جا بود که مجموعه موضوعاتی تحت عنوان «شرح حال مفاخر و...» شکل گرفت. با مهم شدن طرح سامان‌بخشی و مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش، مقرر شد توان مجموعه کارشناسی دفتر در قالب فعالیت طرح سامان‌بخشی به کار گرفته شود. لذا این فعالیت‌ها به سوی انتشارات مدرسه هدایت شد تا با ساز و کاری که در انتشارات مدرسه موجود است، ادامه پیدا کند. اکنون در دفتر هیچ‌گونه فعالیت و پروژه‌ای که هدف آن انتشار کتاب باشد، جاری نیست و بخشی از این فعالیت مثل شرح حال مفاخر، در انتشارات مدرسه ادامه پیدا می‌کند. حتی تولید مجموعه «دوستت دارم ایران» و نیز «خورشید ایران»، متوقف شده است و انتشار آن در شرایط کنونی توجیه ندارد. کار انتشار بعضی کتاب‌ها مثل موسوعه امام حسین (ع) هم نیز به پایان رسیده است.

■ قبل از این که به سؤالات دیگر بپردازیم، لطفاً بفرمایید جمع‌بندی‌تان از یک دهه فعالیت معاونت کتاب، از جنبه‌های

■ براساس ضرورت زمانه، نیمه دوم دهه هفتاد، طرحی به نام «طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی»، یا همان سامان کتاب، شکل گرفت و وظیفه اجرای آن به دفتر انتشارات کمک آموزشی محول شد

گوناگون ناشران، مؤلفان، مدارس و دانش آموزان چیست؟ و چشم انداز فعالیت های آینده خودتان را چگونه می بینید؟

□ سؤال مهمی است. در بخش تولید کتاب، نقش «انتشارات مدرسه» به عنوان ناشر وابسته به سازمان در دوره های گوناگون قابل تحلیل است که در حوصله این مصاحبه نمی گنجد و وقت مفصلی می طلبد و مسئله خوانندگان رشد معلم هم نیست؛ فقط همین که انتشارات مدرسه باید در عرصه نشر علمی و آموزشی «الگو» باشد. در فاز دوم شکل گیری واحد کتاب، به جز موسوعه امام حسین (ع) و مجموعه «چهارده آفتاب»، هیچ کدام از فعالیت ها نهایی نشده و هدایت این فعالیت ها به سوی انتشارات مدرسه، امری کاملاً منطقی بوده است.

■ به هر حال کار سامان بخشی ادامه دارد؟

□ البته که ادامه دارد. اما باید بگویم که در حوزه ترویج کتاب و کتاب خوانی، تاکنون متأسفانه سیاست واحدی در سطح وزارت آموزش و پرورش نبوده است که امیدوارم با مصوبه جلسه شماره ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش، مورخ ۸۹/۷/۲۲، این امر تحقق پذیرد. در سامان بخشی کتاب های آموزشی در طول یک دهه گذشته، بیشتر فعالیت ها، به ارتباط با تولید کنندگان معطوف بوده است و معلمان و دانش آموزان کمتر با خروجی های این طرح آشنا بودند. البته در آینده جهت گیری طرح، به سمت مصرف کنندگان کتاب در فرایند یاددهی - یادگیری تغییر خواهد یافت.

وظیفه اصلی مدرسه، اجرای برنامه درسی مصوب است. هجوم بی رویه کتاب های نامناسب و مناسب به مدارس، یادگیری را دچار مشکلاتی کرده است که با مصوبه ۸۲۸ این امر روال منطقی تری خواهد یافت.

کتاب مناسب، حوزه یادگیری را گسترش می دهد و منابع یادگیری را متنوع و امر یادگیری را تسهیل می کند و عمق می بخشد. فلسفه وجودی طرح سامان بخشی، گسترش مواد آموزشی با محوریت برنامه های درسی است. حمایت از کتاب مناسب و استفاده از آن در فعالیت های یاددهی - یادگیری، بحث مهمی است که مادر پی آنیم. فکر می کنم شرایط به گونه ای پیش می رود که اتخاذ سیاست واحد در سطح وزارت آموزش و پرورش، می تواند ما را در تحقق اهداف مهمی که داریم، یاری کند.

■ آقای همتی، وقتی از «کتاب های آموزشی» صحبت می شود، ناخودآگاه ذهن به طرف کتاب های کمک درسی و کمک آموزشی و کتاب های کار و تمرین و... می رود و موضوع کتاب خوانی و مطالعه غیردرسی و کتابخانه مدرسه، مغفول می ماند. دفتر در قبال تجهیز کتابخانه های مدارس تا چه حد مسئول است؟

□ اولاً کتاب آموزشی مفهومی است که تعریف و ویژگی های انواع آن در اولین راهنمای تولید کتاب های آموزشی بیان شده است. اما عرض می کنم که کتاب کمک درسی یکی از انواع کتاب های آموزشی است که ارتباط بسیار تنگاتنگی با کتاب درسی دارد. اما انواع و مفهوم کتاب آموزشی بسیار گسترده است. کتاب های مرجع مثل انواع فرهنگ ها و دایره المعارف ها، از جمله کتاب های آموزشی هستند. توصیه می کنم، همکاران محترم به راهنمای شماره ۱ که در سایت موجود است، مراجعه کنند.

ثانیاً دفاتر انتشارات کمک آموزشی در قبال تجهیز کتابخانه های مدارس، نقش مستقیمی ندارد و سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی به عنوان متولی و تولیدکننده برنامه درسی، در این باره به طور عمده نقش سیاست گذار را ایفا می کند. البته این نقش با مصوبه گفته شده پررنگ تر می شود.

■ شما حداقل سه رسانه در اختیار دارید تا فعالیت های خود را به اطلاع برسانید: ۱. سایت ۲. نشریه جوانه ۳. مجلات رشد. درباره هر یک و چگونگی ارتباط متقابل بین مخاطبان خودتان توضیح می فرمایید؟

□ ۱. در حال حاضر سایت سامان کتاب، مجموعه اطلاعاتی را که در طول یک دهه فعالیت انجام شده است، در اختیار مخاطبان قرار می دهد و بخش های متنوعی دارد که نیازهای مخاطبان گوناگون را پاسخ می دهد. جنبه اطلاع رسانی آن فعال از حیثیت دارد. در آینده ای نزدیک، تغییراتی در آن ایجاد خواهد شد تا سطح تعاملی آن ارتقا یابد.

نشریه جوانه با برگزاری اولین جشنواره کتاب های آموزشی رشد در سال ۱۳۷۹ شکل گرفت و تا دو سه سال به عنوان ویژه نامه جشنواره منتشر می شد. بعدها دوستان و همکاران مجوز انتشار آن را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گرفتند تا به شکل فصل نامه منتشر شود. این نشریه، تنها نشریه ای است که به شکل تخصصی به موضوع کتاب های آموزشی می پردازد. پی دی اف شماره های آخر آن در سایت قابل مشاهده است؛ بعضی از مقالات آن نیز همین طور.

گهگاهی فعالیت بخش کتاب هم در مجلات رشد منعکس می شود. اما موضوع کتاب و تألیف کتاب های آموزشی توسط معلمان، بحثی است که جا دارد نشریه معلم به آن بپردازد. ماهیت تألیفات معلمان در شرایط کنونی با سال های نه چندان دور تفاوت هایی داشته است که خوب است ابعاد آن برای همکاران عزیز روشن شود.



■ تاکنون ۹ دوره جشنواره برگزار شده است. یعنی به طور متوسط هر سه سال دو جشنواره. جشنواره دهم که در سال ۱۳۹۲ برگزار خواهد شد، به کتاب های دوره های ابتدایی و راهنمایی اختصاص دارد و کتاب های چاپ اول سال های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ را شامل می شود

معلمان، مرجع انتخاب کتاب

سالن همایش‌های پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری، در روز چهارم دی‌ماه ۹۰، میزبان دست‌اندرکاران حوزه تولید کتاب‌های آموزشی از جمله نویسندگان، مترجمان و ناشران بود؛ علاقه‌مندانی که به مناسبت اختتامیه نهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد، دور هم جمع شده بودند.

در این دوره از جشنواره، کتاب‌های دوره متوسطه نظری و فنی و حرفه‌ای منتشر شده در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ بررسی شده بود. ۱۳۷ داور، این کتاب‌ها را بررسی کرده بودند که نتیجه آن ۳۳ اثر برگزیده و ۴۷ اثر تقدیری بود.

در ابتدای مراسم، محمد ناصری، دبیر جشنواره، و مدیرکل دفتر انتشارات کمک آموزشی، با اشاره به ابلاغ «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» و «آیین‌نامه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی (مواد و رسانه‌ها)» گفت: «در بندهای گوناگون این سند، بر استفاده از منابع آموزشی متنوع و تأسیس کتابخانه در مدارس و تنوع بخشی به محیط‌های یادگیری تأکید ویژه شده است. توسعه مشارکت بخش‌های دولتی و غیردولتی در انجام امور مربوط به تولید، چاپ و توزیع مواد و منابع آموزشی در چارچوب سایت‌های آموزش و پرورش، با تأکید بر سیاست تولید بسته‌های آموزشی و چند تألیفی بودن کتاب‌های درسی، یکی از راهکارهای مهم در سند تحول آموزش و پرورش مورد نظر بوده است.»

وی ادامه داد: «خوش‌بختانه، مجموع فعالیت‌های سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی و محتوای مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش، کاملاً با راهکارهای مصوب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هم‌سوست و این معنا، همه ما را در اجرای هرچه بهتر آیین‌نامه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی (مواد و رسانه‌ها) بیش از گذشته مصمم می‌سازد که قدم‌های محکم‌تری برداریم.»

مدیرکل دفتر انتشارات کمک آموزشی، با تأکید بر نقش معلمان در انتخاب کتاب‌ها گفت: «با پایان یافتن جشنواره نهم، اولویت اول ما، پی‌گیری مصوبه ۸۲۸ در استان‌ها و معرفی مجموعه فعالیت‌ها و خروجی‌های طرح به معلمان، به عنوان افرادی خواهد بود که مرجعیت آنان در انتخاب کتاب و سایر رسانه‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است. معرفی کتاب‌های برگزیده و تقدیری جشنواره‌ها در پایان کتاب‌های درسی نیز، مطابق با مصوبه ۸۲۸، جدی‌تر از گذشته پی‌گیری خواهد شد.»

ویژگی‌های این جشنواره

محمد ناصری درباره ویژگی‌های نهمین دوره جشنواره کتاب‌های آموزشی گفت: «در این جشنواره، ۱۳۴۸ اثر در حوزه متوسطه نظری در ۱۸ رشته درسی، و ۵۲۹ اثر در حوزه فنی و حرفه‌ای در ۱۲ رشته درسی و ۳۹ گرایش، جمعاً ۱۸۷۷ کتاب، به وسیله ۱۳۷ داور قضاوت شد. از آن‌جا که محتوای آثار باید براساس اهداف و رویکردهای برنامه درسی صورت می‌پذیرفت، لذا گروه داوران، به‌طور عمده متشکل از کارشناسان برنامه درسی و معلمان با تجربه بود.

در فرایند داوری، آثار به صورت چرخشی در اختیار داوران قرار می‌گرفت و نظرات آنان با لحاظ معیارهای مشخص، در برگه‌های ویژه‌ای ثبت می‌شد. آثاری که حائز بالاترین امتیازها بودند، به مرحله دوم داوری رسیدند. در مرحله پایانی نیز داوران، ضمن توجه به امتیازهای کتاب‌ها، به بحث و تبادل نظر در باب کیفیت هر اثر

اشاره

به همت معاونت کتاب دفتر انتشارات کمک آموزشی، نهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد در نخستین روزهای دی ماه امسال، به کار خود پایان داد و به این ترتیب، پرونده بررسی ۱۸۷۷ اثر در حوزه متوسطه نظری و فنی و حرفه‌ای بسته شد. بررسی این آثار به عهده ۱۳۷ داور بود که بسیاری از آن‌ها خود از معلمان با تجربه هستند.

مراسم پایانی نهمین دوره از جشنواره، در حالی برگزار شد که شورای عالی آموزش و پرورش، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و همچنین آیین‌نامه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی (مواد و رسانه‌ها) را ابلاغ کرده است.



دکتر محمدیان در اختتامیه نهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد:

معلمان

چراغ کتاب خوانی

را روشن

نگه داشته‌اند

سمانه آزاد

گزارش



معلمان چراغ کتابخوانی را روشن نگه داشته‌اند

حجت‌الاسلام محمدیان در بخش دیگر سخنانش، از ناشران، مؤلفان و مترجمان خواست در تولید محتوای آموزشی و کمک‌آموزشی، مددکار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی باشند. وی گفت: «شما دوستانی که در این جلسه حضور دارید، بخشی از جامعه علمی و فکری ما هستید و انتظار داریم به کمک کنید تا بتوانیم در تولید محتوای آموزش رسمی و کمک آموزشی که بخشی از آن به عهده شماست، براساس سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های نظام تعلیم و تربیت عمل کنیم. به این ترتیب، هم‌پار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی سبک‌تر می‌شود و هم سطح کیفیت تولیدات خودتان بالاتر می‌رود و بهتر می‌شود. وی سپس گفت: ما در اختتامیه جشنواره رشد دور هم جمع شده‌ایم تا به اندازه بضاعت‌مان، از فعالان این حوزه که خوب کار کرده‌اند، تقدیر کنیم. البته باید از کسانی که در این جا حضور ندارند، از جمله مدیران مدارس و معلمان تشکر کنم، چراکه این معلمان هستند که هنوز چراغ کتابخوانی را روشن نگه داشته‌اند.»

تقدیر از دو پیش‌کسوت غایب

در آخرین بخش برنامه اختتامیه نهمین جشنواره رشد، همانند سال‌های گذشته، علاوه بر ناشران و پدیدآورندگان آثار برگزیده و تقدیری، از فعالیت‌های دو تن از پیش‌کسوتان حوزه کتاب‌های آموزشی نیز تقدیر شد. یکی خانم حمیده علمی غروی، که متأسفانه اخیراً امرحوم شد، و دیگری آقای احمد خواجه‌نصیر طوسی. **حمیده علمی غروی** در سال ۱۳۰۷ در شهر نجف متولد شد. وی از نوادگان **میرزا حبیب‌الله رشتی** بود که از علمای بزرگ نجف به‌شمار می‌رفت.

خانم غروی در سال ۱۳۲۲، در ۱۵ سالگی همراه با خانواده خود به ایران آمد و به ادامه تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۳۹ در رشته علوم طبیعی از دانشگاه تهران لیسانس گرفت و در سال ۱۳۴۱ نیز در رشته زمین‌شناسی فارغ‌التحصیل شد.

علمی غروی از سال ۱۳۳۹ به خدمت آموزش و پرورش درآمد و به این ترتیب پرونده ۵۰ ساله خدمات علمی و آموزشی خود را گشود. او به تحصیلات خود هم‌چنان ادامه می‌داد. در سال ۱۳۵۳ از دانشگاه تهران فوق‌لیسانس گرفت و چند سال بعد به آمریکا رفت و در رشته «آموزش علوم» از دانشگاه ایلینویز دکترا گرفت.

وی علاوه بر تدریس، به تألیف و ترجمه کتاب‌های علوم زیستی پرداخت، تا جایی که در آخرین روزهای حیاتش نیز به ترجمه چند

پر داختمند. سرانجام آثار برگزیده و تقدیری مشخص شدند که نتیجه آن ۳۳ اثر برگزیده و ۴۷ اثر تقدیری بود.

همانند جشنواره‌های گذشته، در صورتی که اثری متعلق به یکی از داوران بود، از چرخه داوری حذف شد. ما در این موارد، از داور مشاور که جایگزین داور صاحب اثر می‌شد، استفاده کردیم.»

معلمان و تولید بسته آموزشی

در مراسم اختتامیه جشنواره، حجت‌الاسلام **محمی‌الدین بهرام محمدیان**، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، در سخنانی به باز تولید محتوای کتاب‌های درسی و نقش معلمان در تولید بسته‌های آموزشی پرداخت و گفت: «در رویکرد جدید برنامه درسی ملی، شکوفایی و ارتقای تفکر و تعقل عناصر اساسی هستند، چرا که ایمان، بر پایه این‌ها شکل می‌گیرد و در محور تفکر، تعقل و ایمان برآمده از آن است که سه سازه مهم علم، عمل و اخلاق، سامان‌دهی می‌شود. این عناصر باید در ارتباط با خدا، خلق، خلقت و خود، شکوفا شود.»

مسابرای این مهم، ۱۱ حوزه یادگیری را پیش‌بینی کردیم و در سال ۱۳۹۰-۱۳۸۹ موفق شدیم بخشی از محتوای آموزشی‌مان را براساس همین منطق باز تولید کنیم.

کتاب ریاضی پایه اول دبستان بعد از ۳۰ سال، کتاب علوم تجربی بعد از نزدیک به ۱۵ سال و کتاب‌های فارسی و تعلیمات دینی (هدیه‌های آسمانی) پس از ۱۱ سال غنی‌سازی شدند.

معلمان پایه ابتدایی نیز براساس این اهداف، دوره‌های بازآموزی را سپری کردند و علاوه بر آن، برای نخستین بار توانستیم «**بسته آموزشی**» را تولید کنیم. بسته آموزشی مکمل کتاب درسی است و در سال‌های آینده باید به گونه‌ای عمل کنیم که این بسته، نه فقط به عنوان پشتیبان کتاب و معلم و کلاس، بلکه بخش لاینفک از برنامه آموزشی باشد.»

حجت‌الاسلام محمدیان، با تأکید بر این که فضاهای متنوع مدرسه همانند کتاب‌خانه، آزمایشگاه، نمازخانه و حتی حیاط مدرسه، می‌تواند به عنوان محیط یادگیری مورد استفاده قرار گیرد، گفت: «علاوه بر مدرسه، فضاهای خارج از مدرسه هم می‌تواند محیط یادگیری باشد. برای مثال، برای دوره ابتدایی، ما ۸۵۰ ساعت آموزش رسمی کلاسی پیش‌بینی کرده‌ایم، و ۱۰۰ ساعت هم ساعت آموزش رسمی خارج از کلاس در نظر گرفته‌ایم که پنجاه ساعت از آن به صورت متمرکز، از سوی وزارت خانه اعلام شده، و ۵۰ ساعت دیگر هم، برعهده مدیر و معلمان است. به همین جهت است که در کنار تولید محتوای کتاب درسی، بسته‌های آموزشی، کتاب‌های غیردرسی، آموزشی و کتاب کار و حتی محتوای الکترونیک هم پیش‌بینی شده است.»



شادروان حمیده علمی غروی



صدیقه ابراهیمی دلار.
مدیر دبستان بهاره سلیمی
شهرستان نیشابور.
خانم ابراهیمی جایزه ترویج
کتابخوانی را به دلیل فعالیت
تأثیر گذار کتابخانه دبستان
و ترویج کتاب و کتابخوانی
بین دانش آموزان و معلمان، از
آن خود کرد

کتاب جدید مشغول بود.
از آثار وی می توان به نظریه ها و مسائل ژنتیک، فیزیولوژی بدن
انسان، دانش زیست شناسی، مفاهیم و مسائل ژنتیک و ژن درمانی
اشاره کرد. حمیده علمی غروی ۱۶ آذرماه سال جاری درگذشت.
«احمد خواجه نصیر طوسی» که آثار ارزشمند زیادی را در
حوزه فیزیک و شیمی به جامعه آموزشی عرضه کرده، از دیگر
فعالان حوزه کتاب های آموزشی است که در این مراسم مورد تقدیر
قرار گرفت.

وی که در سال ۱۳۰۶ متولد شده است و آن روز نتوانست
در مراسم حضور یابد، آثاری هم چون «نجوم دینامیکی»، «پیدایش
زندگی»، «فیزیک دانان بزرگ»، «الکتریسته مغناطیس» و «زندگی
در اقیانوس» را پدید آورده است.

در آخرین بخش از مراسم افتتاحیه نهمین جشنواره کتاب های
آموزشی رشد، از ناشران برگزیده این دوره تقدیر شد. انتشارات
فاطمی، انتشارات مدرسه برهان و انتشارات مبتکران، با کسب
بالاترین امتیازها، به عنوان سه ناشر برگزیده انتخاب شدند.



موسوعه

از دشت وسیع طف شهیدان رفتند
در عرصه کربلا به خون در خفتند
اینک اما به باغ «موسوعه» ما
گویی به بهار زندگی بشکفتند



تحقیق امام حسین (ع) به عهده گرفتند و سرانجام آن را در سال ۹۰ به پایان بردند. در ضمن طی این مدت کار، از حمایت و پشتیبانی آقایان رحماندوست، سید مهدی شجاعی، محسن چینی فروشان، سید محسن گلدان ساز، علی رضا حاجیان زاده و محمد ناصری مدیران و مسئولان دفتر-برخوردار بود.

رونمایی

مراسم رونمایی مجموعه ۲۴ جلدی موسوعه، در روز یکشنبه ۲۵ دی ماه ۹۰، در مدرسه امیرالمؤمنین (ع) قم با حضور آیت الله مکارم شیرازی برگزار شد. در این مراسم که وزیر محترم آموزش و پرورش آقای حاج بابایی، معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، حجت الاسلام دکتر محمدیان، مدیران کل دفاتر سازمان و جمعی از کارشناسان و صاحب نظران حوزه و آموزش و پرورش حضور داشتند، ضمن گرامیداشت کار بزرگی که به همت آموزش و پرورش انجام گرفته است، از خواهرانی که این کار به همت آنان انجام گرفته بود و نیز از دوتن ناظران علمی موسوعه، آیت الله شیخ محمد رضا جعفری - که متأسفانه دو سال پیش به لقاء حق پیوست - و آیت الله محمد رضا جلالی حسینی تقدیر به عمل آمد. آیت الله مکارم شیرازی سخنران اصلی مراسم بودند که طی بیاناتی فرمودند: «حوادث بسیاری اعم از جنگ های جهانی با بیش از ۳۰ میلیون کشته و ویرانی های بسیار، با گذشت زمان فراموش شده است و نسل های جدید تنها در کتاب های تاریخ نامی از آنها را می خوانند، اما برخی حوادث با گذشت زمان گسترده تر می شوند که دلیل آن ارتباط با ذات خداوند است. هر چه با او پیوند داشته باشد، جاودانه خواهد شد.» تألیف این مرجع عالی قدر شیعه اضافه کرد: «تألیف این موسوعه، یکی از عوامل فزونی امواج عاشورا ست و برای این امر ۳۶ سال زحمات بسیاری کشیده شده است.» آیت الله مکارم با اشاره به این که موسوعه منبعی مهم برای تمام محققان خواهد بود ادامه داد: «تحلیلگران باید براساس این مجموعه غنی، تحلیل های جدیدی از واقعه کربلا صورت دهند و نتایج این قیام را از لایه لای برگ های تاریخ به دست آورند.»

یکی از فعالیت های سنگین واحد کتاب دفتر انتشارات کمک آموزشی در ۲۵ سال اخیر، تحقیق، تدوین، چاپ و انتشار مجموعه ای ۲۴ جلدی به نام موسوعه امام حسین (ع) بوده که کار آن در شهریور ماه سال گذشته پایان یافت و مراسم رونمایی از آن در شهر مقدس قم برگزار شد.

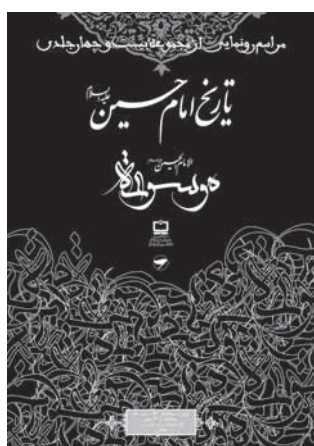
موسوعه؟

کلمه موسوعه اصطلاحی است به معنای دانش نامه یا دایرة المعارف و عموماً به مجموعه کتابی اطلاق می شود که حاوی اطلاعات و دانستنی های جامعی پیرامون یک موضوع یا عنوان باشد. بنابراین موسوعه امام حسین (ع) مجموعه ای است مشتمل بر کلیه اطلاعات و آگاهی هایی که در طول چهارده قرن گذشته در کتاب های تاریخ، حدیث، رجال و... درباره امام حسین (ع) و واقعه جانسوز کربلا آمده بوده و اکنون با گردآوری، تلخیص، پالایش و ویرایش، در مجموعه حاضر مدون گردیده است.

کار موسوعه از سال ۱۳۶۴ در دفتر انتشارات کمک آموزشی - مجلات رشد - آغاز شد؛ بدون این که از همان آغاز هدفی چنین بزرگ را، که اینک شاهد آن هستیم، در پیش رو داشته باشد. به گفته مصطفی رحماندوست که در واقع پیشنهاد دهنده اولیه این طرح بوده، «هدف آن بود که با توجه به فضای جبهه و جنگ، مطالبی ساده راجع به امام حسین (ع) و واقعه کربلا از کتاب های مقاتل، تاریخ و مجموعه های حدیثی استخراج شود تا دستمایه نویسندگان کودک و نوجوان

برای نوشتن داستان های مناسب برای این گروه سنی قرار گیرد.»

این کاری بود که در همان سال های اول انجام شد و کتاب هایی نیز براساس آن نوشته شد؛ اما تقدیر چنین بود که پژوهش در آن حد متوقف نماند و سرانجام، در طی نزدیک به سه دهه، به مجموعه ای که امروز می شناسیم، تبدیل شود و نام موسوعه امام حسین (ع) را به خود گیرد. کار تحقیق و تدوین مجموعه را سه نفر از خواهران همکار یعنی: خانم اکرم موسوی، خانم اعظم قادر سهمی و خانم اعظم فخر، در گروهی به نام «گروه



سال شمار عمر

۱۲۹۹: در دوم اسفند، در کرمان، در خانواده‌ای یزدی به دنیا آمد.

۱۳۱۳: از دبستان پهلوی کرمان تصدیق ششم ابتدایی گرفت و به دبیرستان رفت.

۱۳۱۷: شاگرد اول دانش سرای مقدماتی کرمان شد و برای ورود به دانش سرای عالی رهسپار تهران شد.

۱۳۲۲: در خرداد، موفق به اخذ لیسانس فیزیک-شیمی از دانش سرای عالی تهران شد و به عنوان دبیر فیزیک به یزد رفت و ۱۳ سال در یزد خدمت معلمی کرد و همزمان تحت مدیریت حسین فخرالدینی و دکتر حسین محبوبی اردکانی ناظم مدرسه ایرانشهر شد.

۱۳۳۵: به تهران منتقل شد و در دبیرستان‌های ۱۵ بهمن، انوشیروان دادگر، ابن سینا، شرف، هدف و فیروز بهرام تدریس کرد.

۱۳۳۹: به فرانسه رفت و در مرکز اتمی فرانسه تحصیل کرد.

۱۳۴۲: موفق به اخذ درجه دکترا در علم فیزیک از دانشکده علوم پاریس شد. رساله دکترا او «گاز کرو ماتوگرافی» بود که با عنوان «رپرت مرکز اتمی فرانسه» در فرانسه به چاپ رسید.

۱۳۴۲: به ایران بازگشت. عضو مرکز اتمی و بعد عضو هیئت علمی دانشگاه تهران شد.

۱۳۴۷: به عضویت شورای برنامه‌ریزی آموزش و پرورش درآمد. کتاب‌های درسی فیزیک دبیرستان را نوشت. این کتاب‌ها تا سال ۷۶-۱۳۷۵ در کلیه دبیرستان‌های ایران تدریس می‌شد.

۱۳۵۴: مسئول آموزش گروه فیزیک دانشکده علوم دانشگاه تهران شد. هم‌چنین عضو کمیسیون تجدیدنظر در نظام آموزش کشور و کمیسیون تعیین استانداردهای علمی در اداره استاندارد شد و در دوره‌های گوناگون به عنوان مدیر گروه فیزیک دانشگاه تهران خدمت کرد.

۱۳۶۴: با درخواست خود بازنشسته شد و از آن پس به مدت ۲۵ سال مسائل آموزش و ویراستاری نشریه علوم و فنون هسته‌ای سازمان انرژی اتمی را برعهده گرفت. در این مدت، با بنیاد دانش نامه بزرگ فارسی همکاری می‌کرد. تعدادی از مقالات «زندگی نامه علمی دانشوران»- به سرپرستی استاد احمد بیرشک را ترجمه کرد و جلد اول کتاب «علم در زمان حاضر» را که مرحوم علی اصغر آزاد ترجمه کرده بود ویرایش و دنباله آن را ترجمه کرد. همان قدر که به علم توجه داشت، ادیب و متدین بود. بسیاری از آیات قرآن و غزل‌های حافظ را از حفظ می‌خواند. در جمع «یاران با صفا» اغلب شعر حافظ را با این مطلع می‌خواند: دانی که چیست دولت یار دیدن/ در کوی او گدایی بر خسروی گزیدن...

۱۳۸۹: در نهم آذرماه، جان به جان آفرین تسلیم کرد و در قطعه نام‌آوران بهشت‌زهره به‌خاک سپرده شد. در اسفندماه، مردم حق شناس یزد، مجلس یادبودی برایش گرفتند و تندیس او را در دبیرستان سپهر نصب کردند.



ابوالفاسم قلمسی

(۱۳۸۹-۱۲۹۹)
اسفندیار معتمدی

۱۳۹۰: اتحادیه انجمن‌های علمی آموزشی معلمان فیزیک ایران، در مراسم باشکوهی، خدماتش را ستودند و لوح سپاسی به خانواده‌اش تقدیم کردند.

نام نیک او

پنجشنبه ۸ دی ماه ۱۳۹۰، همایش یک‌روزه‌ای با موضوع «فیزیک و لزوم همگانی کردن آن»، در محل جدید فرهنگستان علوم برگزار شده بود. عنوان سخنرانی‌ها و پرسش و پاسخ‌هایی که در آن جلسه مطرح شد، مرا به یاد استاد دکتر قلمسیاه انداخت. خاطرات بیش از سی سال ارتباط علمی و آموزشی و روابط دوستی استاد از ذهنم گذشت و دغدغه‌های هر یک از شرکت‌کنندگان مرا متوجه تلاش و کوشش یک عمر معلمی آگاهانه و صادقانه آن شادروان کرد. آنچه از زبان این استادان دل‌سوز در همایش شنیدم، در اندیشه و کردار و نوشته‌های دکتر قلمسیاه یافتم. نمونه‌هایی از آن سخنان را در این جا می‌آورم و آن‌ها را با سخنان استاد قلمسیاه مقایسه می‌کنم:

دکتر محمد اخوان، دبیر سمینار و رییس شاخه فیزیک فرهنگستان علوم: همه باید بدانند که منابع اصلی کشور، چهار کیلومتر زیر زمین نیست، بلکه منابع اصلی ایران یک و نیم متر، دو متر، بالای زمین است.

دکتر قلمسیاه می‌گفت: علت عقب‌ماندگی بعضی از کشورها چهار عامل است: کاهلی و کم‌کاری؛ ناآگاهی و بی‌اطلاعی؛ زیاده‌طلبی؛ بی‌نظمی. استاد خود مظهر پرکاری، کم‌خواهی و آگاهی و نظم بود [رحیمی‌نژاد، مدیرکل آموزش و پرورش استان یزد: ۱۳۸۹/۲/۲]. به نظر دکتر قلمسیاه، عامل عقب‌ماندگی فقر منابع زیرزمینی نیست، بلکه فقر نیروی انسانی است.

دکتر محمدتقی توسلی، استاد فیزیک دانشگاه تهران: رشد و توسعه علم و فناوری پیشرفته معاصر رابطه تنگاتنگی با رشد و توسعه شناختی دارد. سنجش‌شناسی و اندازه‌گیری دقیق تر کیمیت‌ها در کشف پدیده‌های جدید... و ارتقای کیفیت کالاهای بسیار مؤثر واقع شد. بناً نجار و مهندس ما نسبت به اندازه‌گیری دقیق بی‌توجه هستند.

دکتر قلمسیاه می‌گفت: دانش فیزیک نیز از اندازه‌گیری مایه گرفته است. می‌توان با اطمینان گفت، اگر ما نتوانیم شیئی را اندازه بگیریم، درباره آن چیز معنی‌داری نمی‌دانیم [سال اول آموزش متوسطه، فصل ۲. اندازه‌گیری طول جرم و زمان. تألیف دکتر ابولقاسم قلمسیاه، ۱۳۵۳].

دکتر محمدرضا خواجه‌پور، استاد فیزیک دانشگاه تحصیلات تکمیلی زنجان: تاریخچه «همگانی‌سازی علم» را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: دوره اول از اوایل قرن نوزدهم تا میانه قرن بیستم؛ که در آن وسایل رسانه‌ای عبارت بود از کتاب، مطبوعات، سخنرانی‌های علمی و بعدها رادیو و فیلم. **دکتر قلمسیاه،** برای همگانی کردن علم، علاوه بر نوشتن کتاب‌های درسی فیزیک دوره دبیرستان (هشت مجله) و کتاب‌های تخصصی دانشگاهی، کتاب‌هایی علمی هم برای عموم خوانندگان تهیه کرد که از جمله آن‌ها فرهنگ علم، فرهنگ اندیشه نو و حفاظت رادیولوژیکی محیط زیست است. ایشان هم‌چنین با شادروان احمد بیرشک، در ترجمه

زندگی نامه علمی دانشوران و مقاله‌های تاریخ فیزیک در مجله رشد فیزیک همکاری کرد. علاوه بر آن به تشکیل جلسات سخنرانی دست زد. وی در این زمینه نوشته است: در سال ۱۳۲۱ که دانشکده علوم دانشگاه تهران از دانش‌سرای عالی جدا و مستقل شد، دکتر حسابی (رحمت‌الله علیه) به ریاست آن منصوب شد... به دستور او انجمن‌هایی برای فعالیت دانشجویان در کارهای فوق برنامه، از جمله انجمن علوم و انجمن تعاونی تشکیل شد و من از طرف دانشجویان داوطلب انجمن تحقیقات علوم که در حدود ۲۵ نفر بودند، به ریاست آن انتخاب شدم و تحقیقات جالب و مفیدی مخصوصاً درباره دانشمندان اسلامی که در قسمت علوم (به‌ویژه فیزیک) کار کرده بودند، انجام گرفت. ما برای راهنمایی خود، از استادان صاحب‌نظر دانش‌سرای عالی از جمله بدیع‌الزمان فروزانفر و دکتر محسن هشترودی دعوت کردیم... سالن کنفرانس ما یکی از اتاق‌های بزرگ

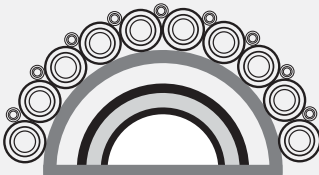


دانشکده علوم بود: این ساختمان در محوطه جنوبی باغ نگارستان (نزدیک میدان بهارستان) قرار داشت... [پوران پژوهش. سازمان انرژی اتمی ایران، مصاحبه دکتر قلمسیاه، تأثیر. ۱۳۸۹].

خانم شاهسواری، رییس اتحادیه انجمن‌های علمی آموزشی معلمان فیزیک ایران: دانشگاه‌ها، آموزش و پرورش، مؤسسه‌های غیردولتی (NGO) و دولت و مجلس، به منزله چهار پایه حامی جایگاه معلم و اثربخشی آموزش و ترویج فیزیک معرفی شده‌اند. وی به اهمیت کار معلم و اثر شخصیت او در ارتقای سطح علمی جامعه و موفقیت دانش‌آموزان سخن گفت.

دکتر قلمسیاه می‌گفت: علی‌اصغر حکمت، وزیر معارف و اوقاف (آموزش و پرورش کنونی) برای تربیت معلم‌های خوب برای دبستان‌ها، دستور تأسیس دانش‌سراهای مقدماتی را در سراسر کشور صادر کرده بود و دانش‌سرای مقدماتی کرمان در ۱۳۱۴ تأسیس شد. ایشان برای بازدید از فرهنگ کرمان در سال ۱۳۱۵ به این شهر آمد و من در آن سال دانش‌آموز کلاس نهم بودم. مرحوم حکمت موقع بازدید از دبیرستان، به اغلب کلاس‌های درس از جمله کلاس ما آمد... در آن ساعت، ما درس تاریخ داشتیم و مرحوم سیدمحمد هاشمی، مدیر «روزنامه بیداری کرمان» معلم ما بود... موقع ترک کلاس، به رییس دبیرستان [مرحوم دهش] گفت: این شاگردان خوب را تشویق کنید به دانش‌سرای مقدماتی بروند تا معلمان خوبی برای آتی کشور باشند.

دکتر سعادالله نصیری قیداری، استاد فیزیک دانشگاه



سیمین بزاز
(۱۳۴۵)

معلم نمونه کشوری استان لرستان

سیمین بزاز آموزگار پایه سوم در خرم‌آباد است. ۱۸ سال سابقه کار دارد و مدرسه شهیدعباس کامیاب خدمت می‌کند.

وی مدرک کارشناسی آموزش ابتدایی خود را از دانشگاه آزاد خرم‌آباد گرفته و معلم شده است، اگرچه به گفته خود در رشته‌های پرستاری و دلسازی هم پذیرفته شده بوده است. خانم بزاز علاوه بر تدریس در زمینه‌های دیگری نیز فعال بوده مجموعه فعالیت‌های او سبب شده در سال ۹۰-۸۹ به عنوان معلم نمونه کشوری معرفی شود. هم فعالیت‌های او عبارت است از: مسئول کمیته امور بانوان، بسیجی نمونه ۸۶، مربی نمونه فرزندان در سازمان دانش‌آموزی (۸۹-۸۸)، نفر اول طرح تدریس (۸۷-۸۶) و نفر دوم آگهی‌های برتر تدریس (۸۷-۸۶) از مؤلفان بیک نوری (از سال ۸۲ تاکنون).

را می‌گوید، ۱۲ ظهر را نشان می‌دهد. برای وضو گرفتن و آماده شدن برای نماز، بلند می‌شوم. سوز سردی که با باز شدن در پشتی آشپزخانه وجود را می‌سوزاند، مرا تا کرمان ۷۰ سال پیش می‌برد. با خود می‌گویم:

این سوز نیمه‌جان و موقتی کجا و آن سوز و سرمای کویری که تا مغز استخوان آدم را می‌شکافت، کجا؟ بچه‌های «چوپان محله» [کرمان] صبح خیلی زود که هنوز خورشید بالا نیامده بود، راه می‌افتادند. تا مدرسه پهلوی قریب دو کیلومتر راه بود... [پیشین]. دکتر قلمسیاه همواره کار علم را جدی می‌گرفت و زمانی که کتاب‌های درسی دبیرستان را می‌نوشت، شب و روز تا حدود ۱۷ ساعت پشت میز کارش بود و به نوشتن کتاب یا به پرسش‌های تلفنی دبیران فیزیک سراسر کشور پاسخ می‌گفت. راستی او کار علم را جدی گرفته بود و تفکر علمی داشت.

دکتر محمود امانی تهرانی، متخصص آموزش علوم و مسئول شورای هماهنگی علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، گفت: آموزش و پرورش از نظر برنامه‌ریزی آموزش علوم، از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جلوتر است. در طول یکی دو دهه گذشته، برنامه‌های هدف‌های آموزش علوم از مراحل گذشته است. این مراحل عبارت بودند از:

۱. سواد علمی؛ ۲. سواد علمی فناوری؛ ۳. فهم همگانی از علم؛ ۴. علم، تکنولوژی و جامعه.

آموزش و پرورش از سال ۱۳۷۲ وارد این مراحل شده است و با تغییر برنامه‌ها و تهیه مواد آموزشی می‌کوشد دانش‌آموزان را به دانایی و توانایی لازم برساند و یادگیری مادام‌العمر را آموزش دهد.

دکتر ابوالقاسم قلمسیاه نیز روشمند کار می‌کرد. زمانی کتاب‌های فیزیک را نوشت که هنوز این اهداف و برنامه‌ها در جهان مطرح نشده بود. در آن زمان، طبقه‌بندی یادگیری مورد توجه بود. این طبقه‌بندی که در تدریس و تألیف و یادگیری منظور می‌شد، شامل شش مرحله بود که استاد قلمسیاه در نگارش خود لحاظ کرده است و می‌نویسد: حافظه، درک و کاربرد، سه مرحله مهم از شش مرحله ارزش‌یابی است. و تجزیه و تحلیل، خلاقیت و ابتکار و در نهایت داور و قضاوت، سه مرحله دیگر را شامل می‌شوند. فرض کنیم این سؤال داور و قضاوت است. در این مرحله، باید نظر شاگردان و برآورد آن‌ها را مدنظر داشت. ممکن است شاگرد بگوید اگر در این زمان بتوانیم اندازه‌گیری کنیم تا بی‌نهایت می‌تواند ادامه پیدا کند. این داور و شاگرد است. یعنی عالی‌ترین پایه آموزش در این شیوه سؤال و جواب نهفته است. ذهن شاگردان بر این اساس باز می‌شود و سعی می‌کنند در پاسخ سؤالات، از ذهن و داشته‌های خود نیز کمک بگیرند و تنها به محفوظات تکیه نکنند.

زنجان و **دکتر اکرم قدیمی**، استادیار مرکز تحقیقات، سیاست علمی کشور، درخصوص نقش نهادهای قانون‌گذار کشور در تصویب قوانین و اسناد بالادستی و تدوین راهبردها و فرایند تولید علم و فناوری و توجه به جایگاه نقش‌آفرین ترویج علم در برنامه‌های توسعه کشور سخن گفتند و اعلام کردند که ما هنوز تا رسیدن به جایگاه مطلوب فاصله داریم و نیازمند توجه بیشتر به ترویج علم و زمینه‌سازی برای ایجاد باور علمی در جامعه هستیم.

دکتر ابوالقاسم قلمسیاه، چندین سال پیش از این تاریخ، از سوی انجمن ترویج علم ایران تقدیر شد. تقدیر به مناسبت ۵۰ سال تدریس شوق‌انگیز و تألیف کتاب‌های درسی فیزیک و ترجمه کتاب‌ها و نوشتن مقالات و ایراد سخن‌رانی‌هایی که علم را در کشور عمومی و همگانی کرده است. او در ردیف احمد بیرشک، محمود بهزاد، پرویز شهریاری و دکتر فرهاد رحیمی و حسن جبان و... میرعبدالحسین مصحفی، توران میرهادی و محمدعلی جعفریان، مروج علم بود.

دکتر فرهاد رحیمی، استاد فیزیک دانشگاه فردوسی مشهد و مؤسس فیزیک‌سرا در کشور، تاریخچه‌ای از فعالیت‌های جهانی در راه ترویج و همگانی کردن علم فیزیک در کشورهای گوناگون ارائه داد. مختصری هم در مورد فعالیت‌های ایران در زمینه پروژه‌های بین‌المللی و ترویج علم و سیاست‌گذاری (از جمله سال جهانی فیزیک ۲۰۰۵) نمونه‌هایی آورد.

دکتر قلمسیاه می‌گفت: «شاگردان را نباید به آنچه در کلاس می‌آموزند محدود کرد... من همیشه با شاگردانم ارتباط داشته‌ام. زمانی که اولین بار نظام جدید را وارد دوران متوسطه کردم... همه آن‌ها به فیزیک علاقه نداشتند، اما مباحث آن‌قدر شیوا و بلیغ مطرح شده بود که حتی برای آن‌ها که نسبت به فیزیک بی‌میل بودند، بسیار قابل درک بود. من این کتاب‌ها را برای این منظور نوشتم که تصور می‌کردم بچه‌ها باید به فکر کردن وادار شوند. بالغ بر ۲۵ نفر از دانشجویان فوق لیسانس رشته‌های فیزیک و بعضاً شیمی دانشگاه تهران، پایان‌نامه‌های خود را در زمینه‌های اندازه‌گیری رادیواکتیو طبیعی ذرات *آلفا*، *بتا* و *گاما* در هوای تهران، نزولات آسمان (باران و برف)، سبزی‌های خوردنی حومه تهران، گندم و برنج استان‌های ایران، آب‌های معدنی مناطق کشور، جای، نمونه‌های گوناگون حیوانات سایر نقاط ایران و... با راهنمایی من می‌گذراندند». این کارها صورت گرفت تا نتایج علم برای توسعه کشور و ایجاد آگاهی و مهارت در کشور به‌کار رود. بخش پایانی برنامه همایش در مدت دو ساعت، بحث و گفت‌وگو و پرسش و پاسخ و اظهارنظر بود.

غلامحسین صدری افشار، «مترجم مقدمه‌ای بر تاریخ علم» جورج سارتون گفت: «مشکل ما این است که علم در ایران جدی گرفته نشده است، تفکر علمی وجود ندارد». اما **دکتر قلمسیاه** تفکر علمی داشت. او در سن حدود ۸۵ سالگی می‌نویسد:

«خیلی کار دارم. ویرایش و ترجمه کتاب «علم در زمان حاضر»، بیش از نیمی از وقت را می‌گیرد. نشریه علمی سازمان [انرژی اتمی] هم تمام فکرم را به خود مشغول کرده است. بیش از ۲۴ ساعت در شبانه‌روز وقت می‌خواهم. ساعت قدیمی اتاق که همیشه راستش



فهیمه عباسی شاهکوه
(۱۳۵۴)
معلم نمونه کشوری
استان گلستان
خانم عباسی شاهکوه در گرگان به خدمت اشتغال دارد. وی مدرک کارلانی خود را در رشته آموزش ابتدایی، از مرکز تربیت معلم امام خمینی گرگان و مدرک کارشناسی این رشته را از دانشگاه آزاد گرگان دریافت کرده است. از دوره دانش‌آموزی در امور فوق برنامه فعال بوده است و در آن دوره، یکبار هم دیپلم افتخار مسابقات نقلی جهانی را کسب کرده است. پارامی از دیگر فعالیت‌ها و موفقیت‌های او عبارت است از: ارائه مقاله به کنفرانس آموزش ریاضی کشوری در سال ۸۹ راجعه هوش‌های چندگانه؛ کسب عنوان معلم پژوهنده (۸۹-۸۸)؛ مقاله طرح تصویری نماز و کسب مقام اول (۸۸)؛ تدوین پیکهای نوروزی طی چند سال؛ و برگزیده ششمین جشنواره علمی پژوهشی بسیج فرهنگی.

پرهیز از ام‌الخبائث

محمدحسن مکارم
مدرس مراکز تربیت معلم فارس

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْأَنصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ
عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ

أَمَّا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ
عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ

در ادامه رویکرد قرآنی مقالات پیشین، در این شماره به آیه ۹۰ از سوره مبارکه مائده و موضوعات چهارگانه آن نگاهی خواهیم داشت. براساس این آیه شریفه، خداوند متعال، چهار عمل را شیطانی و لازم به اجتناب دانسته و مؤمنان را شدیداً از آن‌ها بر حذر داشته که عبارت است از: شراب، قمار، بت‌پرستی و نوعی بخت‌آزمایی. ابتدا این چهار واژه قرآنی را ریشه‌یابی می‌کنیم:

خمر: خمر در لغت به معنی پوشش است؛ هرچه که چیز دیگری را بپوشاند و مخفی کند، «خمار» نامیده می‌شود و جمع آن خُمَر است و وسیله حجاب زنان. در اصطلاح شرع، به هر مایع مسکر و مست‌کننده، خمر گفته

می‌شود؛ چه از انگور گرفته شده باشد، چه از کشمش و خرما و یا هر نوع مشروب الکلی، وجه تسمیه آن این است که این مایعات، به علت ایجاد مستی، روی عقل پرده می‌افکنند و انسان را در تشخیص خوب و بد ناتوان می‌کنند [تفسیر نمونه، ذیل آیه ۲۱۹ بقره].

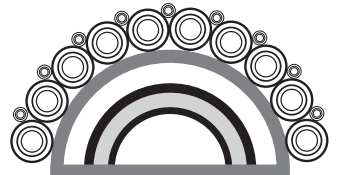
میسر: میسر از ریشه «یسر» و به معنی آسانی و سهولت است و نیز به معنی قماربازی. نظر به این که شخص قمارباز می‌خواهد به آسانی به مال و ثروتی برسد، میسر به معنی دوم نیز به کار رفته است [همان منبع].

انصاب: انصاب از ریشه «نصب» و به معنی برافراشتن است. در زمان جاهلیت، بت‌پرستان سنگ‌هایی در اطراف کعبه نصب می‌کردند که شکل و صورت خاصی نداشت و آن‌ها را «نُصَب» می‌نامیدند و در مقابل آن‌ها قربانی

■ **خداوند متعال،
چهار عمل را شیطانی و
لازم به اجتناب دانسته
و مؤمنان را شدیداً از
آن‌ها بر حذر داشته
است که عبارت
است از: شراب، قمار،
بت‌پرستی و نوعی
بخت‌آزمایی**

■ علت حرمت و حلیت امور در شرع اسلام هیچ نیست مگر همان قاعده کلی عقلی و منطقی که در آیه ۱۵۷ سوره اعراف می خوانیم: «يَحِلْ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَ يَحْرَمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثُ».

■ تحریم شراب طی چند مرحله انجام گرفته است. اصولاً اسلام بسیاری از احکام خود را به روش «تدریجی» در جامعه پیاده کرده است



فریده سعادت‌نساب
(۱۳۴۲)
معلم نمونه کشوری
خوزستان

متولد دزفول است و اکنون در سمت معاون آموزشی مدرسه راهنمایی معلم در شهر اندیشک خدمت می‌کند. وی در سال ۶۳ استخدام شده است. خاتم سعادت‌نساب مدرک فوق‌دیپلم دینی و عربی خود را از مرکز تربیت معلم در تهران و لیسانس معارف را از دانشگاه آزاد دزفول اخذ کرده است. وی تاکنون در سمت‌های متعددی خدمت کرده که مجموعه آن‌ها موجب معلم نمونه شدن او در سال گذشته بوده است. مهم‌ترین مسئولیت‌ها و فعالیت‌های او عبارت است از: معاونت آموزشی مدرسه، معاونت پرورشی مدرسه، تدریس، اداره کلاس‌های جبرانی و تابستانی، مربیگری اردوهای خارج استان، برگزاری جشنواره قرآن.

می‌کردند و خون قربانی را به آن‌ها می‌مالیدند. بت‌ها، برخلاف نُصَب، همواره دارای شکل‌ها و صورت‌های خاص بودند. قابل ذکر است که نُصَب و نُصَب واژه‌های دیگری و هر دو به معنی بلا و درد است [تفسیر نمونه، ذیل آیه ۳ مائده که طی این آیه، خوردن گوشت این قربانی‌ها تحریم شده است].

ازلام: ازلام جمع «زَلَمَ» و به معنی تیر بدون پر و چوبه تیر است. یکی از عادات عرب جاهلی این بود که ده نفر با هم شرط‌بندی و حیوانی را خریداری و ذبح می‌کردند. سپس ۱۰ چوبه تیر را که روی ۷ عدد از آن‌ها کلمه «برنده» و روی سه عدد آن‌ها «بازنده» نوشته بودند، در کیسه مخصوصی می‌ریختند و به قید قرعه، آن‌ها را به نام یک یک آن ده نفر بیرون می‌آوردند. هفت چوبه برنده به نام هر که می‌افتاد، سهمی از گوشت را مجاناً برمی‌داشت، ولی آن سه نفر که تیرهای بازنده را دریافت می‌کردند، باید هر کدام یک‌سوم قیمت حیوان را می‌پرداختند، بدون آن‌که سهمی از گوشت برداشته باشند. اسلام خوردن این گوشت‌ها را نیز تحریم کرد، نه به خاطر این‌که اصل گوشت حرام بوده باشد، بلکه به علت این‌که جنبه قمار و بخت‌آزمایی داشت [نمونه، ج ۴، ص ۲۶۰].

شان نزول: در تفاسیر شیعه و سنی، شأن نزول‌هایی پیرامون آیه مورد بحث آمده که به دو مورد آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. در تفسیر «در المثنوی» از سعدین وقاص نقل شده است که می‌گوید: این آیه درباره من نازل گردیده است؛ مردی از انصار غذایی تهیه کرده بود و ما را دعوت کرد. جمعی در مجلس مهمانی او شرکت کردند و پس از صرف غذا شراب نوشیدند و این کار قبل از تحریم شراب در اسلام بود. وقتی که مغز آن‌ها از شراب گرم شد، شروع به ذکر افتخارات خود کردند. کار به آن‌جا کشید که یکی از آنان استخوان شتری را برداشت و بر بینی من کوبید و آن را شکافت. من خدمت پیامبر (ص) رسیدم و ماجرا را گفتم. سپس آیه فوق نازل شد.

ب. در کتاب‌های حدیث اهل سنت آمده است، یکی از کسانی که بعداً به خلافت رسید، علاقه شدیدی به نوشیدن شراب داشت. او از خدا درخواست می‌کرد و می‌گفت: خدایا بیان روشنی در مورد خمر برای ما بفرما. هنگامی که آیه «یَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ...» نازل شد، پیامبر (ص) آیه را برای او قرائت کرد، اما او باز به دعای خود ادامه می‌داد و گفت: خدایا بیان روشن‌تری در این زمینه بفرما. تا این‌که آیه «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى» نازل شد. پیامبر (ص) آن را نیز بر او خواند. باز به دعای خود ادامه داد، تا این‌که آیه مورد بحث نازل گردید. او گفت: انتهینا انتهینا! یعنی از نوشیدن شراب خودداری می‌کنیم، خودداری می‌کنیم! [تفسیر نمونه، به نقل از: تفسیر المنار، ج ۷: ۵۰].

مراحل تحریم

همان‌گونه که از شأن نزول فوق پیداست، تحریم شراب طی چند مرحله انجام گرفته است. اصولاً اسلام بسیاری

از احکام خود را به روش «تدریجی» در جامعه پیاده کرده است. می‌گساری در زمان جاهلیت و قبل از ظهور اسلام، فوق‌العاده در میان اعراب شبه‌جزیره عربستان رواج داشت و گفته‌اند که عرب به سه چیز علاقه مفرط داشت: شعر و شراب و جنگ! از روایات در این خصوص معلوم می‌شود که حرمت شراب برای مسلمانان بیرون آمده از جاهلیت، بسیار سنگین و مشکل بوده است و چنان‌چه اسلام به یکباره چنین چیزی را ممنوع می‌کرد، موفق نمی‌شد، چراکه به صورت «عادت ثانویه» برای مردم درآمده بود. لذا قرآن کریم طی چهار مرحله این مهم را عملی ساخت:

مرحله اول: به منظور آماده‌سازی اذهان و به عنوان اولین اخطار، می‌فرماید: «وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا» [نحل - ۶۷]: از میوه‌های درختان نخل و انگور، مسکرات (ناپاک) و روزی خوب و پاکیزه می‌گیرید. در این آیه، تولید مسکر را در مقابل رزق حَسَن قرار داده، تا نامطلوب و غیر حسن بودن شراب تولیدی را از نظر خداوند اعلام کند. به عبارت دیگر، ضمن برشمردن نعمت‌های الهی، به سوءاستفاده از آن نیز اشاره می‌کند تا برای برخوردهای بعدی زمینه‌سازی کند.

مرحله دوم: به دنبال سؤال گروهی از اصحاب، قرآن قدم جدی‌تری برداشته و به مقایسه منافع و مضار شراب و قمار پرداخته و اعلام می‌فرماید که گرچه شراب و قمار برای شما منفعت‌هایی در پیش دارد و راه‌هایی برای کسب درآمد و جمع ثروت است، اما ضررهای آن دو، به مراتب بیشتر است و از این رو «اثم» و گناه محسوب می‌شوند: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْعُ لِلنَّاسِ وَ إِيْمَهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» [بقره/۲۱۹]. «اثم» به آن حالتی گفته می‌شود که در روح و عقل انسان به‌وجود می‌آید و او را از رسیدن به نیکی‌ها و کمالات باز می‌دارد.

مرحله سوم: در این جا، با زبان نپی و عتاب، صریحاً به مسلمانان دستور داده شد که هرگز در حال مستی، نماز نخوانند تا بدانند با خدای خود چه می‌گویند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» [نساء/۴۳]. این دستور عملاً مردم را وامی‌داشت که به کلی از شرب خمر فاصله بگیرند. چون پنج نوبت در روز می‌خواستند نماز بخوانند و فاصله نمازها چندان زیاد نبود که مستی حاصل از می‌گساری، به هنگام اقامه نماز، برطرف شده باشد. این آیه به هیچ‌وجه مجوزی برای شراب‌خواری در غیر وقت نماز نیست، بلکه در این مورد سکوت کرده است.

مرحله چهارم: پس از طی سه مرحله پیشین و آماده شدن مسلمانان برای فاصله گرفتن از این مفسده بزرگ اجتماعی که در اعماق وجود آن‌ها نفوذ کرده بود، حکم نهایی و قطعی تحریم نازل شد [مائده - ۹۰]. این آیه مالمالاً از تأکید است؛ از جمله: در ابتدای آن، عبارت: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» آمده است تا نشان دهد لازمه ایمان ترک شراب است. سپس کلمه «أَنْتُمْ» قرار گرفته است که بر حصر و تأکید دلالت دارد. شراب و قمار هم‌ردیف انصاف یعنی پرستش بت ذکر شده است. در روایت نبوی نیز می‌خوانیم: «شارب الخمر كعابدِ الْوَلْتَنَ،

یعنی شراب‌خوار همانند بت‌پرست است [نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۹]. می‌گساری و قمار و بت‌پرستی و اِزلام (نوعی بخت‌آزمایی)، همگی ملقب به رجس شده‌اند و عملی شیطانی تلقی گردیده‌اند، با کلمهٔ «فَاجْتَنِبُوهُ» که مفهومی رساتر از «نهی» است، دستور به دورشدن و اجتناب از شراب داده شده که به مراتب، از جملهٔ شراب ننوشیدن، محکم‌تر است. در پایان آیه می‌فرماید: «لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ». پس معلوم می‌شود، بدون این کار، رستگاری و فلاح ناممکن است [نمونه، ج ۵، ص ۷۲].

شایان ذکر است، در آیه بعد نیز به پاره‌ای از زبان‌های آشکار شراب و قمار پرداخته است. می‌گوید: شیطان می‌خواهد از این طریق، در میان‌تان عداوت و دشمنی اندازد و شما را از نماز و ذکر خدا باز دارد.

در دو آیه بعد نیز برای تأکید بیشتر و اطاعت از این حکم، به مؤمنان دستور می‌دهد که از خدا و رسول اطاعت داشته باشند و از مخالفت فرمان خدا بترسند. بر رسول خدا تنها ابلاغ حکم و وظیفه است، یعنی تخلف از آن موجب مجازات خواهد بود.

حدیثی از امام باقر(ع) در قبح و زشتی می‌گساری وارد شده است که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالًا وَ جَعَلَ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ» خداوند عزوجل برای بدی‌ها قفل‌هایی قرار داد که کلید بازگشایی آن‌ها شراب است [کافی، ج ۲: ۳۳۸]. در روایت دیگری می‌خوانیم: لَعَنَ اللَّهُ بَايِعَهَا وَ مُشْتَرِيَهَا وَ أَكْلَ ثَمَنِهَا وَ سَاقِيَهَا وَ شَارِبَهَا... یعنی لعنت خدا بر خریدار، فروشنده، تهیه‌کننده و نوشنده شراب. بنابراین، با تحریم مشروبات الکلی، همه دست‌اندرکاران آن مورد لعنت و نفرین قرار گرفته‌اند؛ اعم از فروشنده، خریدار، واسطه‌ها و غیره [نظام اقتصادی اسلام، شهید مطهری: ۱۷].

فلسفه تحریم

علت حرام شدن شراب و قمار، آثار تخریبی و زیان‌های فراوان فردی و اجتماعی آن‌هاست. براساس گزارش‌های متعدد متخصصان، نوشابه‌های الکلی عمر را کوتاه می‌کند، در توالد و تناسل اثر سوء به‌جا می‌گذارد، به‌طوری که در نیمی از موارد، فرزندان پدر یا والدین معتاد به الکلی، زودتر از وقت طبیعی به دنیا می‌آیند، یا رشد ناقص و قد کوتاه دارند، یا اختلال در نیروی عقل و اندیشه بروز داده‌اند. الکلی‌ها دچار کاهش عاطفه می‌شوند و گاه همسر و فرزندان خود را به قتل می‌رسانند. خیلی از حوادث رانندگی و جنایت‌های خانوادگی و خیابانی در حال مستی و سرمستی رخ می‌دهد و جنون می‌آورد. یکی از عوامل دخیل و پرنفش در بروز بیماری‌های روانی، اعتیاد به مشروبات الکلی است و درصد قابل توجهی از سرقت‌ها و هم‌چنین زنا با محارم، مولود الکلیسم است. خسارت دیگری که باید به این موارد افزود، هزینه‌های مالی است که بر دولت‌ها، در مقابله با عوارض الکلی، تحمیل می‌شود. از جمله: مخارج ایجاد امنیت اجتماعی، رسیدگی به پرونده‌های قضایی، نگهداری زندانیان، بازپروری جسمی

و روانی معتادان به الکلی [سمپوزیوم الکلی: ۶۶ تا ۷۶]. در کتابی که تحت عنوان «آسیب‌های اجتماعی ایران» انجمن جامعه‌شناسی کشور به زیور طبع درآورده، نقش می‌خوارگی مردان در همسرآزاری و رشد آمار خودکشی با عدد و رقم تبیین و تصریح شده است که موارد پنهان و اعلام نشدهٔ این جرائم نیز نباید نادیده گرفته شود [صص ۷۸-۱۸۸-۳۷۵].

در مورد قمار و زیان‌های اجتماعی آن باید اذعان کرد که هیجان حاصل از بُرد و باخت، منشأ وقوع جرائم متعدد می‌شود. چه، برنده و چه بازنده از حال تعادل روانی بیرون می‌روند و مرتکب کارهای ناهنجار می‌شوند؛ به‌ویژه بازنده که مال و منال خود را از دست رفته می‌بیند و اعمالی مثل سرقت و جیب‌بری، ضرب و جرح، خشونت‌های اخلاقی، طلاق همسر و خودکشی انجام می‌دهد. علاوه بر این لطمات اجتماعی، قماربازان و اصحاب کازینوها، خسارات فیزیکی و روانی زیادی را هم در اثر هیجانات روحی متحمل می‌شوند، مثل: زخم معده، تشنجات عصبی خفیف و حاد، سکته مغزی و قلبی و... که گزارش‌های دقیق آن‌ها در نشریات تخصصی پزشکی و روان‌پزشکی قابل مطالعه است.

عقل کسی است که زندگی سالمی را در این حداکثر ۸۰-۷۰ سال عمر زودگذر در پیش گیرد، ممر اقتصادی مناسبی را برای معیشت خویش برگزیند و خود را به این مهلکه‌ها نیندازد. نفس انسان موجود سرکشی است، اگر مهار آن را رها کنند، صاحبش را به پرتگاه می‌اندازد. این حکمت بالغه‌ای است که از برکت ولایت امیرمؤمنان(ع) بر سر ما سایه افکن شده است. آن‌جا که فرمود: «النفس إن لم تشغله شغلک»: اگر نفس را به کاری مشغول نسازی، او تو را مشغول خواهد کرد!!

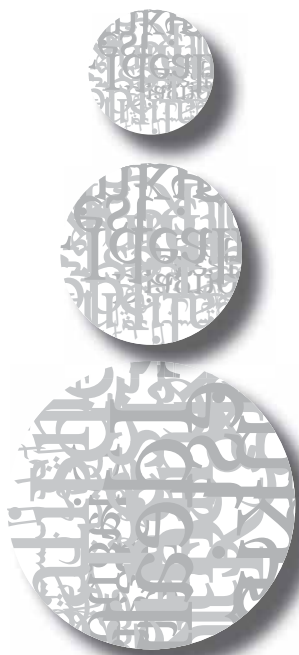
علت حرمت و حلیت امور در شرع اسلام هیچ نیست مگر همان قاعده کلی عقلی و منطقی که در آیه ۱۵۷ سورة اعراف می‌خوانیم: «يُحَلِّ لَهِم الطَّيِّبَاتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبَائِثَ». «و آنچه امر فرموده، به خاطر طیب و سلامت و پاکی ذاتی آن است و گرایش فطرت و سرشت آدمی به آن‌ها. شراب و قمار از مصادیق «اِصرار» و «اغلال» یعنی بارهای سنگین و زنجیرهاست که از دوش و گردن ما برداشته شده است.



■ نوشابه‌های الکلی عمر را کوتاه می‌کند و در توالد و تناسل اثر سوء به‌جا می‌گذارد، به‌طوری که در نیمی از موارد، فرزندان پدر یا والدین معتاد به الکلی، زودتر از وقت طبیعی به دنیا می‌آیند

■ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالًا وَ جَعَلَ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ: خداوند عزوجل برای بدی‌ها قفل‌هایی قرار داد که کلید بازگشایی آن‌ها شراب است

■ خداوند سر دشمنی با مخلوقات خویش ندارد، اگر کاری را نهی فرموده، ناشی از خبث و ناپاکی ذاتی آن است



واژه‌های آشنا (بخش دوم)

اشاره

نخستین بخش از واژه‌های آشنا را در شماره اول مجله خواندید. این واژه‌ها - که تنها نمونه‌ای از واژگان حوزه تعلیم و تربیت و روان‌شناسی است - به شما کمک می‌کند تا نسبت به شناخت علمی آن‌ها، درک روشن‌تری پیدا کنید. منابع استخراج واژه‌ها:

۱. فرهنگ توصیفی اصطلاحات روان‌شناسی، فرانکویروند، ترجمه مهشید یاسایی و فرزانه طاهری، طرح نو؛
۲. فرهنگ واژه‌ها، تعاریف و اصطلاحات تعلیم و تربیت، سیدداود حسینی نسب و اصغر علی اقدم، احرار تبریز.

الگوی عمومی تدوین General Teaching Model

به الگویی از تدریس گفته می‌شود که رابرت گلیزر در سال ۱۹۶۱ مطرح و راجر رابینسون در سال ۱۹۷۱ آن را با تغییراتی وارد نظام‌های آموزشی کرد. این الگو شامل پنج مرحله است:

۱. تعیین هدف‌های تدریس و هدف‌های رفتاری
۲. تعیین رفتار ورودی و ارزش‌یابی تشخیصی
۳. تعیین شیوه‌ها و وسایل تدریس
۴. سازمان‌دهی شرایط و موقعیت آموزشی
۵. ارزش‌یابی و سنجش عملکرد

ایدآلیسم Idealism

ایدآلیسم در فارسی به اصالت تصور، آرمان‌گرایی و پندارگرایی ترجمه شده است. این مکتب یکی از قدیمی‌ترین مکتب‌های فلسفی غرب به‌شمار می‌رود و در افکار سقراط و افلاطون ریشه دارد. مُثُل افلاطون، بیان‌کننده مکتب ایدآلیسم است. این عقیده یا نظام فکری، عقل یا ذهن را روح را مقدم بر ماده می‌داند و پدیده‌ها را براساس ایده‌آل یا آنچه به روح و تصور نسبت داده می‌شود، تفسیر و توجیه می‌کند و می‌گوید، «واقعیات تنها تصورات ما از جهان و ذهن هستند که باید به‌طور دائمی برای درک بهتر آن‌ها بکوشیم».

هدف نظام تعلیم و تربیت در مکتب ایدآلیسم، رشد و تکامل فراگیرندگان و ذهن آن‌هاست. مربی و معلم

آزمون انشایی Essay Test

به آزمون‌هایی گفته می‌شود که آزمون شونده باید سؤالات آزمون را به صورت کوتاه جواب یا به صورت جمله در یک پاراگراف و حتی یک انشا یا مقاله کامل بنویسد. بیشتر معلمان از این نوع آزمون به لحاظ آسانی طرح سؤال استفاده می‌کنند. این نوع آزمون، در ردیف آزمون‌های ذهنی قرار می‌گیرد و از لحاظ پاسخ‌دهی به دو نوع تقسیم می‌شود: محدود پاسخ و گسترده پاسخ.

آزمون تشخیصی Diagnostic Test

این نوع آزمون‌ها در ردیف آزمون‌های پیشرفت تحصیلی قرار می‌گیرند و برای تشخیص نقاط قوت و ضعف و نارسایی‌های فراگیرندگان در مهارت‌های اساسی از قبیل خواندن و یا حساب‌کردن، به‌کار می‌روند.

آزمون رورشاخ Rorschach inklot Test

این آزمون یکی از آزمون‌های فرافکن شخصیت است و توسط هرمان رورشاخ (۱۹۴۲) روان‌پزشک سوئیسی، تهیه شده است. آزمون رورشاخ شامل ۱۰ کارت است که روی هر یک تصویر لکه جوهر چاپ شده است. هنگام آزمایش، هر یک از کارت‌ها را به شخص آزمون شونده می‌دهند و از وی می‌خواهند بگوید روی کارت چه می‌بیند. هر کس با توجه به شخصیت ویژه خود، توصیفی از لکه جوهر خواهد کرد که روان‌شناس یا روان‌پزشک، می‌تواند براساس آن، شخصیت فرد را بهتر بشناسد و راهی برای حل مشکل او بیابد.



علی بهنام
معلم نمونه کشوری
استان لرستان

علی بهنام مدیر دبیرستان علوی ناحیه ۲ خرم‌آباد است و ۳۰ سال سابقه خدمت دارد. وی دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی از دانشگاه شهید بهشتی است. نخست به عنوان مشاور تحصیلی استخدام شد و در سمت‌های کارشناس و کارشناس مسئول مشاوره تحصیلی استان فعالیت کرد. وی همچنین چهار سال معاون پژوهش و برنامه‌ریزی استان بوده و ریاست هیئت رسیدگی به تخلفات اداری را نیز به عهده داشته است.

علی بهنام در نخستین سال‌های خدمت و در سال‌های دفاع مقدس، به مدت ۱۷ ماه در جبهه بوده و تنها برادرش علی محمدمراد علی‌وند نیز به شهادت رسیده است.

باید از نظر عقلانی و اخلاقی بر محصلان برتری داشته باشد و الگو و نمونه‌ای برای آن‌ها باشد. معلم در تدریس باید دانش‌آموزان را برای اندیشیدن و انتخاب مواد درسی راهنمایی کند. ایدآلیست‌ها معتقدند، برنامه درسی باید شامل این مواد باشد: ریاضیات، فیزیک، زیست‌شناسی، روان‌شناسی، ادبیات، هنر، دستور زبان و تاریخ.

بینه، آلفرد Alfred، Binet

بینه نام پدر «آزمون هوش» است. وی سوییسی بود، ولی در فرانسه، تا ۳۷ سالگی، به کار قضایی اشتغال داشت و سپس به روان‌شناسی روی آورد. او شهرتش را مدیون «آزمون هوش جدید» است. بینه تلاش‌های اولیه‌اش را با این هدف دنبال می‌کرد که ثابت کند بچه‌های زاغه‌نشین، عقب‌مانده ذهنی نیستند. در واقع او می‌خواست اعتقاد رایج در نیمه دوم قرن ۱۹ را نفی کند.

بینه دریافت که سنجش هوش از طریق اندازه‌گیری ویژگی‌های جسمانی کاری است بیهوده و گفت، اندازه جمجمه، قدرت فشردن دست و غیره، ارتباط چندانی با هوش ندارد. بنابراین حاضر نبود از روش زیست‌سنجی استفاده کند که سرفرانسیس گالتون انگلیسی (۱۹۱۱-۱۸۲۲) مدافعش بود. در عوض، بینه، مدافع روش عملکردی شد که در آن هوش براساس تکالیفی سنجیده می‌شود که مستلزم درک جامع، توانایی در ریاضی، مهارت‌های واژگانی و غیره است. مفهوم سن عقلی، یعنی متوسط توانایی که در یک سن تقویمی معین از فرد انتظار می‌رود، توسط بینه مطرح شد. این مفهوم سرانجام به مفهوم هوش‌بهر (IQ) انجامید. کار بینه به لوئیس ترومن در آمریکا الهام بخشید و موجب به‌وجود آمدن مقیاس هوش استانفورد بینه شد.

تفکر خلاق Creative thinking

تفکر خلاق تفکری است که مشخصه اصلی آن توانایی کنار گذاشتن فرض‌های غیرلازم و زایش افکار اصیل است. برای مثال، پیش از آن که هواپیما اختراع شود و نخستین پرواز عملی‌اش را با استفاده از سوخت انجام دهد، اغلب مردم می‌پنداشتند که ماشین پرنده باید کم و بیش شبیه پرنده بال‌بزند. این فرضی غیرلازم بود. پیشگامانی چون برادران رایت و دیگران می‌دانستند که می‌شود بال‌ها ساکن بمانند و حرکت فشار رو به جلو را به کمک ملخ ایجاد کرد. با توجه به این‌که در طبیعت هیچ موجودی با بال ساکن و ملخ نمی‌پرد، ترکیب این دو در یک شیء واحد، فکری بکر یا خلاق بود.

تفکر واگرا Divergent thinking

این اصطلاح را گیلفورد (۱۹۶۲) در الگوی ساختار هوش مطرح کرده و منظور از آن عبارت است از: «ارائه

پاسخ‌ها و عقاید و راه‌حل‌های متفاوت برای یک مطلب و موضوع، که اگرچه لزوماً راه‌حل درست و صحیح را ارائه نمی‌دهد، اما در رسیدن به راه‌حل صحیح و درست برای مسئله، ما را یاری می‌دهد. تفکر واگرا در واقع نوعی تفکر خلاق است.

فناوری آموزشی Education Technology

یکی از شاخه‌های علوم تربیتی است و آن عبارت است از مجموعه روش‌ها و دستورالعمل‌هایی که با استفاده از یافته‌های علمی، برای حل مسائل آموزشی، اعم از طرح، اجرا و ارزش‌یابی در برنامه‌های آموزشی، به‌کار گرفته می‌شود. به شخصی که در این رشته تخصص دارد، تکنولوژیست آموزشی می‌گویند.

جامعه آماری Statistical population

جامعه آماری به مجموعه‌ای از افراد یا گروه‌ها اطلاق می‌شود که حداقل در یک صفت یا خصیصه اشتراک دارند. مثال: جامعه معلمان، جامعه معلمان زن، جامعه معلمان زن دارای فرزند، جامعه معلمان زن دارای فرزند پسر...

حقوق طبیعی Natural Rights

حقوق طبیعی حقوقی است که برحسب قانون طبیعی به افراد داده شده و ناگزیر غیرمشروط و تغییرناپذیر است و آن را به کسی دیگر نمی‌توان واگذار کرد. حقوق طبیعی معمولاً برای همه افراد بشر یکسان است. اساسی‌ترین حقوق طبیعی عبارت‌اند از: حق آزادی، حق کار، حق سکونت، حق مهاجرت و...

حل مسئله: Problem - Solving

به فرایند حل مسئله و روش تدریس اشاره دارد که بیشتر با نام مربی و فیلسوف آمریکایی، جان دیویی، همراه است. در تدریس به شیوه حل مسئله، فراگیرنده را در نوعی موقعیت علوم تعادل فکری قرار می‌دهند تا برای آن موقعیت راه‌حلی پیدا کند. فرایند حل مسئله شامل پنج مرحله است:

۱. صورت یا طرح مسئله؛
۲. حدس زدن یا مشخص کردن علل مسئله (فرضیه‌سازی)؛
۳. در نظر گرفتن راه‌حل‌های ممکن و جمع‌آوری اطلاعات بیشتر و سنجش فرضیات برای هر راه‌حل؛
۴. انتخاب بهترین راه‌حل یا تجزیه و تحلیل و پیدا کردن اصول؛
۵. اجرای راه‌حل انتخابی و تعمیم نتایج.



سپه‌یلا طاهری
(۱۳۴۵)
معلم نمونه کشوری
خوزستان

خانم طاهری در رامهرمز متولد شده است. وی جان‌باز ۱۵ درصد است، زیرا در ایام جنگ هنگام بمباران، مواد منفجره در خانه ایشان افتاد و برادر او نیز به شهادت رسید. وی همواره مربی پرورشی بوده و در این زمینه فعالیت‌های متعدد داشته است، از جمله داور مسابقات قرآن، مقاله‌نویسی، شرکت در جشنواره‌ها، وبلاگ‌نویسی (و کسب رتبه سوم کشوری). از وبلاگ‌های اوست: basirat-Nya.blogfa.com

خانم طاهری ۲۷ سال سابقه کار دارد و اکنون مربی پرورشی هنرستان شفا در شهر اهواز است.



Power Point

کلیدواژه‌ها:

پاورپوینت، صفحه

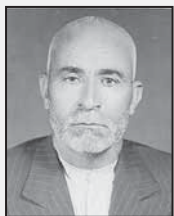
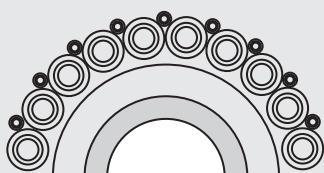
نمایش، فناوری

اشاره

امروزه استفاده از فناوری در آموزش، بویژه به کارگیری رایانه‌ها در کلاس‌های درس، در اغلب کشورهای جهان متداول شده است. در کشور ما نیز مدتی است که بر این امر تأکید می‌شود و گام‌های مفیدی به منظور تجهیز مدارس به امکانات فناوری برداشته شده است. اصطلاحاتی مانند مدارس هوشمند، محتوای الکترونیکی، کیف مدرسه‌ای الکترونیکی و امثال آن در همین راستا بر سر زبان‌ها افتاده است. اگرچه هنوز در کشور ما استفاده از رایانه در کلاس‌های درس، فراگیر نشده است و مراحل اولیه را می‌گذرانند و لازم است چند سالی برای توسعه فناوری در آموزش سرمایه‌گذاری شود و معلمان نیز به این کار تشویق شوند، اما باید دانست زیاده‌روی در هر چیز زیان‌بار است و استفاده نابجا از رایانه در کلاس درس نیز از همین قاعده پیروی می‌کند. مطلبی که در این‌جا می‌خوانید، ترجمه مقاله‌ای از مجله *Educational Leadership* است که وضعیت نامطلوب استفاده از پاورپوینت در کلاس‌های درس در آمریکا را مورد انتقاد قرار داده است. آگاهی از این مطلب می‌تواند هشدار باشد برای ما که در آغاز راه هستیم تا دچار افراط و تفریط نشویم و از محصولات فناوری به شکل مناسب استفاده کنیم. مترجم

چگونه پاورپوینت تعلیم و تربیت را نابود می‌کند؟!

ترجمه سعید قریشی
مشاور دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی



حسینقلی معلم خوری
(۱۳۶۱-۱۳۷۰)
معلم برجسته
خور و بیابانک طبس

این معلم برجسته را آقای سیدعلیرضا موسوی، مدیر دبیرستان شهدای خور، به مجله معرفی کرده است و ما اختصار آن را در این جا می آوریم. پدران حسینقلی معلم از مردم زواره بودند که به «خور» مهاجرت کرده و در آن جا ساکن شده بودند. حسینقلی تحصیلات رسمی نداشت و از معلمان مکتبخانه ای بود که با کمال وظیفه شناسی به تربیت شاگردان می پرداخت. ویژگی های منحصر به فردی داشت. خوش خط بود و به بچه ها هم خط خوش می آموخت. در آموزش اخلاق و احکام دینی به بچه ها حساس و صمیمی بود. از شاگردانش می خواست گزارش روزانه کارهایشان را بنویسند و در برگزار می کرد. شعر می سرود و اسامی بچه ها را در اشعارش می گنجاند. کتاب شعری به نام مناقب الائمه داشت که با مقدمه دکتر علی شریعتی - که او را در طبس دیده بود - منتشر کرد. شریعتی نوشته بود: امیدوارم آقای خوری زندگی پاک خود را با موفقیت بگذرانند و در قبال یک عمر زحمت و خدمت به فرهنگ، پاداش خود را از ممدوح خویش دریافت کنند.

نیاز نیست (سایر موارد). در رویارویی با این صفحه نمایش، تنها دانش آموزان خیلی شجاع یا خیلی باهوش ممکن است به خشکی این نمایش پاورپوینت اعتراض کنند. لذا مطالب درسی از معلم به اسلاید و از اسلاید به یادداشت های دانش آموز منتقل می شود؛ بی آن که فرصتی برای بحث و گفت و گو، تجزیه و تحلیل و یا ارزیابی پیش آید.

در همان اثنا که دانش آموزان مطالب بولت بندی شده را از روی پاورپوینت در دفترهای خود یادداشت می کنند، معلم به طور مرتب سخن رانی می کند. چه کسی می تواند آن ها را سرزنش کند؟ مسلماً دیدن یادداشت های بدخط دانش آموزان بسیار کسل کننده خواهد بود. دانش آموزان کندنویس، مرتباً خواستار فرصت برای یادداشت کردن مطالب هستند، در حالی که دانش آموزان تندنویس بی کار می نشینند. در این حال، معلم باید یکی از سه گزینه نامطلوب زیر را انتخاب کند: به عده ای فرصت بیشتری برای یادداشت بدهد، یا در حالی که دانش آموزان مشغول کپی برداری هستند به صحبت خود ادامه دهد، یا به اسلاید بعدی برود و دانش آموزان کندنویس را جا بگذارد.

یک مثال

این سناریو را تجسم کنید: شما یک مدیر مدرسه هستید. وارد یک کلاس درس زیست شناسی دبیرستان می شوید و می بینید که هر شش تخته سیاه کلاس با کاغذ پوشانده شده است. زنگ می خورد و معلم درس خود را که درباره تولیدمثل سلول است آغاز می کند. در حین صحبت، اولین ورقه کاغذ را از روی تخته سیاه پاره می کند و نوشته روی تخته که تعریف میتوز است، آشکار می شود. دانش آموزان با یک عکس العمل کاملاً شرطی (پاولوفی) دست به سوی قلم و کاغذ می برند تا از روی تخته یادداشت برداری کنند.

سپس معلم کاغذ دیگری را از روی تخته پاره می کند و مطلب روی تخته که مراحل میتوز را نشان می دهد، آشکار می گردد. شاید در متن هم علائمی شبیه بولت به کار رفته باشد. معلم همین الگو را ادامه می دهد تا همه کاغذها از روی شش تخته سیاه برداشته شود و نوشته ها در معرض دید دانش آموزان قرار گیرد. با فرارسیدن زنگ تفریح، معلم تولید مثل سلول را به طور کامل توضیح داده و دانش آموزان چند صفحه از دفترهای خود را پر از یادداشت کرده اند!

شما به این تدریس چه نمره ای می دهید؟ بگذارید کمکتان کنم: این یک پاورپوینت ناقصی است که بدون رایانه ساخته شده است. تدریسی که در آن اثری از جست و جو، اکتشاف و چالش های فکری به چشم نمی خورد. گرچه معلم سعی می کند در حین تدریس با بعضی افکت های صوتی، کلاس را از یک نواختی خارج کند، اما اصل قضیه تغییری نمی کند. متأسفانه امروزه بسیاری از تدریس هادر کلاس های ما (ایالات متحده) چنین برگزار می شوند.

وقتی معلمان محتوای آموزشی را در عنوان های پاورپوینت خلاصه می کنند، یادگیری دانش آموز لطمه می بیند. حدود ده سال قبل، مسئولان و بازرسان مدارس از معلمان می پرسیدند: «آیا شما در کلاستان از فناوری استفاده می کنید؟» اما امروز دیگر نیازی به این سؤال نیست، زیرا در طول دهه اخیر، گام های فناوری به جهش تبدیل شده است. البته این روند در ارتباط با درس های کلاس، چندان هم مثبت نبوده است. در ایالات متحده، آورده جای خود را به رایانه های دیجیتالی و نمایش های پاورپوینت داده است. گویی در مسیر بولت بندی کردن تعلیم و تربیت، چراغها خاموش شده و پرده ها بالا رفته است!

در عرصه ای که باید همواره سؤالات اساسی محرک جریانات باشد، بسیاری از مدیران و معلمان این سؤال اساسی را فراموش کرده اند پرسند که: «چگونه از فناوری استفاده می کنید؟» البته وسوسه پاورپوینت قابل درک است. قبلاً معلمان عادت داشتند ساعت ها در کتابخانه مدرسه و یا سایر منابع بگردند و مطالبی را انتخاب و تنظیم کنند و سپس برای تکثیر آن ها در صف فتوکپی بایستند. اما با پاورپوینت معلمان می توانند با «گوگل» جست و جو کنند، مطالب را انتخاب و کپی کنند و با رنگ های زنده نمایش دهند. شاید از همه بهتر آن که می توانند مجموعه مطالب درسی خود را روی یک «فلش» که از یک بند انگشت کوچک تر است، ذخیره کنند. بدین ترتیب، دیگر به لوله های چسب، قیچی کاغذبری و ایستادن در صف تکثیر نیازی نیست. طی چند سال، گویی همه چیز در این دنیا عوض شده است. این روند در موضوعات درسی و محتوای پایه های تحصیلی به وضوح احساس می شود.

ریشه مسئله

ریشه مشکل نمایش پاورپوینت، به کلمات نمایش، پاور و پوینت مربوط نیست، بلکه به این برمی گردد که این یک نمایش یکطرفه است. نمایش دهنده (معلم) همه کار را خودش انجام می دهد: اطلاعات را جمع آوری می کند. مطالب اضافی را حذف می کند و زمان و جهت نمایش را انتخاب می کند. نقش مخاطبان این است که ساکت بنشینند و اطلاعات را جذب کنند! آن ها ممکن است سؤالی پرسند، اما سؤالی ارزش پاسخ دارد که به محتوای اسلایدها مربوط باشد. پس بر سر افکار و ایده هایی که به اسلایدها مربوط نیستند چه می آید؟ این شیوه، تفکر خلاق را پرورش نمی دهد که هیچ، بلکه هیچ نوع تفکری را پرورش نمی دهد. انصاف قضیه این است که معلمان ناچارند مطالب درسی را ویرایش و گزینش کنند، زیرا عمق و وسعت هر موضوع، بسیار وسیع است. اما یک نمایش پاورپوینت، بسی بیش از روش های سنتی به دانش آموزان القا می کند که دو نوع اطلاعات وجود دارد: یکی آن هایی که باید دانست (همان هایی که در اسلاید آمده است) و دیگری آن هایی که به دانستن آن ها

PowerPoint

استفاده درست و مؤثر از پاورپوینت

شاید بزرگ‌ترین عیب پاورپوینت این باشد که تصور غلطی را نسبت به اتمام محتوا به وجود می‌آورد، در صورتی که تولید پاورپوینت‌های رنگی در حقیقت تدریس نیست. تولید طرح درس‌های مؤثر کار آسانی نیست و به زحمت و صرف وقت نیاز دارد. به علاوه، به معلمان و مدیران آموزش دیده‌ای نیز احتیاج دارد که دائماً خود را ارزیابی کنند و ارتقا دهند. هیچ‌وقت به کارگیری یک قطعه نرم‌افزار نمی‌تواند نیاز به چنان افراد و تعاملاتی را از میان ببرد.

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان به اواسط قرن بیستم برگشت و از دستاوردهای فناوری صرف‌نظر کرد؟ البته که نه. شاید بتوان گفت دستاوردهای پانزده سال اخیر فناوری، یک جابه‌جایی نامتوازن زلزله‌آسا در شیوه انجام بسیاری از کارها به وجود آورده است که ما به‌تازگی در حال احساس پس‌لرزه‌های آن هستیم. استفاده درست از فناوری، از جمله پاورپوینت، در تعلیم و تربیت امری اساسی است. لازم نیست معلمان از قطار فناوری فاصله بگیرند، بلکه باید اتومبیل‌ها را عوض کنند. آن‌ها نیازمند روش‌هایی هستند که بتوانند با استفاده از فناوری، مهارت‌های اساسی مورد نیاز قرن بیست و یکم را در دانش‌آموزان پرورش دهند؛ مهارت‌هایی از قبیل تفکر انتقادی، حل مسئله، خلاقیت و پشتکار. تمایل جوانان امروز به خلاصه کردن افکار و انتقال آن‌ها در قالب چند حرف و کلمه، نیاز به تدریس عمیق و مفهومی را بیشتر کرده است تا اتمام درس به کمک اسلایدهای پاورپوینت. در برنامه دوره‌های آموزشی تربیت معلم و آموزش ضمن خدمت پرسنل، باید چگونگی استفاده درست از فناوری گنجانده شود.

برای آن‌هایی که در حال حاضر از پاورپوینت استفاده می‌کنند، چند پیشنهاد داریم:

۱. **بسیاری از بولت‌ها را حذف کنید:** یادداشت‌های کلاسی باید حاصل کشف و بحث و گفت‌وگوی دانش‌آموزان باشد نه کپی‌برداری از لیست‌های از قبل تهیه‌شده. پاورپوینت‌هایی را تولید کنید که دربردارنده تصاویر، قطعات ویدیو، کارت‌تون، نمودار و نقشه باشند؛ به‌طوری که بیشتر سؤال ایجاد کنند نه این که جواب دهند.

۲. **وقت خود را برای افکت‌های صوتی و نمایش‌های خیالی تلف نکنید:** وقت بهتر است برای کشف راه‌هایی صرف شود که بتواند دانش‌آموزان را به تفکر و خلاقیت وادارد.

۳. **از همه مهم‌تر این که چراغ‌های کلاس را روشن نگه دارید:** این که یک دانش‌آموز از معلم چه قدر یاد می‌گیرد، به مرور زمان مشخص می‌شود. اما با قاطعیت می‌توان گفت، معلمی که دانش‌آموزان را در تاریکی نگه می‌دارد، آن‌ها را رنج می‌دهد. با وجود خشونت‌های جمعی که درون و بیرون بعضی مدارس دیده می‌شود، بولت‌هایی که در کلاس‌ها در صفحه نمایش ظاهر می‌شوند، ترسناک‌ترند زیرا آن‌ها مستقیماً به مغز دانش‌آموزان شلیک می‌شوند.

پی‌نوشت

۱. بولت به معنی گلوله است، اما در این‌جا منظور علامتی مانند □ ● ♦ است که در پاورپوینت عبارت‌های مشابه را مشخص می‌کند

تمام کردن محتوا یا لال کردن آن؟

چرا این همه درس در این همه کلاس و در این همه مدرسه به این شیوه ارائه می‌شود؟ شاید روشن‌ترین دلیل این کار، غلبه آزمون‌های رقابتی است. در چنین فضایی پاورپوینت وسیله مؤثری برای تمام کردن محتوای درس و آماده کردن دانش‌آموزان برای آزمون است.

اخیراً در نشریه نیویورک تایمز مقاله‌ای منتشر شد که حاکی از آن بود که بسیاری از نظامیان آمریکا پاورپوینت را سرزنش کرده بودند. آن‌ها از دست فرماندهان خود که اهداف و مأموریت‌های نظامی را به یک سری اسلایدهای پاورپوینت خلاصه می‌کردند، خسته شده بودند. یکی از ژنرال‌ها پاورپوینت را یک خطر داخلی نامیده و به خبرنگار نشریه گفته بود: پاورپوینت چیز خطرناکی است زیرا توهم فهمیدن و توهم کنترل کلاس را ایجاد می‌کند. بعضی از مسائل جهان قابل‌بالت‌بندی نیستند!

بسیاری از معلمان هم همان اشتباه فرماندهان نظامی را تکرار می‌کنند. آن‌ها می‌کوشند اطلاعات مشکل و پیچیده‌ای را به دانش‌آموزان منتقل کنند، بی‌آن که قبلاً مهارت‌های لازم برای فهم آن‌ها را به دانش‌آموزان آموخته باشند. مخاطب چه بخواهد درباره تولیدمثل سلول چیزی بیاموزد و چه بخواهد چگونگی تأمین امنیت دره سوات در افغانستان، را بدانند، نیازمند درک مفاهیم است. لال کردن اطلاعات موجب کاهش فهم می‌شود نه افزایش آن.

بسیاری از آزمون‌های استاندارد طوری طراحی نشده‌اند که درک مفهوم را بسنجند. مضافاً این که این گونه آزمون‌ها پی‌درپی به عمل می‌آیند و فرصتی برای فهم عمیق باقی نمی‌گذارند.

مدارس تحت فشارند که محتوای درسی را تمام کنند و دانش‌آموزان را برای آزمون‌ها آماده نمایند و لذا وقت زیادی برای تعمیق یادگیری دانش‌آموزان در اختیار ندارند. یک معلم، یک مدرسه یا یک منطقه را به تنهایی نمی‌توان سرزنش کرد، زیرا آموزش و پرورش ایالت و نیز وزارت آموزش و پرورش مرکزی، بر موضوع اتمام محتوای درس تأکید می‌کنند و علائم غلط را به سیستم می‌فرستند.

کسانی که از بحث‌های انتقادی فوق نسبت به استفاده غلط از پاورپوینت هنوز قانع نشده‌اند، خوب است اندکی یک فضای کلاس درس این چنینی را تصور کنند: فرض کنید از زمان پیدایش گچ تاکنون، پاورپوینت بهترین وسیله‌ای باشد که برای تدریس اختراع شده است. در هنگام نمایش اسلایدها، غالباً معلمان چراغ‌ها را کم‌نور یا خاموش می‌کنند تا دانش‌آموزان صفحه نمایش را بهتر ببینند. حال اگر یک معلم عمده وقت کلاس خود را به نمایش پاورپوینت اختصاص دهد، دانش‌آموزان مجبورند در تمام مدت کلاس در تاریکی بنشینند. حال چگونه انتظار داریم دانش‌آموزان بهترین توانایی‌های خود را بروز دهند، درحالی که برای آن‌ها فضایی ایجاد کرده‌ایم که بیشتر برای خوابیدن مناسب است؟ بگذریم از این که احتمال چشم درد نیز برای دانش‌آموزی که ساعت‌ها در طول روز مجبور است در تاریکی به طور مرتب به صفحه نمایش و صفحه یادداشت خود نگاه کند، وجود دارد.

■ **در رویارویی با این صفحه نمایش، تنها دانش‌آموزان خیلی شجاع یا خیلی باهوش ممکن است به خشکی نمایش پاورپوینت اعتراض کنند**

■ **بسیاری از آزمون‌های استاندارد طوری طراحی نشده‌اند که درک مفهوم را بسنجند. مضافاً این که این گونه آزمون‌ها پی‌درپی به عمل می‌آیند و فرصتی برای فهم عمیق باقی نمی‌گذارند**

بیستون



سورانی (جافی) و در شهرستان سنقر و اطراف آن زبان ترکی معمول است. بیشتر مردم استان کرمانشاه مسلمان و شیعه دوازده امامی هستند. اما اقلیت سنی مذهب نیز دارد که بیشتر در منطقه اورامانات و نواحی هم مرز با استان کردستان ساکن اند. در صدی هم از سایر آیین های آسمانی شامل: مسیحی، کلیمی و زرتشتی و به علاوه در صدی اهل حق (علی الهی) نیز در استان کرمانشاه زندگی می کنند. استان کرمانشاه دارای جاذبه های تفریحی و سیاحتی فراوانی است که از آن جمله می توان به آثار تاریخی چون طاق بستان، کتیبه بیستون، تاق گرا، معبد آناهیتا، تکیه معاون الملک و گردشگاه هایی چون سراب نیلوفر، دالاهو و... اشاره کرد. گیوه بافی، موی جافی، قالی بافی، گلیم بافی، قلم زنی، پرده بافی و منجوق دوزی، از جمله صنایع دستی استان است. سوغات استان کرمانشاه نیز نان برنجی، نان شکری، کاک تخم مرغی و روغن محلی است.

تاریخچه آموزش و پرورش کرمانشاه

سابقه تحصیل علوم اسلامی در این دیار به قرون اولیه هجری برمی گردد. انجام تحصیلات مقدماتی در گذشته، چون سایر نواحی ایران، در مکتب خانه های سستی انجام می گرفت و کتاب های عم جزء، گلستان، بوستان و نصاب الصببان در مکتب تدریس می شد. آموزش دختران رایج نبود، اما به ندرت دخترانی هم در نزد ملاباجی ها می توانستند چند ورقه از کلام الهی را بیاموزند. در مناطق عشایری نیز منشیان خوانین که مسئول نگارش نامه های آنان بودند، در ایام فراغت تنها به خان زاده ها کتاب هایی چون شاهنامه و خسرو و شیرین نظامی درس می دادند.

اما در خصوص آغاز تحصیلات جدید، شروع به کار مدارس قانونی و دولتی در ایران با تأسیس دارالفنون مقارن است. در کرمانشاه البته کمی دیرتر، یعنی در دوران حکومت مظفرالدین شاه توسط شادروان **مهندس حسینعلی خان هندسی** بنای مدارس جدید نهاده شد که مدرسه حشمتیه از آن جمله است. این مدرسه را مرحوم هندسی به سال ۱۲۷۸ هجری شمسی [هفت سال قبل از مشروطه] تأسیس کرد.

❖ در این ویژه نامه که با همیاری سرکار خانم نجومی، معاون آموزش ابتدایی اداره کل آموزش و پرورش کرمانشاه تهیه شده است، می کوشیم جلوه هایی از فرهنگ و آموزش و پرورش این استان را به همکاران عزیز، در سراسر ایران، بویژه همکاران کرمانشاهی، تقدیم کنیم. شایان ذکر است که عنوان **قفتوس پر کشید**، در گفت و گو با مدیر کل استان، اشاره ای است به بازسازی استان پس از جنگ تحمیلی. **سر دبیر**

مناطق و نواحی گوناگون کشور ما ایران، هر یک به نحوی نماد و نماینده پارهای از فرهنگ و تمدن این سرزمین بزرگ هستند و در درازنای زمان، هر کدام کم یا زیاد نقشی در بالندگی این فرهنگ و تمدن ایفا کرده و سهمی را به خود اختصاص داده اند: سهمی از دفاع و دلاوری، سهمی از هنر، سهمی از شعر و ادب، سهمی از اقتصاد و صنعت، سهمی از میراث فرهنگی، سهمی از مدارس و مساجد، سهمی از عالمان دین، سهمی از مشاهیر و نخبگان، سهمی از تولید و کشاورزی، سهمی از روشنگری و آزادی خواهی، سهمی از پایداری و...

سرزمین کرمانشاهان که امروز کرمانشاه نامیده می شود، از استان های ممتاز در بسیاری از این حوزه ها است؛ چه براساس آثاری که از قرون پیش از اسلام در آن به جای مانده، هم چون معبد آناهیتا در کنگاور، سنگ نوشته های هخامنشی در بیستون در دامنه کوه پرو و طاق بستان در حومه شهر کرمانشاه و چه براساس آن چه در دوره اسلامی، بویژه از عصر صفویه به بعد، در آن پدید آمده است.

کرمانشاه و خورپران

کرمانشاه خود نام زیبایی است، اما خوب است بدانیم که در منابع ادبی آمده است که در گذشته های دور، نام این ناحیه کرمانشان - و معرب آن قرمیسین - بوده است. جالب تر این که به نوشته شادروان **محمد مکرری**، یکی از دانش پژوهان این خطه، زمانی هم به کرمانشاه «خورپران» می گفته اند. به معنی جایگاه پریدن یا غروب خورشید، درست در مقابل کلمه خراسان که به معنای محل برآمدن خورشید در پهنه گسترده ایران است.

واما کرمانشاه امروز!

استان کرمانشاه با وسعت بیش از ۲۴۰/۰۰۰ کیلومتر مربع و ارتفاع متوسط ۱۲۰۰ متر از سطح دریا در (غرب) ایران قرار دارد و جمعیت آن حدود دو میلیون نفر است. زبان مردم استان کرمانشاه کردی با گویش های گوناگون کردی است. اما زبان خود شهر کرمانشاه، فارسی، آن هم از نوع کتابی است که به گونه ای برجسته در سخن گفتن مردم شهر کرمانشاه دیده می شود. در میان عشایر، زبان کردی با گویش های گوناگون به کار می رود. معروف ترین این گویش ها گویش کلهری است که در ایل کلهر به صورت اصیل و در میان ایلات زنکنه، سنجایی، اهالی قصر شیرین، سرپل ذهاب، قلخانی، صحنه و دینور، به گونه ای متفاوت رایج است. کردی اورامی در منطقه اورامانات و گویش لکی نیز در منطقه هرسین و در مجاورت استان لرستان تکلم می شود. هم چنین در اطراف شهرستان جوانرود، گویش کردی



استان در یک نگاه

وسایل کمک آموزشی مربوط به دهه‌های ۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۰، مدل‌های ورزشکاری که در زمان شکل‌گیری آموزش و پرورش در رشته‌های گوناگون فعالیت داشته و کسب مقام کرده‌اند، اسناد تاریخی اداره معارف مربوط به سال ۱۲۵۰ هجری شمسی به بعد، آثار به‌جا مانده از اولین پیش قراولان مدارس نوین و عکس‌های تاریخی مسئولان و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش که از سال ۱۳۵۹ به بعد خدمت کرده‌اند، تشکیل شده است.

ورزشی و ۴ مجموعه ورزشی روباز دارد که در خدمت دانش‌آموزان و فرهنگیان استان قرار گرفته است. پژوهش سرای دانش‌آموزی فعال نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های مثبت این استان است. از همه مهم‌تر، اولین موزه تاریخ آموزش و پرورش کرمانشاه در دبیرستان کزازی، یکی از قدیمی‌ترین مدارس استان، قرار دارد. محل موزه با هزینه و اختصاص اعتباری بالغ بر ۳۰۰ میلیون تومان از محل اعتبارات میراث فرهنگی بازسازی شده است. این موزه از بخش‌های متعددی شامل غرفه خیرین مدرسه‌ساز، خانواده شهدا و

آموزش و پرورش کرمانشاه، به‌جز مرکز استان، دارای ۱۳ شهرستان دیگر به نام‌های اسلام‌آباد، پاوه، ثلاث باباجانی، جوانرود، سرپل ذهاب، سنقر، صحنه، قصر شیرین، کنگاور، گیلانغرب، روانسر، هرسین و دالاهو و نیز منطقه آموزش و پرورش به نام‌های باینگان، بیستون، حمیل، دینور، گاوور، گهواره، ماهیدشت و نوسود است. بنابراین، در مجموع ۲۴ اداره آموزش و پرورش اعم از نواحی، شهرستان‌ها و مناطق دارد. این استان دارای دو مرکز تربیت معلم دخترانه و پسرانه است. هم‌چنین یک استخر شنا، ۷۲ سالن

آموزش و پرورش استان در آینه آمار

ردیف	نوع مدرسه	آموزشگاه	کلاس	تعداد دانش‌آموز		
				دختر	پسر	جمع
۱	ایثارگران	۱۹	۷۲	۷۴	۱۶۷۹	۱۷۵۳
۲	تیزهوشان	۶	۴۲	۵۷۵	۵۶۱	۱۱۳۶
۳	راه دور غیردولتی	۱۹	۱۱۵	۹۷۸	۵۳۵	۱۵۱۳
۴	شاهد	۴۰	۲۹۸	۴۰۶۰	۴۲۱۷	۸۲۷۷
۵	عادی دولتی	۲۸۵۹	۱۱۵۵۱	۱۲۱۹۰۷	۱۳۰۵۹۷	۲۵۲۵۰۴
۶	عشایری	۴۳۳	۶۸۲	۴۰۳۴	۵۴۴۴	۹۴۷۸
۷	غیر انتفاعی	پیش‌دستانی	۸	۷۱	۷۱	۱۴۲
		آموزش عادی	۱۳۲	۳۵۸۵	۶۸۳۵	۱۱۷۱۶
		بزرگسال	۲۵	۳۹۰	۹۰۶	۱۲۹۶
		جمع	۱۶۵	۴۰۴۶	۷۸۱۲	۱۱۸۵۸
۸	بزرگسال (مشارکت مردمی)	۴۲	۲۰۲	۱۱۶۰	۳۴۱۱	۴۵۷۱
۹	نمونه دولتی	۲۷	۱۴۷	۲۰۵۴	۲۲۷۱	۴۳۲۵
۱۰	هیئت امنایی	۱۰۳	۹۰۵	۱۰۵۳۶	۱۲۹۹۲	۲۳۵۲۸
۱۱	وابسته	۸	۲۰	۱۸۴	۱۱۹	۳۰۳
۱۲	استثنایی	پیش‌دستانی	۲۸	۸۸	۱۴۹	۲۳۷
		سایر دوره‌ها	۴۲	۴۵۵	۸۲۳	۱۲۷۸
		جمع	۶۰	۵۴۳	۹۷۲	۱۵۱۵
۱۳	پیش‌دستانی مشارکت مردمی	۱۲۸	۱۸۵	۲۱۵۵	۲۵۳۱	۴۶۸۶
جمع کل		۳۹۰۹	۱۵۲۲۴	۱۵۲۳۰۶	۱۷۳۱۴۱	۳۲۵۴۴۷

آمار دانش‌آموزان استان کرمانشاه به تفکیک جنسیت و دوره تحصیلی

دوره تحصیلی	جنسیت	دختر	پسر	جمع
ابتدایی (بدون پیش‌دستانی)		۶۵۳۳۴	۶۹۸۷۶	۱۳۵۲۱۰
راهنمایی		۳۷۱۱۱	۴۱۹۵۱	۷۹۰۶۲
متوسطه		۴۷۵۴۷	۵۸۵۶۳	۱۰۶۱۱۰
جمع کل		۱۴۹۹۲	۱۷۰۳۹۰	۳۲۰۳۸۲



قانونی

برکسید

گفت و گو با جلال امینی، مدیرکل آموزش و پرورش کرمانشاه

■ در جنگ تحمیلی خسارت‌های زیادی به آموزش و پرورش کرمانشاه وارد شد. پس از گذشت ۲۳ سال از جنگ، آیا همه خرابی‌ها ترمیم و آموزش و پرورش بازسازی شده است؟

□ بلی. اقدامات خوبی صورت گرفته است. اکثر مدارس آسیب‌دیده از جنگ بازسازی شده‌اند و برای رفع کمبودها، در سفرهای استانی دولت و مقام معظم رهبری، اعتبارات خوبی اختصاص یافته است. با این وصف، با توجه به این که به‌جز مدارس ابتدایی که ۹۳ درصد ثابت صبح شده‌اند، درصدد هستیم تمامی مدارس دوره‌های راهنمایی و متوسطه را هم ثابت صبح کنیم که در این راستا به فضای بیشتری نیازمندیم. امیدواریم با کمک مسئولان وزارت و استان، کمبودها جبران شود.

■ وضعیت تأمین نیروی انسانی در استان چگونه است؟ آیا کمبود نیروی آموزشی ندارید و نیز از نظر پشتیبانی بودجه، ساختمان، سرانه و...؟

□ اگر بتوانیم در رشته‌های علوم پایه برخی کمبودهای دبیران مرد را جبران کنیم، خوش‌یختانه با برنامه‌ریزی‌های مدونی که صورت پذیرفته است، وضعیت نسبتاً خوبی خواهیم داشت. در حال حاضر با همکاری همکاران تلاشگر استان، کلیه کلاس‌ها دایر هستند. در این راستا پایسته است اعلام کنیم در استخدامی‌های دو سال اخیر، عنایت خاصی از سوی وزیر محترم وزارت متبوع برای تأمین نیروی مورد نیاز صورت گرفته است که امیدواریم استمرار داشته باشد. ضمناً در جنسیت زن در مرکز استان، مازاد نیرو وجود دارد، اما فعالیت‌هایی تعریف شده است که از وجود آنان نیز در بهبود کیفیت آموزش و پرورش استفاده شود و امیدواریم در سال تحصیلی آینده وضعیت مناسب‌تری حاکم باشد.

■ دو سال پیش که گفت‌وگویی با معاون شما آقای بصام تبار داشتیم، عنوان شد اقداماتی برای تقویت دانش آموزان در زمینه‌های علوم، ریاضی، فیزیک و شیمی که مشکل استان بوده، در دست انجام دارید، آیا نتیجه مثبتی از آن اقدامات حاصل شد؟ هم‌چنین، در توسعه هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای چه اقداماتی در دست دارید؟

□ نتایج مثبتی دربرداشته است. در کلیه پایه‌های تحصیلی، افت آموزشی روند کاهشی دارد، به‌طوری که در آخرین تحلیل نتایج کنکور، میانگین نمره علمی شرکت‌کنندگان استان، به‌خصوص در رشته‌های علوم تجربی، ریاضی و انسانی، بالاتر از میانگین کشوری است و مشکل استان ما نبود تناسب قبولی بچه‌ها در دانشگاه نسبت به شرکت‌کنندگان است که با پی‌گیری‌های مسئولان استان، برنامه‌ریزی شده است تا به تدریج میزان پذیرش دانشجو افزایش یابد. در زمینه توسعه مدارس فنی و حرفه‌ای هم با اقدامات انجام‌شده، سهم آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای، نسبت به سال گذشته سه درصد افزایش داشته است.

■ وضعیت مدارس (به تفکیک سه دوره) از نظر اخلاقی و تربیتی چگونه است؟ مرکز چه کمکی می‌تواند به شما بکند؟

□ بحمدالله وضعیت تربیتی مدارس از فضای عمومی مردم ولایت‌مدار متدین و انقلابی استان نشئت گرفته است و این را از میزان حضور دانش آموزان در برنامه‌های معنوی می‌توان دریافت. جدیت در کسب علم و فضائل اخلاقی، همراه با کوشش مجدانه همکاران فرهنگی، فضای مناسبی به‌وجود آورده است. در بحث فراگیری معارف اسلامی، اقامه نماز در مدارس و کلاس‌های آموزش قرآن، توسعه امکانات ورزشی و فعالیت‌های دیگر فضای خوبی در مدارس وجود دارد. البته نه به این معنا که مشکل وجود ندارد، بلکه با سامان‌دهی مشاوران و مربیان پرورشی و معاونان فناوری و ایجاد مجتمع‌های آموزشی و پرورشی که در سال‌های اخیر با همت آقای حاجی بابایی در کلیه دوره‌های تحصیلی راه‌اندازی شده است، به این مشکلات توجه می‌شود و اقدامات تربیتی گسترده‌تر خواهد شد.

■ از میان شهرستان‌ها و مناطق تابعه، کدام یک شاخص‌تر و موفق‌ترند و دلیل آن چیست؟

□ مناطق با توجه به بافت فرهنگی و زیرساخت موجود، روند روبه‌رشدی در زمینه‌های گوناگون آموزشی و پرورشی دارند. مهم این است که توقف و یا عقب‌گرد نداشته باشیم که خوش‌یختانه این روند وجود دارد. میزان مشارکت خانواده‌ها در امور، انگیزه دانش آموزان، وجود مدارس خاص و امکانات متفاوت است. طبیعتاً در مرکز استان و شهرهای بزرگ مثل نواحی سه‌گانه اسلام‌آباد، صحنه و کنگاور شرایط مطلوب‌تر است و با توجه ویژه مقام عالی وزارت، درصدد ترمیم کاستی‌ها هستیم تا عدالت و دسترسی را حتی برای دانش آموزان مناطق مرزی تسهیل کنیم. برخی مشکلات در مناطق کوچک استان وجود دارد، مثل تعداد قلیل دانش آموزان و نداشتن حدنصاب در برخی روستاها برای تشکیل برخی از رشته‌ها و فعالیت‌ها که محلودیت‌هایی ایجاد می‌کند. سعی کردیم با تشکیل مجتمع‌ها و یا فعالیت‌های فوق برنامه و استفاده از سرویس ایاب و ذهاب و... این مشکلات را رفع کنیم.

۲۸ اسفند

روز مقاومت مردم کرمانشاه

سال ۱۳۶۶، در زمانی که مردم کرمانشاه آماج حملات هوایی ددمنشانه رژیم بعثی صدام بودند، زنان و کودکان بی‌پناه شهر کرمانشاه، در پناهگاه بزرگ پارک شیرین، در انتظار پایان آثریر قرمز و شنیدن آثریر زرد بودند که به ناکاه به تنها منفذ پناهگاه (هواکش)، با خبررسانی منافقان، موشکی داخل شد و با انفجار خود بیش از سیصد نفر را به خاک و خون کشید. از آن میان، ۷۶ عزیز بی‌پناه نیز به شهادت رسیدند. با وجود آن انفجار دهشتناک، هیچ‌گاه صدای مدعیان دروغین حقوق بشر درنیامد و کسی آن را «جنایت جنگی» نخواند. اما مردم کرمانشاه خون گریستند و خون دل خوردند و با اشک‌های خونی شهیدان خود را تشییع کردند. کرمانشاه در طی جنگ بیش از ۱۱۰۰ بار آماج حملات هوایی قرار گرفت و بیش از ۸۰۰۰ بار صدای آثریر شنید، اما مردم غیورش مانند و از حیثیت و شرافت شهر و دیار خود دفاع کردند.

به یاد آن واقعه، ۲۸ اسفند هر سال را روز مقاومت مردم کرمانشاه نام نهادند و کنار پارک نیز تندیس فرنگیس حیدرپور، شیرزن گیلان غربی را، به عنوان مادر مقاومت نصب کردند. منبع: Farsnews.com



۲۴
شماره هفتم - فروردین ۱۳۹۱

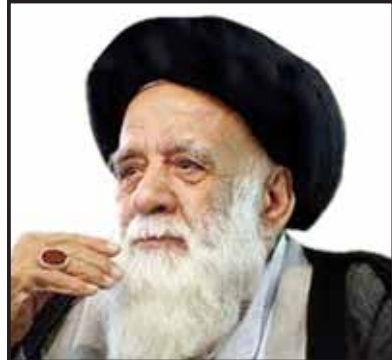
میرزا محمد رضا کلهر



عبدالحسین آذرنگ



آیت الله نجومی



آموزش، فرهنگ و دفا

که هرکس را به خود فرامی‌خواند؟ از عالمان بزرگ این سرزمین به این‌ها اشاره می‌کنیم: خاندان بزرگ آل‌آقا (فرزندان و اعتقاد محمداً باقر وحید بهبهانی، معروف به استادالکل که به واسطه غلبه علمی‌اش بر اخباریون شهره است) و از جمله آقا احمد کرمانشاهی، نویسنده سفرنامه خواندنی مرآت الاحوال (مسافرت او به هند)، شادروان سردار کابلی (از علمای مهاجر افغانستان) که عجب‌وب‌ای در علوم گوناگون بود. آیت‌الله سید محمد مهدی (از میبد یزد) که سال‌ها در شهر کرمانشاه به امامت و افاضه علمی مشغول بود و در زهد و تقوا کم‌نظیر بود. آیت‌الله عطاء الله اشرفی اصفهانی (که از سوی آیت‌الله بروجردی به کرمانشاه اعزام شد و سرانجام پس از انقلاب اسلامی به شهید محراب اشتیاق یافت. هم‌چنین از دیگر عالمانی چون آیت‌الله جلیلی، آیت‌الله مجتبی عراقی، آیت‌الله حاج آخوند، آیت‌الله زرنندی و آیت‌الله نجومی و نیز شادروان استاد سید طاهر هاشمی (از علمای کرد اهل سنت) می‌توان یاد کرد.

ادیبان، نویسندگان، شاعران و مترجمان: در این زمینه، کرمانشاه دارای چهره‌های موجهی است؛ از آن جمله‌اند: محمدباقر میرزا خسروی دولتشاهی که اولین رمان تاریخی فارسی را به نام شمس و طغرا نوشت و علی محمد افغانی

از نشانه‌های غنی بودن فرهنگ مردم یک سرزمین، چهره‌هایی است که در آن فرهنگ به ظهور رسیده‌اند؛ چهره‌هایی که هرچه متنوع‌تر و متعلق به انواع شاخه‌های فرهنگ باشد، حکایت از غنای بیشتر آن فرهنگ می‌کنند؛ و کرمانشاه از این جهت قابل ملاحظه است. در نگاهی گذرا بر فهرست شخصیت‌های بی‌شماری که در گذشته و بویژه در یکی دو قرن اخیر در پهنه کرمانشاهان بالیده‌اند، این تنوع رشک‌برانگیز را مشاهده می‌کنیم؛ از عالمان دینی گرفته، تا ادیبان و عارفان و شاعران و تا مردان علم و دانشگاه و صنعت و تجارت ...

در صفحه‌ای که پیش‌رو دارید، تنها مجال داریم فهرست‌وار به اسامی پاره‌ای از این افراد، تنها به عنوان نمونه، اشاره کنیم و امیدواریم معلمان عزیز، در سراسر استان، همین اندک اشاره را دست‌مایه تحقیق و پژوهش قرار دهند و دانش‌آموزان خود را بیش از پیش با میراث فرهنگی سرزمین خویش، بویژه چهره‌های برجسته آن، آشنا سازند. عالمان: کرمانشاه دارای عالمان بزرگی بوده است و شگفت این است که بسیاری از آنان، از نقاط دیگر، داخل یا خارج، به این نقطه مهاجرت کرده و ماندگار شده‌اند. این را برچه می‌توان حمل کرد، جز اقبال مردم مهمان‌نواز این منطقه به علم و عالمان دینی و نیز طبیعت مساعد آن



کوروش باقری



محمد جواد محبت



دکتر مجتبی شمسی‌پور

هانبال الخاص



نجداد علی الماسی



یدالله بهزاد کرمانشاهی



ساع مقدسی در کرمانشاه

که اولین رمان جدید فارسی به نام شوهر آهوخانم را عرضه کرد. **غلامرضا رشید یاسمی** استاد پژوهشگر زبان و ادب فارسی در دانشگاه تهران، استاد **کیوان سمیعی** (عارف، ادیب و نویسنده زندگی‌نامه خواندنی سردار کابلی) و بالاخره **میرجلال‌الدین کزازی، صالح حسینی و عبدالحسین آذرنگ** که هر سه در عرصه ادبیات، ترجمه، نشر و فرهنگ‌نویسی، از صاحب‌نامان به‌شمار می‌روند. از شاعران هم باید **رحیم معینی کرمانشاهی، یدالله بهزاد کرمانشاهی، ابوالقاسم لاهوتی** و بویژه دو شاعری را نام ببریم که نام آن‌ها با شعر انقلاب اسلامی پیوند خورده‌است؛ یعنی **محمدجواد محبت** و **احمد عزیزی**.

در دیگر عرصه‌ها نیز، کرمانشاه نام‌آورانی چون **غلامرضا کلهر** و **آیت‌الله نجومی** (در خوش‌نویسی)، **هانبال الخاص** و **غلامحسین محسنی کرمانشاهی** (در نقاشی)، **پوران درخشنده**، **رسول ملاقلی‌پور**، **فرهاد اصلانی**، **فخری خوروش** و **جمال شورجه** (در سینما)، **رضا کرم رضایی** و **قطب‌الدین صادقی** (در تئاتر)، **سیدخلیل عالی‌نژاد**، **شهرام ناظری**، **کیهان کلهر** و **کیومرث پورناظری** (در موسیقی) دارد.

استان کرمانشاه در عرصه علم و دانشگاه نیز چهره‌های ارزنده‌ای به جامعه ایران عرضه کرده است. **دکتر مجتبی شمس‌پور**، شیمی‌دان برجسته، عضو فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی، چهره ماندگار (۱۳۸۱) و کسی است که

در میان استادان ایران، بیشترین مقالات علمی را در سطح جهان به **IST** عرضه کرده است.

دکتر ایرج گنج‌بخش، جراح بزرگ قلب مقیم فرانسه، **شادروان دکتر عبدالعلی گویا**، استاد فیزیک و نخستین رئیس دانشگاه رازی کرمانشاه و بالاخره **شادروان دکتر کریم سنجابی** و نیز **دکتر نجادعلی الماسی**، از حقوق‌دانان مبرز برآمده از فرهنگ این آب و خاک‌اند. سرانجام باید از **رستگار رحمانی** یاد کنیم که در سال ۱۳۸۷ رتبه اول کنکور تجربی کشور را به دست آورده و اینک در دانشگاه تهران به تحصیل در رشته پزشکی مشغول است.

و اما در ورزش؛ نخست باید دانست که کرمانشاه از قطب‌های پهلوان پرور کشور ماست که پهلوانانی مانند **پهلوان حسین گلزار** از گذشتگان و **برادران محبی** (محمدحسن و محمدحسین) در کشتی، از جوانان امروز، از آن برخاسته‌اند. اما در زمینه دیگر ورزش‌ها نیز کسانی چون **جلال مرادی** و **محمد رنجبر** (فوتبال)، **کوروش باقری** (وزنه‌برداری) **علی جواهری** (تنیس) قابل ذکر هستند.

سرانجام از معلمان نام می‌بریم؛ معلمان مانند: **نظام‌الدین آل آقا**، **علی فروزان**، **محمدجواد محبت**، **فرشید یوسفی**، **عبدالرضا رادفر**، **محمدحسین محبی**، **اسفندیار زرافشان**، **پرویز آریاپور**، **جواد شیخی**، **مجید مهدویان**، **سیداکبر حجت‌خواه**، **سیدجلیل سیدزاده**، **مرتضی حسینی نسب** و...



رسول ملاقلی پور



احمد عزیزی



رستگار رحمانی

نام این زن را به‌خاطر بسپارید

کسانی که به کرمانشاه سفر می‌کنند و در کنار پارک شیرین، مجسمه زنی تبر به دست را می‌بینند، از خود می‌پرسند: این زن کیست که مجسمه‌اش را در اینجا نصب کرده‌اند؟ مجسمه متعلق به **فرنگیس حیدرپور** از روستای **گورسفید** گیلان غرب است که در جریان جنگ تحمیلی با رشادت و شجاعت خود حماسه‌ای آفرید که شنیدنی است.

از زبان خودش بشنویم:

«سال ۵۹ بود و من ۱۸

سال داشتم که عراقی‌ها به

روستای ما حمله کردند و

ما خیلی شهید دادیم، مردم

مجبور شدند فرار کنند و

در دره مخفی شتوند. در این

جریان از خانواده من ۸ نفر

(برادر، دایی، عمه، پسر دایی،

دختر دایی، دختر عمو و...)،

شهید شدند.

آن روز که به دره رفتیم،

نزدیکی‌های غروب بود

که تشنه و گرسنه شدیم.

من، پدر و برادرم به روستا

آمدیم تا غذا ببریم. نزدیک

رودخانه دو سرباز دشمن

را دیدیم. از دست آن‌ها به

شدت خشمگین بودم. من

تبر به دست، به سمت آن‌ها

حمله‌ور شدم. یکی از آن‌ها

را کشتم و دیگری را زخمی

کردم و در نهایت به اسارت

درآوردم.»

وی که اکنون دارای چهار

فرزند است، افتخار می‌کند

که توانسته است در زمان

جنگ با دفاع از خود و میهن

اسلامی، تا اندازه‌ای دین خود

را به نظام اسلامی ادا کند.

منبع: Basij.ir

شهر من، دبیرستان من و دبیران من

تازه فارغ التحصیل شده بود، و ادیبی با لهجه شیرین ترکی، که بعدها دکترایش را در ادبیات گرفت و از استادان مبرز این حوزه شد، دبیران ادبیات ما شدند. این دو، ذائقه‌ها و رویکردهای ادبی متفاوتی داشتند؛ اولی نوگرا و دومی عمیقاً سنت‌گرا، اما هر دو به سهم و در قلمروهای خود تأثیرگذار بودند. شاعر نوپرداز، ما را با شعر نو، داستان‌نویسی معاصر، چهره‌های ادبی روز و مجله‌های ادبی جدید آشنا کرد، اما همراه این‌ها، به گونه‌ای نامحسوس، نگرش و تحلیل چپ‌گرایانه خود را انتقال داد، نگرش و تحلیلی که بعدها بسیار سطحی و ساده‌انگارانه از کار درآمد، اما در زمان خودش به هر حال با نگرش دبیران دیگر تفاوت داشت. تفاوت زیربنایی - روبروایی کلیدی بود که او به دست ما داد و برای مدتی ما را به تفسیر ساده‌لوحانه رویدادها مشغول کرد. گاه به اصرار بچه‌ها از شعرهای خودش هم می‌خواند، و به انگیزه‌ها و منابع الهام شعرش اشاره مبهمی می‌کرد، اما همین اشاره‌های مبهم شاید بیش از هر عامل دیگری به نزدیک شدن ما به ادبیات زنده و ملموس کمک می‌کرد؛ اگرچه کوشش‌های ما برای یافتن معشوقه‌های واقعی شعرهایش به جایی نرسید.

یکی دیگر از دبیران که تاریخ جدید درس می‌داد، مردی گرم دهن بود و با بچه‌های علاقه‌مند و درس‌خوان مناسبات دوستانه‌ای برقرار می‌ساخت. او کتاب امانت می‌داد و مشوق مؤثری در ادامه تحصیلات شاگردان درس‌خوان بود، اما چون مبالغه می‌کرد، از خودش تصویری بسیار شکوهمند ارائه می‌داد، و پایه‌های این شکوه گاه به بهای دروغ‌ها و لاف‌های گزاف گذاشته می‌شد. پس از مدتی گفت‌وگو و تبادل نظر بچه‌ها باهم، به کاریکاتوری تاریخی تبدیل شد.

از کتاب «استادان و ناستادان» نوشته عبدالحسین آذرنگ

مهرماه ۱۳۳۷ وارد دبیرستان رازی شدم؛ مدرسه‌ای بزرگ ته بازار سرپوشیده. پشت مدرسه، ویرانه‌های دارالحکومه محمدعلی میرزا دولتشاه، پسر فتح‌علی شاه قاجار، هنوز به کلی نابود نشده بود. شماری از بچه‌ها از دیوار پشت مدرسه پایین می‌پریدند و در آن خرابه‌ها در پناه دیوارها مخفیانه سیگاری می‌کشیدند.

در دبیرستان رازی آقای سردارنیا، با قدی کوتاه، سری کم مو و عینک پنی، نخستین معلمی بود که حس ناشناخته تازه‌ای در من برانگیخت. او در ردیف وسط میان میزها قدم می‌زد و شاگردانی که شعرها و نثرها را از روی کتاب فارسی درست و خوب می‌خواندند، با تشویق‌های گرم او روبه‌رو می‌شدند. نخستین جرقه‌های ادبی را او در ذهن شماری از بچه‌ها افروخت. بیت‌هایی که با صدای رسا و گرمش می‌خواند، هنوز هم با وضوح تمام در نهاد ذهنم محفوظ است.

در سه دبیرستان دیگر شهر هم درس خواندم، و در هر سه، روش‌های بد و زمخت چندین دبیر ریاضیات، علمای و از جمله مرا، از ریاضیات و علوم وابسته به آن دور کرد. در عوض، تدریس ماهرانه **یدالله بهزاد** [کرمانشاهی]، دبیری سخت‌گیر و جدی، اما مسلط و خوش حافظه، که بعدها دانستم قصیده‌سرایی زبردست است، روش نرم و ملایم **خانبا با جیحونی**، دبیری مؤدب، و باسلوک بسیار موقرانه و مؤدبانه **محمد حسین جلیلی**، ادیب، شاعر، از خاندانی محترم، مردی مسلط به ادب فارسی و عربی، که شاید نخستین معلمی بود که معنای مجسم معلم محترم و بری از هر گونه تندخویی و خشونت بود، تأثیرهای عمیق خود را بر جا گذاشت. به مراتب فضل او زمانی پی بردم که از میان ما رفته بود.

سال‌های پایان دبیرستان، شاعری نوپرداز که از دانش‌سرای عالی



اشاره

خانم زهرا نجومی، معاون آموزش ابتدایی اداره کل آموزش و پرورش استان است که مجلات رشد نیز زیر نظر ایشان به مسئولیت مصطفی احمدی - توزیع می‌شود. در گفت‌وگو با خانم نجومی، از چند و چون توزیع مجلات در استان پرسیدیم.

● در چند سال اخیر، روند دریافت و توزیع مجلات رشد در استان چگونه بوده است؟

به یاری خداوند در دو سال اخیر هر سال ۲۵ درصد افزایش داشته‌ایم.

● کدام شهر یا ناحیه یا منطقه، از مجلات بیشتر استقبال کرده‌اند؟

در بین نواحی ناحیه یک، و در شهر سان‌های استان، به ترتیب اسلام‌آباد، سنقر و سرپل ذهاب.

● پیشنهاد شما برای افزایش کمیت مجلات در استان و نیز رشد کیفیت آن‌ها در مرکز چیست؟

روند کنونی برگزاری دوره‌های ضمن خدمت ادامه یابد.

در بخش دانش آموزی، با ایجاد بستری برای شرکت دانش آموزان در تلویزیون مجلات رشد و همچنین توزیع مسئولان استان‌ها در خصوص فرهنگ‌سازی استفاده بهینه از مجلات رشد از طریق رسانه‌های گروهی صدا و سیما برای والدین دانش آموزان، اقدامات بهتری صورت گیرد.

در امر کیفیت، تشکیل بانک اطلاعاتی از نیروهای زبده و متخصص و استفاده از مطالب و نظرات آن‌ها در مرکز، می‌تواند در رشد کیفیت مجلات مؤثر باشد.

● از شما تشکر می‌کنیم و امیدواریم روند استفاده از مجلات رشد، متناسب با سابقه فرهنگی در خشان استان، روز به روز در حال افزایش باشد.

رشد «رشد» ها در استان

گفت‌وگو با
زهرا نجومی
معاون آموزش ابتدایی



دو نهاد آموزشی

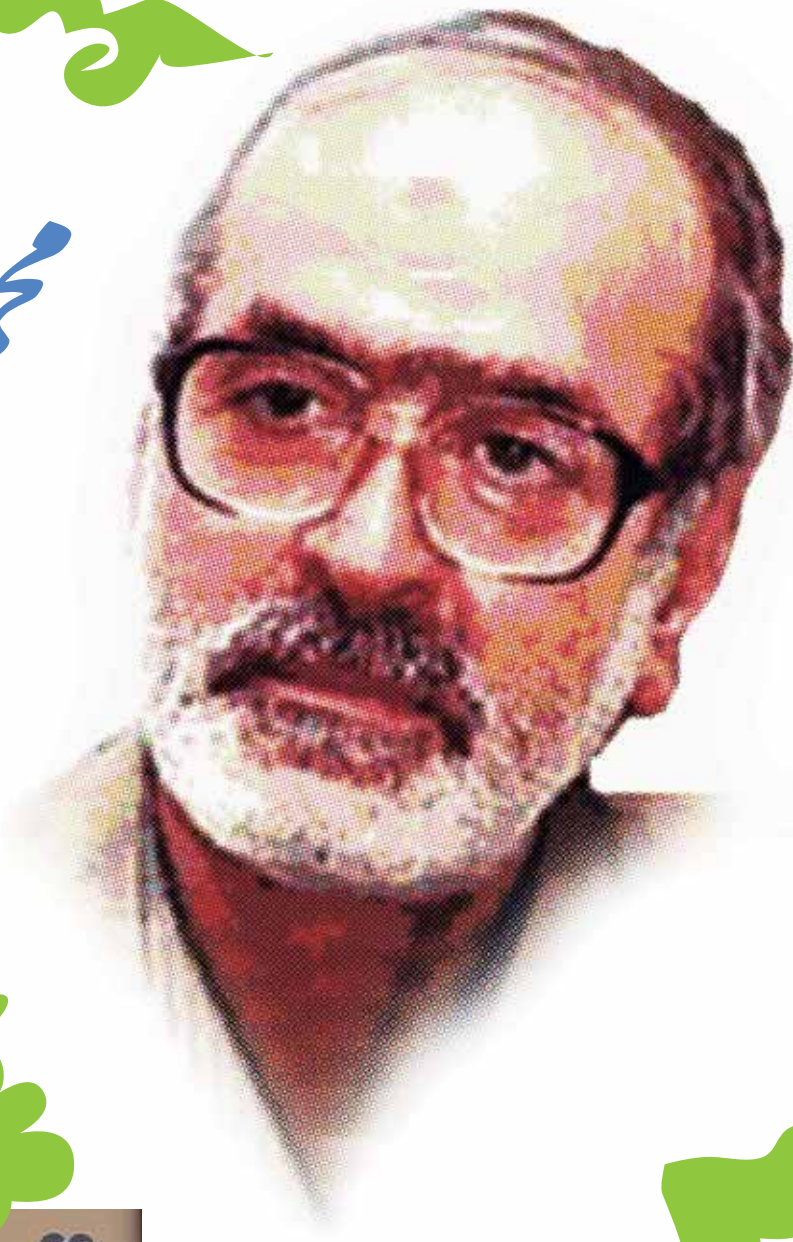
در تاریخ معاصر کرمانشاه، دو اقدام مهم در بسط و گسترش حوزه علمی برای طلاب علوم دینی و مدرسه برای کودکان و نوجوانان صورت گرفته است. اولی تأسیس مسجد و مدرسه آیت الله بروجردی است که از سوی مرحوم آیت الله بروجردی در دهه ۳۰ انجام شد و آیت الله عطاءالله اشرفی اصفهانی - شهید محراب - از سوی ایشان به عنوان رییس آن، به کرمانشاه اعزام شد. این مجموعه در نزدیک میدان فردوسی کرمانشاه به فعالیت خود ادامه می دهد. مورد دوم، تأسیس مدارس جامعه تعلیمات اسلامی، به کوشش شیخ عباسعلی اسلامی است که بهتر است شرح آن را به قلم آن مرحوم، از کتاب «طلایه داران فرهنگ اسلامی در عصر اختناق» بخوانیم. وی می نویسد:

«حضرت حجت الاسلام آقای حاج سیدمحمد مهدی - از علمای پرهیزگار و از معارف آن سامان - از ما برای تأسیس نخستین مدرسه اسلامی دعوت فرمود. ما نیز قبول دعوت کرده، همراه تنی چند از دوستان و از جمله مرحوم حاج سیدمحمد رضا رجایی، رهسپار کرمانشاه شدیم. پس از ورود به کرمانشاه، تحقیقات اولیه بر ما چنین آشکار ساخت که به ندرت می توان در این شهر جایی یافت که برای تأسیس مدرسه مناسب داشته باشد. ناگاه به خاطر آوردم که سالیان قبل در مسیر تشرف به عتبات عالیات، چند روزی در کرمانشاه توقف داشته ام و از جمله مراکزی که مورد بازدید من قرار گرفت، حسینیه، زینبیه و عباسیه مرحوم معاون الملک بوده است. آن زمان مرحوم معاون الملک هنوز در قید حیات بود. این مرد بزرگ از همه ثروت خویش در راه حضرت سیدالشهدا علیه السلام چشم پوشیده و تمام دارایی خود را به حضرتش هدیه نموده بود. در زمره این هدایا ساختمان هایی بود که آن مرحوم حسینیه، زینبیه و عباسیه نامیده بود و از آن برای برگزاری مراسم سوگواری مذهبی استفاده می شد. به نظرم آمد که اگر بتوانیم موقتاً از این مکان برای برپایی کلاس درس بهره برداری کنیم، بسیار مناسب است. سیاس خدای را که با مساعدت مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ هادی جلیلی رحمه الله علیه، ابتدا موافقت ورثه مرحوم معاون الملک تحصیل شد و مقرر شد بناهای مذکور به مدت ۱۷ سال به اجاره «جامعه تعلیمات اسلامی» درآید. سپس با تشکیل جلسات عمومی و دعوت از معارف شهر، بودجه قابل توجهی فراهم آمد و احیای بنای مذکور آغاز شد. خوب به خاطر دارم که مبلغ پنجاه تومان از سوی یکی از یهودیان شهر به جامعه اهدا گردید. دوستان ما از فرد مذکور پرسیدند: چه سبب شده است که تو این وجه را به مدارس مسلمین اهدا کنی؟ در حالی که نه می توانی انگیزه اجر اخروی داشته باشی، زیرا مسلمان نیستی و نه بهره دنیوی، چرا که فرزندت در این نوع مدارس پذیرفته نخواهد شد. وی پاسخ داده بود:

آری، چنین است که می گوید، اما اگر مدارس مسلمین آباد شود و نسل آینده به ادب و تربیت صحیح مؤدب گردد، فرزند من نیز که ناگزیر با این نسل معاشر و مصاحب خواهد بود، از حسن تربیت و آداب نیکو بهره مند خواهد شد.»

محبت محمدجواد

در میان چهره‌های شعری
بعد از انقلاب، محمدجواد
محبت از کرمانشاه، چهره‌ای
آشناست؛ به‌ویژه برای ما
فرهنگیان که شعرهایی از او را
در کتاب‌های درسی خوانده‌ایم.
محمدجواد محبت معلم است.
نخست در روستاهای قصر
شیرین به معلمی اشتغال یافت
و بعداً به کرمانشاه منتقل شد.
وی سابقه‌ای طولانی در شعر
دارد و یکی از چهار شاعری
است که «جایزه شعر فروغ» به
آنها تعلق گرفته است. محبت
در سال ۱۳۵۲ این جایزه را
دریافت کرد. با آوردن شعر
«دو کاج» از محبت، خاطره
شیرین این شعر را در کامتان
زنده می‌کنیم و برای شاعر
آرزوی سلامتی و توفیق مدام
داریم.





حمیده علمی غروی

اشاره

شادروان حمیده علمی غروی، معلمی دانشمند بود که سال گذشته، دی ماه ۹۰، در نهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد، از او تقدیر به عمل آمد و شما شرح حال مختصر او را در همین شماره می‌خوانید. مانیز به پاس بزرگداشت این بانوی فرهیخته، یکی از نوشته‌های او را انتخاب کرده‌ایم که تقدیم شما خوانندگان عزیز می‌کنیم. خاتم غروی این مقاله را سال‌ها پیش در ماهنامه آموزش و پرورش (شماره ۷- دوره ۴۷، فروردین ۵۷) به چاپ رسانده بود. ماز چاپ مقاله، به جز یادکرد و بزرگداشت نویسنده آن، هدف دیگری هم داریم و آن بازتاب دادن یک «نگاه علمی» به «مسئله رشد جمعیت» است. می‌دانید که رشد جمعیت یکی از چالش‌های بزرگ جهان معاصر است و همه کشورها به نحوی با آن درگیرند. مهم این است که رشد جمعیت، صرف‌نظر از بحث‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی دینی که از آن می‌شود، مسئله‌ای علمی در حوزه زیست‌شناسی نیز هست و در هر حال باید با تدبیر و اندیشه با آن برخورد شود تا این مسئله اگر فرصت است، به تهدید تبدیل نشود. و اگر تهدید است، به فرصت تبدیل شود. این مقاله به همین نگاه به رشته تحریر درآمده و موضوع را از جوانب گوناگون علمی کاویده است. جز این، مقاله حاضر، نمونه‌ای از یک مقاله علمی عمومی برای علاقه‌مندان به این گونه نوشته‌ها و نوشتن‌هاست. رشد.

استانداردهای زندگی ورشد جمعیت

کلید واژه‌ها:
استاندارد، زندگی،
رشد جمعیت، انفجار
جمعیت

■ عامل عمده
انفجار جمعیت، «رشد
مجهول القوه» آن
است. هنگامی که رشد
کمیتی مجهول القوه
باشد، فرآورده (یا سود)
در تولید بعدی شرکت
می‌کند

در دهه ۱۹۶۰، که نرخ رشد جمعیت ۲ درصد بود، ۶۵۰ میلیون نفر بر جمعیت جهان افزوده شد. اگر در دهه ۱۹۷۰ نیز این نرخ هم چنان ادامه می‌یافت، پس از ۱۰ سال قریب ۸۰۰ میلیون نفر بر جمعیت افزوده می‌شد.

در نظر گرفتن رشد مجهول القوه بر حسب زمان دو برابر شدن، یا زمانی که طول می‌کشد تا کمیتی که بر حسب درصد سالانه ثابت رشد می‌کند، دو برابر شود، سرعت این رشد را روشن‌تر می‌کند. رابطه ریاضی ساده‌ای میان نرخ رشد و زمانی که کمیت دو برابر می‌شود، وجود دارد. زمان دو برابر شدن تقریباً برابر است با ۷۰ تقسیم بر نرخ سالانه رشد. مثلاً زمان دو برابر شدن کمیتی که با نرخ سالانه ۲ درصد افزایش می‌یابد، ۳۵ سال است.

خصوصیت رشد مجهول القوه این است که در حالی که کمیت چنان کوچک به نظر می‌رسد که هیچ‌گونه خطری از سوی آن احساس نمی‌شود، ناگهان از آستانه تجاوز می‌کند و به مرحله

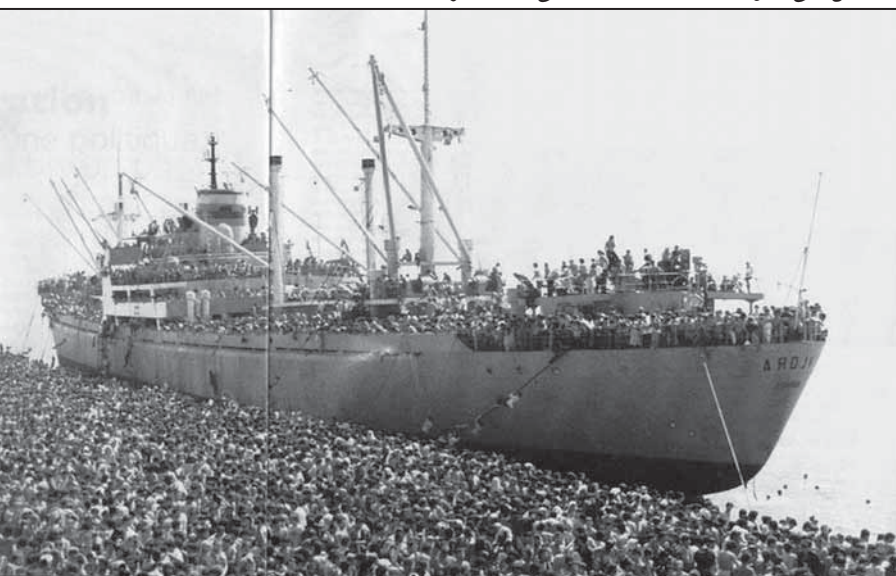
انفجار جمعیت

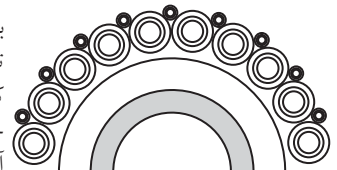
اکثر حیوانات ساز و کار تنظیم‌کننده‌ای برای محدود ساختن اندازه جمعیت‌های خود دارند. مثلاً پاره‌ای از آنان به هنگام ازدحام، مواد زیان‌آوری از خود ترشح می‌کنند که فراوانی جفت‌گیری آن‌ها را کاهش می‌دهد؛ یا فشارهای اجتماعی ناشی از ازدحام، به «وقفه هورمونی» تولیدمثل منجر می‌شود؛ و ژن‌های مرگ‌آور باقیم‌کننده، در جمعیت گسترش می‌یابد و مانند این‌ها. بدیهی است که این تدابیر در مورد جمعیت آدمی به هیچ‌وجه پذیرفتنی نیست. با این‌که یک زن به‌طور طبیعی نمی‌تواند بیش از ۱۰ تا ۱۲ فرزند تولید کند و این تعداد در مقایسه با کرم کدو، که در یک روز ۱۲۰,۰۰۰ تخم بارور شده می‌گذارد، بسیار اندک است، اما نرخ افزایش جمعیت آدمی در حال حاضر احتمالاً از نرخ افزایش جمعیت هر نوع جاندار دیگر بیشتر است.

جمعیت نخستین و کوچک آدمی، بین یک تا دو میلیون سال پیش، و احتمالاً در قاره آفریقا ظاهر شد. قرائن نشان می‌دهد، در ۲۰۰ هزار سال اول تاریخ حیات آدمی، برای آن‌که جمعیت دو برابر شود، ۷۰۰۰ سال زمان لازم بوده است. در سال ۱۶۵۰ میلادی، مدت دو برابر شدن جمعیت ۲۰۰ سال بود و با نرخ کنونی رشد جمعیت - که سالانه ۲/۵ درصد است - یعنی روزی ۲۷۰,۰۰۰ نفر - میانگین مدت دو برابر شدن تقریباً ۳۰ سال است.

در دهه ۱۹۴۰، گسترش فناوری پزشکی جدید، نرخ رشد جمعیت آدمی را به قریب ۱ درصد، و در سال ۱۹۶۰ به ۲ درصد رساند، و حال آن‌که، پیش از آن، از سال ۱۶۵۰ تا ۱۸۵۰ افزایش نرخ رشد جمعیت تقریباً ۱/۲ درصد بوده است.

عامل عمده انفجار جمعیت، «رشد مجهول القوه» آن است. هنگامی که رشد کمیتی مجهول القوه باشد، فرآورده (یا سود) در تولید بعدی شرکت می‌کند (مثلاً مانند وقتی که سود بر سرمایه افزوده می‌شود). در نتیجه، اگر درصد رشد در دو دوره زمانی متوالی برابر باشد، در دوره دوم، رشد مطلق بیشتر خواهد بود. مثلاً





محمدمراد خوش اخلاق
(۱۳۵۲)
معلم نمونه کشوری
خوزستان

محمدمراد خوش اخلاق مدیر پیش دبستان و دبستان بهشت (کودکان اوتیسم) در اهواز است که ۶۰ دانش آموز دارد. وی در ایذه متولد شده و دارای مدرک فوق لیسانس جامعه شناسی از دانشگاه آزاد شوشتر است. ۲۳ سال سابقه کار دارد که عمده آن را در خدمت کودکان استثنایی بوده و از این جهت قابل ستایش است. وی از جمله، سه سال آموزگار دانش آموزان ناشنوا بوده، سه سال کارشناس ارزیابی عملکرد آموزش و پرورش استثنایی و سه سال نیز کارشناسی آموزش دانش آموزان دارای اختلالات روانی را به عهده داشته است. مدرسه بهشت را نیز با پی گیری های خود و با استفاده از اعتبارات دولتی تأسیس کرده است. از دیگر خدمات او، تشکیل «انجمن اختلالات رفتاری اوتیسم» با همکاری خیرین است. محمدمراد خوش اخلاق اهل نوشن نیز هست و مقالاتی را با عنوان های مشکلات اجتماعی معلولان، دانش آموزان دیرآموز، اختلالات یادگیری، و اوقات فراغت دانش آموزان، و اعتیاد و موادمخدر، در نشریات استان منتشر کرده است.

اتمسفر را که حاصل چرخه های (زیست-زمین شیمیایی)^۲ است، تهدیدی جدی به شمار می آورند و محدودیت گرمایی و محدودیت مکانی را نیز امکان پذیر می دانند. حتی بعضی ها پیش بینی می کنند که ممکن است اکسیژن و نیتروژن (ازت) جو کاهش یابد؛ گرچه چنین امری بعید به نظر می رسد.

از آن جا که ثبات ترکیب کنونی جو بیشتر حاصل فعالیت های سیستم های زیست-شناختی است، آن را شاخص مناسبی از سلامت اکوسیستم ها-یادر واقع شاخص سلامت همه اکوسفر^۴- به شمار می آورند. اکسیژن اتمسفر طی چند صد میلیون سال به تراکم کنونی رسیده و حاصل رویدادهای نسبتاً نادری است که طی آن ها کربن تثبیت شده در فرایند فتوسنتز، به صورت رسوبات اکسید نشده، یعنی گرافیت، در لایه های قدیمی زمین و سوخت های فسیل در لایه های جدیدتر آن-اندوخته شد. در حال حاضر، بیشترین اکسیژن جو به مصرف سوزاندن سوخت های فسیلی-که هنگام اندوخته شدن آن ها از دی اکسید کربن جو کاسته و بر اکسیژن آن افزوده می شده می رسد. (محاسباتی نشان می دهد که در مدت ۱۰۰ سال گذشته، ۱۲ درصد به دی اکسید کربن جو افزوده شده است).

با همه این ها، تخمین های به عمل آمده نشان می دهد که تولید اکسیژن در فتوسنتز و مصرف آن در تنفس، احتراق و اکسیداسیون مواد آلی، تقریباً هر سال در حال موازنه است. چون اندوخته اکسیژن اتمسفر بسیار زیاد است، خطر کاهش آن بر اثر انهدام جنگل ها و دیگر اجتماعات گیاهان به وسیله آدمی در میان نیست. به گفته دیگر، نیاز آدمی به گیاهان برای تولید غذا بیشتر است تا برای تولید اکسیژن برای خودش.

خطری که جو را تهدید می کند، گازهای سمی است که به آن وارد می شوند. گذشته از گازهای سمی ناشی از فعالیت های صنعتی، ایجاد اختلال در بعضی از چرخه های طبیعی مواد در طبیعت نیز ممکن است چنین خطری به همراه داشته باشد. گاز نیتروژن (N₂) - که قریب ۸۰ درصد هوا را تشکیل می دهد- برخلاف گازهای اکسیژن و دی اکسید کربن، مستقیماً مورد استفاده حیوانات یا گیاهان قرار نمی گیرد، بلکه بعضی از جانداران میکروسکوپی خاک، گاز نیتروژن را به ترکیبات قابل استفاده گیاهان تبدیل می کنند که در دسترس حیوانات قرار می گیرد (عنصر نیتروژن برای پدید آمدن جاندار و ادامه حیات او بسیار اساسی است). نیز بعضی از باکتری های خاک، مقداری از ترکیبات نیتروژن حاصل را تجزیه می کنند و بار دیگر N₂ آزاد را وارد جو می کنند. دسته ای دیگر از جانداران میکروسکوپی خاک، اجساد و مدفوع جانداران را تجزیه می کنند که یکی از فراورده های آن، گاز سمی آمونیاک (NH₃) است. گروه دیگری از جانداران میکروسکوپی آمونیاک را به نیتريت (NO₂) و بالاخره انواع دیگری از میکروب های خاک، نیتريت را به نیترات (NO₃) تبدیل می کنند. گیاهان سبز نیتروژن را تقریباً فقط به صورت نیترات از محیط می گیرند و حیوانات هم آن را با پروتئین ها به دست می آورند. همه این جانداران میکروسکوپی، در جریان این تبدیلات، انرژی مورد نیاز فعالیت های حیاتی خود را به دست می آورند. حال اگر بعضی از مواد میکروب کش گوناگونی، یا هر ماده دیگری، که (مثلاً در کشاورزی) به محیط وارد می کنند، بر بعضی از این جانداران، مثلاً تبدیل کنندگان آمونیاک به نیتريت، اثر کشنده داشته باشد، نتایج نامطلوبی برای جانداران زمین خواهد داشت. زیرا نه تنها حاصل خیزی خاک کاهش بسیار می یابد، جو زمین نیز از گاز سمی آمونیاک پر خواهد شد.

بحرانی می رسد. برای مثال، حوضی را مجسم می کنیم که دستگاه تصفیه آب و تهویه آن چنان است که زندگی فقط ۱۰۰۰ ماهی کوچک را امکان پذیر می کند. فرض کنیم یک جفت ماهی در این حوض رها کنیم که رشد آن ها مجهول القوه و زمان دو برابر شدن آن ها یک ماه است. هشت ماه طول می کشد تا جمعیت این ماهی ها به ۵۱۲ برسد (یعنی ۵۱۲-۲۵۶-۱۲۸-۶۴-۳۲-۱۶-۸-۴-۲). در تمام این مدت، جمعیت ماهی به اندازه ای کوچک است که هیچ گونه نشانه ای از ازدحام در آن مشهود نیست، زیرا هنوز جمعیت تقریباً به اندازه نصف ظرفیت حوض است. مرحله بحرانی رشد هنگامی است که این جمعیت ظرف همان زمان معین (یعنی یک ماه) دو برابر (که از ۱۰۰۰ متجاوز است) شود. ۱۰۰ عدد ماهی آخر، ظرف پنج روز آخر ماه نهم تولید می شوند و جمعیت را از آستانه ظرفیت حوض فراتر می برند و به فاجعه می رسانند. بنابراین، خصوصیت رشد مجهول القوه، زندگی جمعیتی را که مدت ۲۵۶ روز در رفاه به سر می برد، در ظرف کمتر از یک هفته به تباهی می کشاند.

گفتن ندارد که محدودیت های رشد جمعیت آدمی تا این حد آشکار نیستند، اما خصوصیت زیان آور رشد مجهول القوه درست همان است که اشاره شد.

جمعیت آدمی، مصرف منابع طبیعی به وسیله او، و اثر زیان آوری که بر محیط دارد، همه رشد مجهول القوه دارند. مثلاً نرخ مصرف انرژی -که هم برای مصرف منابع طبیعی و هم برای فشار بر محیط، شاخص سودمندی به شمار می آید- سالانه ۵ درصد افزایش می یابد که با زمان دو برابر شدن ۱۴ سال مطابقت دارد. بعضی از صاحب نظران، به طور متقاعدکننده ای استدلال می کنند که رشد جمعیت، فقط جزئی از مشکلات محیطی و منابع ما را تشکیل می دهد و مشکل عمده افزایش تقاضا و مصرف سالانه از این منابع است. شاید هم واقعاً چنین باشد-و تقسیم منصفانه منابع طبیعی کمیاب سیاره ما میان سرشنیان کنونی آن، محظوری اخلاقی است و باید مورد توجه دقیق قرار گیرد- اما به هر حال مسئله نهایی و نگران کننده افزایش جمعیت را نمی توان نادیده گرفت.

محدودیت های رشد

برای رشد مداوم جمعیت آدمی بر سیاره محدود زمین، محدودیت های گوناگون تصور شده است. مثلاً دانشمندان، گذشته از محدودیت منابع غذا و منابع تجدیدناپذیر، تغییر نسبت گازهای



یکی دیگر از محدودیت‌های رشد بیش از حد جمعیت آدمی را، بالا رفتن دمای سطح زمین می‌دانند. به‌طور دقیق، همه فعالیت‌های آدمی، از سوخت‌وساز درون سلول‌های گرفته تا اتومبیل راندن (و متوقف داشتن) او، با تولید انرژی گرمایی همراه است. همه صور انرژی که از موتورهای مولد انرژی و حتی الکتروسیسته تولید می‌شود، سرانجام به صورت گرما به محیط دفع می‌شود و به هدر می‌رود. این پدیده را قانون دوم ترمودینامیک توجیه می‌کند. در حال حاضر، هیچ امیدیه نیست که معجزه‌های فناوریانه یا سد شکنی علمی برای حل این مشکل یافت شود که هم جلوی اتلاف نهایی انرژی را بگیرد و هم محیط زندگی را از دست این گرمای آزاد رهنده برهاند. بنابر تخمین فرم لین (J. H. Fremlin) فیزیک‌دان انگلیسی، اگر تعداد مردم زمین یک میلیون میلیاردها (کوادرلیون^{۱۰} یا ۱۰^{۱۰}) شود، دمای سطح زمین به درجه‌ای می‌رسد که هم اکنون در نواحی استوایی است. اگرچه در صورت وجود تدابیر خنک‌کننده کارآمد، جمعیت زمین می‌تواند به ۶۰ کوادرلیون هم برسد. در آن حال، تراکم جمعیت ۱۲۰ نفر در یک کیلومتر مربع خواهد شد. امروزه میانگین این تراکم ۱۸ نفر در یک کیلومتر مربع است.

گرچه پیش‌بینی این گونه سرانجام‌های تخیلی، ابلهانه به نظر می‌رسد، اما به رویدادهایی اشاره می‌کند که نظراً ممکن است در نتیجه رشد مداوم جمعیت پدید آیند. البته ابلهانه‌تر آن است که بپنداریم، رشد می‌تواند به‌طور نامحدود ادامه یابد. اما به محض این که بپذیریم رشد نمی‌تواند ادامه یابد، دو مین پرسش منطقی این خواهد بود: رشد جمعیت چگونه و چه وقت متوقف می‌شود؟

کنترل جمعیت

هر گونه برنامه‌ای که برای کاستن از مشکلات و مسائل محیطی روی زمین پیشنهاد می‌شود، باید تدابیر کنترل جمعیت را هم در بر داشته باشد. هدف‌های بالقوه این تدابیر، عموماً چنین‌اند:

۱. کاستن از نرخ رشد جمعیت؛ هر چند که لازم نیست این رشد تا صفر برسد.
۲. تثبیت اندازه کنونی جمعیت؛ یعنی رساندن نرخ رشد جمعیت به صفر.

۳. رساندن نرخ رشد جمعیت به کمتر از صفر (رشد منفی).
در گذشته، رشد جمعیت آدمی را عواملی چون بیماری‌های همه‌گیر، جنگ، قحطی، بچه‌کشی، و قربانی کردن آدمیان کنترل می‌کرده‌اند. به بیان دیگر، عامل کنترل‌کننده جمعیت، نرخ مرگ بود، نه نرخ تولد. در دوره‌هایی که عوامل مرگ‌بار به درجاتی کاهش می‌یافت، جمعیت زیاد می‌شد و به عکس، افزایش نرخ تولد تقریباً

در صد سال اخیر حائز اهمیت شده است. به نظر بیشتر مردم، انسانی‌ترین راه کنترل جمعیت آدمی، تقلیل نرخ تولد است. شق دوم آن است که به نرخ مرگ امکان داده شود تا افزایش یابد. که البته اگر آدمی معقولانه و به موقع نرخ تولد را کنترل نکند، سرانجام موانع «طبیعی» رشد جمعیت، به این راه، یعنی افزایش نرخ مرگ خواهند کشید.

بعضی از محققان پیش‌بینی می‌کنند که اگر آدمی رشد جمعیت را به موقع کنترل نکند، فاجعه‌هایی روی می‌دهد که به مرگ عده کثیری می‌انجامد. پس از آن، باز ماندگان برای محدود داشتن رشد جمعیت جهان، به توافق‌هایی عمومی می‌رسند.

راه‌های متعددی برای کاهش نرخ تولد ارائه شده است. بسیاری از این راه‌ها ساده، ارزان، عملی و در دست‌رس هستند. با وجود این، کوشش‌هایی که برای ترغیب پدران و مادران به تولید کمتر فرزندان می‌شود، چندان موفقیت‌آمیز نبوده است. تحقیقاتی دامنه‌دار نشان داده‌است، گذشته از تعصبات مذهبی، عواملی چون ملاحظات سیاسی، جهل، نژادپرستی، و ناامنی‌ها و محرومیت‌های اجتماعی، در بالا بودن نرخ تولد نقش مؤثری ایفا می‌کنند.

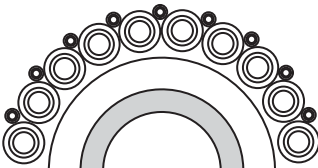
بعضی کسان، مثلاً مردان عضو سازمان‌های مبارزه سیاه‌پوستان ایالات متحده، هر گونه تلاش برای تقلیل نرخ رشد جمعیت و رساندن آن را به صفر، نژادپرستی می‌دانند. استدلال عمده آنان این است که هر اقلیتی، از نظر سیاسی تحت فشار است. بنابراین، حره‌ای که می‌توان به وسیله آن از این فشار رها شد، نرخ تولیدی است که اقلیت را به اکثریت تبدیل کند. بدیهی است، این شیوه در جامعه‌های مرکب از چند نژاد، مثل ایالات متحده، مشکلاتی به بار می‌آورد، به خصوص اگر سه یا چند تا از این نژادها تصمیم بگیرند که از طریق تولیدمثل، به مقام اکثریت نایل آیند. ظاهر این بیشتر زنان عضو این گروه‌ها از این روش برای نیل به برتری سیاسی طرفداری نمی‌کنند و مزیت‌های کم بودن تعداد فرزندان را ترجیح می‌دهند.

بعضی از سفیدپوستان نیز معتقدند، این سفیدپوستان هستند که باید جمعیت خود را به سرعت محدود سازند (زیرا اینان در مصرف منابع طبیعی افرامی‌کنند) و حال آن‌که اندازه جمعیت سیاه‌پوستان، سرخ‌پوستان و سایرین، کمتر نگران‌کننده است. مفهوم این حرف، که آینده را نیز مدنظر دارد، این است که نه تنها سیاه‌پوستان و سرخ‌پوستان موجود تقاضای کمی از منابع طبیعی دارند، بلکه فرزندان آن‌ها تا چند نسل دیگر نیز چنین خواهند بود. پیداست که این نظر خود نژادپرستانه است؛ زیرا اگر بهره‌مندی منصفانه از منابع طبیعی زمین جداً مورد توجه قرار گیرد، اندازه جمعیت مسئله‌ای جهانی به شمار خواهد آمد که افراد همه نژادها را شامل می‌شود.

احتمالاً رقابت و تبعیض نژادی، آدمی را با محظورهایی اجتناب‌ناپذیر روبرو می‌سازد. از یک سو کشوری که برای محدود کردن جمعیت خود از خط‌مشی جدی پیروی کند (در صورت یکسان بودن همه امکانات دیگر)، از نظر سیاسی در برابر کشوری که جمعیت خود را کنترل نمی‌کند، زیان می‌بیند؛ از سوی دیگر، رشد نامحدود جمعیت، شدت ستیز کشورها را برای منابع طبیعی افزایش می‌دهد.

هم‌بستگی شگفت‌انگیز!

در دهه ۱۹۴۰، نرخ رشد جمعیت مردم جهان به نزدیک یک درصد افزایش یافت و در دهه ۱۹۶۰ این نرخ به دو درصد رسید.



هما عقیلی

معلم نمونه کشوری
استان گلستان

هما عقیلی دبیر علوم اجتماعی دبیرستان نمونه دولتی حضرت زینب(ع) در شهرستان کردکوی است. وی مدرک کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی را در سال ۷۸ از دانشگاه آزاد ساری اخذ کرد و اکنون ۲۴ سال سابقه کار دارد. به گفته خود خانم عقیلی، چون تحصیلات خود را از مرکز تربیت معلم شروع کرد، به این شغل علاقه بسیاری دارد و «با عشق» معلمی می‌کند. مجموعه فعالیت‌های او موجب شده که در سال ۹۰-۸۹ معلم نمونه کشوری از استان گلستان معرفی شود. به پارای از سمت‌ها و فعالیت‌های او اشاره می‌کنیم: مدیریت هنرستان دختران، کارشناس مسئول آموزش دوره‌های تحصیلی (۸۰)، مدرس مرکز تربیت معلم گرگان، تدریس در دانشگاه پیام نور بندر ترکمن، مدرس دوره‌های ضمن خدمت، کسب رتبه اول کشوری در جشنواره تدریس (۸۹) و فراخوان طراحی ارزشیابی آغازین (۸۹)، کسب رتبه سوم در طراحی آموزش (۸۹) و طراحی کلیات آموزشی.



«دلخواه»، تفاوت اندک دارد یا اساساً تفاوت ندارد. عامل دیگری نیز که ممکن است نرخ تولد را بالا نگه دارد، آگاه‌نبودن پدران و مادران از جنس کودک پیش از تشکیل شدن است. از نظر علمی، چنین امری امکان‌پذیر است؛ گرچه ظاهراً هنوز عملی نشده است. [و می‌دانیم که اکنون عملی شده است و پدران و مادران به سادگی می‌توانند از جنس فرزند آینده خود آگاه شوند. ویراستار]

بالاخره شرط اساسی اجرای طرح تنظیم خانواده، ظاهراً این است که همگانی باشد نه برای عده‌ای بخصوص.

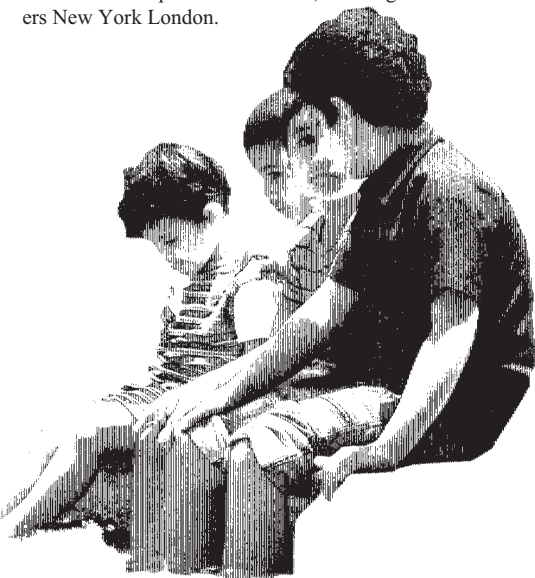
مختصر آن‌که، گرچه کنترل جمعیت آدمی، به‌منظور کاستن از مسائل و مشکلات بشری، لازم است، اما به هیچ‌وجه کافی نیست. به فرض، اگر جمعیت جهان بی‌درنگ تثبیت شود، باز هم مسائل بی‌شماری در برابر آدمی قد علم خواهند کرد که بسیاری از آن‌ها بالقوه مهلک‌اند. زیرا مسائلی مثل جنگ، تبعیض نژادی، توزیع نابرابر درآمدها و منابع طبیعی، ته‌کشیدن منابع طبیعی و تباهی محیطی، تنها با محدود ساختن رشد جمعیت حل نمی‌شوند. مثلاً تنها جمعیت ۲۰۸ میلیونی یک کشور، اگر به روال کنونی خود ادامه دهد، در ظرف فقط چند ده سال، غنی‌ترین و سهل‌الوصول‌ترین منابع طبیعی جهان را به مصرف می‌رساند. بدیهی است، برای نیل به تمدنی انسانی، ثمربخش و از نظر محیطی پایدار، باید گذشته از محدود ساختن رشد جمعیت، در رسوم اجتماعی و سیاسی آدمی، که بر جنبه‌های دیگر رفتار او تأثیر می‌کند نیز تغییرات اساسی ایجاد کرد.

پی‌نوشت

1. Hormonal inhibition
2. Rate
3. Biogeochemical
4. Echosphere
5. Quadrillion

منابع

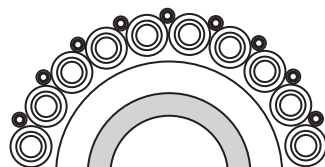
1. I. M. Lerner / W. J. Libby «HEREDITY EVOLUTION and SOCIETY» 1976, by W. H. Freeman and Company San Francisco.
2. Ehrlich / Ehrlich / Holdren «Human Ecology» 1973, by W. H. Freeman and Company San Francisco.
3. L. R. Brown «Seeds of Change The Green Revolution and Development in the 1970, s» Praeger Publishers New York London.



شاید عامل نگران‌کننده، تنها افزوده شدن سالی ۷۰,۰۰۰,۰۰۰ نفر بر تعداد مردم نباشد؛ بلکه واقعیت این است که چهار پنجم این عده، به مردم کشورهای کم‌درآمد افزوده می‌شود. نرخ تولد در کشورهایی که کمک اقتصادی دریافت می‌دارند، عملاً دو برابر این نرخ در کشورهای ثروتمند است. این واقعیت جامعه‌شناسان جهان را متوجه هم‌بستگی مثبت میان سدشکنی‌های تولید غذا- مثلاً انقلاب سبز- و ثمربخشی طرح‌های تنظیم خانواده در کشورهای کم‌درآمد کرده است. غذای فراوان، گذشته از این‌که به مردم این نقاط فرصت کافی برای تدبیر شیوه‌های تازه کاهش نرخ تولد- به‌خصوص تکنیک‌های جلوگیری از آبستنی- می‌دهد، بر سلامت روانی و بر طرز فکر آنان درباره تنظیم خانواده و مزیت‌های کم بودن تعداد فرزندان نیز می‌تواند تأثیر وسیع داشته باشد.

جنبه دیگر تأثیر کمبود غذایی که نرخ تولد را عموماً تا بالاتر از تعداد «دلخواه» نگه می‌دارد، نبود اطمینان به زنده ماندن فرزندان و رسیدن آن‌ها به سن کمال است. اگر استاندارد زندگی این مردم بالا رود، به‌طوری که خطر سوءتغذیه و بیماری در میان نباشد، پدران و مادران ناگزیر نخواهند بود برای داشتن مثلاً سه فرزند، فرزندان بسیار زیادتری تولید کنند. چنان‌چه وجود مسلم غذا، شرط اساسی اجرای وسیع طرح تنظیم خانواده باشد- چنان‌که بسیاری از جامعه‌شناسان عقیده دارند- در این صورت، بعضی از کشورهای کم‌درآمد دارند از این مانع می‌گذرند. این بسیار جالب توجه است که غذای بیشتر و بهداشت گسترده‌تر- که می‌توانند عوامل عمده افزایش جمعیت جهان به‌شمار آیند- سرانجام بتوانند جمعیت جهان را کنترل کنند!

یکی از عواملی که موجب می‌شود با وجود همه تدابیر، تعداد «دلخواه» فرزندان بیشتر از آن باشد که طرح‌های تنظیم خانواده پیشنهاد می‌کنند، نگرانی پدران و مادران از دوران پیری و درماندگی است ولذا برای احساس ایمنی، تعداد فرزندان خود را افزایش می‌دهند. پیداست که این نیز به وضع اقتصادی بستگی زیادی دارد. محققان، براساس تحلیل‌هایی که از این واقعیت به عمل آورده‌اند، سؤالی می‌کنند: آیا موقع آن نرسیده است که آدمی حق داشتن فرزند را، با حقی که خود فرزند برای انتخاب پدید آمدن یا نیامدن- در جامعه‌ای که از عهده تأمین نیازمندی‌ها و رفاه او بر نمی‌آید- دارد، موازنه کند؟ معلوم شده است، میانگین تعداد فرزندان، با تراز دانش مادر هم‌بستگی مثبت نشان می‌دهد. هم‌چنین، در میان مادران تحصیل‌کرده، تعداد فرزندانی که متولد می‌شوند، با تعداد



اشرف السادات حسینی
(۱۳۴۶)
معلم نمونه کشوری
استان گلستان

خانم حسینی هم‌اکنون مدیر ارشد مجتمع بصیرت در شهرستان کردکوی است. وی خود اهل کردکوی است و زندگی پر فراز و نشیبی را پشت‌سر گذاشته است. سال دوم راهنمایی بود که ازدواج کرد، اما به‌زودی همسرش در جبهه‌های دفاع مقدس به شهادت رسید. وی بعداً درس را ادامه داد و دیپلم تجربی گرفت. بعد در امتحان کنکور شرکت کرد و در رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران پذیرفته شد. پس از تحصیل، با این که هشت سال سابقه خدمت در هلال‌احمر را داشت، به آموزش و پرورش آمد و معلم شد و به تدریس پرداخت و اکنون نیز مدیر مجتمع مذکور است.

خانم اشرف السادات حسینی، بیماری صعب‌العلاجی دارد که تاکنون چندین بار تحت عمل جراحی قرار گرفته است. با این حال، با روحیه‌ای بسیار عالی به خدمت ادامه می‌دهد. این معلم نمونه، دو دختر دارد که آن‌ها نیز در امر تحصیل موفق‌اند.

نشان دادن فرع به جای اصل

نگاهی به جایگاه کتاب‌های آموزشی در مدارس کشور

بهروز رضایی کهریز

کلید واژه‌ها: کتاب، کتاب مناسب، کتاب کمک درسی، کتاب‌خانه‌های مدارس.

اشاره

دفتری که من در آن کار می‌کنم، کارش شناسایی کتاب‌های آموزشی مناسب و معرفی آن‌ها به مدارس و خانواده‌هاست. در هشت سالی که سردبیر نشریه «رشد دانش آموز» بودم، از فاصله‌ای نسبتاً نزدیک با این موضوع آشنایی داشتم و حالا یکی دو سالی است که به این بخش از دفتر، نزدیک‌تر شده‌ام و می‌توان گفت، دیگر از دور دستی بر آتش ندارم. ضمناً من سال‌هایی را هم معلم بوده‌ام و با فضای درس و مدرسه ناآشنا نیستم.

هزار کتاب مناسب در سال

هیچ کس منکر آن نیست که ما وضعیت مطلوبی در تولید کتاب‌های آموزشی و استفاده از آن‌ها نداریم. پس از گذشت ده سال از اجرای «طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی» در آموزش و پرورش و تولید ۴۵ کتاب‌نامه (فهرست کتاب) و معرفی نزدیک به ده هزار کتاب مناسب در آن‌ها برای پایه‌ها و دوره‌های گوناگون آموزشی، هنوز هم از دو هزار عنوان کتابی که سالیانه به دبیرخانه این طرح می‌رسد، فقط هزار کتاب مناسب تشخیص داده می‌شود؛ یعنی دست کم نیمی از کتاب‌های تولید شده مناسب نیستند. نسبت واقعی کتاب‌های مناسب (خصوصاً کتاب‌های کمک درسی مناسب) به کل کتاب‌های منتشر شده، قطعاً کمتر از این مقدار است؛ چون اولاً ناشران، همه کتاب‌های آموزشی منتشر شده را برای این دبیرخانه نمی‌فرستند. ثانیاً آن‌ها به دلایل متعدد ترجیح می‌دهند کتاب‌های کمک درسی خود را در معرض داوری این دبیرخانه نگذارند. و دلیل سوم، آسان‌گیری همکاران من در دبیرخانه است. آن‌ها با توجه به مجموعه شرایط حاکم بر بازار کتاب‌های آموزشی، به یافتن حداقل استانداردها در کتاب آموزشی دلخوش‌اند و از این

روست که بر نیمی از کتاب‌های رسیده، مهر مناسب می‌زنند که سهمی از آن هم، از آن کتاب‌های کمک درسی است. منظور ما از کتاب‌های کمک درسی، کتاب‌هایی هستند که مطالب آن‌ها سرفصل به سرفصل، مشابه کتاب درسی هر پایه تحصیلی است؛ در حالی که کتاب آموزشی، اگر چه در صدد دانش‌افزایی دانش‌آموز یا معلم است، سرفصل‌های آن لزوماً مشابه کتاب درسی نیست. در هر حال، نتیجه کار، معرفی هزار کتاب مناسب در سال است که تعداد کمی نیست.

جنس کتاب کمک درسی

تألیف یا تدوین «کتاب کمک درسی»، سبک و روشی متفاوت از «کتاب درسی» ندارد؛ هر دو از جنس «متن» و هر دو «آموزشی مستقیم» هستند. وقتی معلمی کتابی کمک درسی را به شاگردانش معرفی می‌کند، در واقع به این معناست که فقط به «حجم» متن آموزشی می‌افزاید. برای نمونه کتاب درسی توضیح و تمرین و مسئله دارد؛ کتاب کمک درسی هم توضیح و تمرین و مسئله (و احتمالاً اندکی هم بیشتر) دارد. به نظر می‌رسد، اگر قرار است به یادگیری مطالب کتاب درسی فرزندانمان کمک کنیم، در درجه اول بهتر است به سراغ فیلم‌ها و وسایل کمک آموزشی غیر از کتاب برویم و مثلاً با این‌کردن مفاهیم، به درک آن‌ها یاری برسانیم. متأسفانه، ما از بسته آموزشی، فقط به دو جزء سهل الوصول آن بسنده می‌کنیم: کتاب درسی و کتاب کمک درسی! به همین دلیل است که تعداد فیلم‌های آموزشی در مقایسه با کتاب کمک درسی بسیار ناچیز و در حد صفر است.

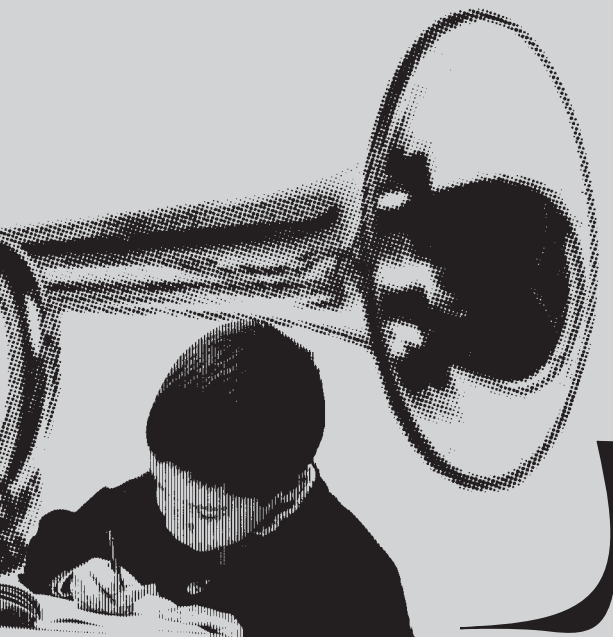
فرع به جای اصل

کتاب کمک درسی همان‌طور که از اسمش پیداست، کمکی



فرزانه محی‌الدین
(۱۳۴۱)
معلم نمونه کشوری
خوزستان

فرزانه محی‌الدین در آبادان متولد شده و اکنون در ماهشهر، در دبستان شاهد حضرت رقیه به خدمت اشتغال دارد. وی مدرک لیسانس علوم تربیتی، با گرایش آموزش ابتدایی را از دانشگاه آزاد آملجاری گرفته است. کار خود را با نهضت سوادآموزی شروع کرده و سپس به استخدام آموزش و پرورش درآمد است (۱۳۶۱). خانم محی‌الدین فعالیت‌ها و مسئولیت‌های جنبی متعددی داشته که موجب شده است به عنوان معلم نمونه کشوری انتخاب شود. تألیف کتاب «بخوانیم» پایه چهارم، تدریس کلاس‌های آموزش خانواده، و تألیف پیک‌های نوروزی، او مدرس کشوری کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم، و سرگروه آموزش پایه چهارم نیز هست. یکی دیگر از موفقیت‌های او، شرکت در جشنواره الگوهای



دشمنی با کتاب آموزشی و به‌ویژه کتاب‌های کمک درسی است. به عکس، نویسنده بر این باور است که معلم خوب و مفید، به‌واقع باید نقش کتاب‌دار خوب را هم بازی کند. او نه تنها باید به‌طور مرتب درصدد شناسایی کتاب‌های مفید برای شخص خودش باشد و هنگام تدریس از آن‌ها مدد جوید، که باید ده‌ها و صدها کتاب آموزشی و کمک‌درسی را در ذهن (یا در منبعی مطمئن و با دست‌رسی نسبتاً فوری) داشته باشد تا به‌هنگام ضرورت و برحسب نیاز شاگرد و توانایی‌هایش، آن‌ها را به او معرفی کند. مثلاً ممکن است شاگردی به بحث آهن‌رباها در علوم تجربی علاقه خاص نشان دهد. معلم بلافاصله باید از فرصت استفاده کند و چند کتاب مناسب درباره آهن‌رباها به او معرفی کند؛ یعنی شاگرد را به مطالعه بیشتر و شاید بالاتر از حد کتاب رهنمون شود. گاهی ممکن است یکی از شاگردان، برای درک مبحث جدید ریاضی، به تمرین بیشتر نیاز داشته باشد، حتماً بخشی از یک کتاب کمک درسی خوب و مناسب ریاضی، می‌تواند اعتماد به‌نفس را به او برگرداند. در همین کلاس ریاضی، ممکن است به یکی دیگر از شاگردان، کتابی را توصیه کند که دست‌بندی آسان‌تری از مباحث به دست می‌دهد. بنابراین، صحبت بر سر استفاده درست از کتاب آموزشی و کمک درسی است، نه کنار گذاشتن آن‌ها.

کتاب‌های کمک‌درسی خطرناک!

کتاب‌های کمک‌درسی ضمن آن‌که می‌توانند به روند یادگیری، سهولت، سرعت و کیفیت ببخشند، می‌توانند سمی مهلک برای پیشرفت، دانایی، توانایی‌ها و مهارت‌های شاگردان ماباشند. شاگردان ما، فرزند دل‌بند خانواده‌ای هستند که تربیت فرزندشان را با اطمینان و اعتماد به ما سپرده‌اند. این کتاب‌ها را جدی بگیریم!

سه تجربه

اکنون برای تغییر ذائقه، سه تجربه تلخ و شیرین شخصی‌ام را برایتان بازگو می‌کنم و امید می‌برم هیچ‌گاه برای هیچ‌کس دیگر پیش نیایند.

تجربه شیرین!

چند سال پیش، معلم سال چهارم ابتدایی دخترم گفته بود یک کتاب کمک‌درسی ریاضی از یک ناشر نه‌چندان مشهور، تهیه

است و نباید جای کتاب اصلی بنشیند. وقتی معلمی از شاگردانش می‌خواهد یک «کتاب کمک‌درسی واحد» را با خود به کلاس بیاورند و همه با هم تمرین‌هایش را حل کنند، در واقع کتاب کمک‌درسی را به کتاب درسی تبدیل می‌کند و مشکلی را تشدید می‌کند که احتمالاً خودش هم از آن گله‌مند است و آن حجیم بودن کتاب‌های درسی است. شاید اگر از هر معلمی راجع به حجم کتاب‌های درسی پرسید، احتمالاً به شما می‌گوید که زیاد است؛ اما خود او هم ممکن است در دام تحمیل یک کتاب کمک‌درسی به شاگردانش افتاده باشد. هر دانش‌آموز دوم‌راهنمایی، سرجمع حدود ۱۸۰۰ صفحه مطلب درسی دارد که باید در طول سال تحصیلی بخواند. فرض کنید فقط پنج معلم، از بچه‌ها کتاب کمک‌درسی بخواهند و هر کتاب ۱۵۰ صفحه باشد؛ به این ترتیب، حجم مطلب آموزشی به ۲۵۰۰ صفحه می‌رسد.

اشاره کردم که کتاب کمک‌درسی، به‌همان نحوی آموزش می‌دهد که کتاب درسی؛ فقط فرقی این است که کتاب درسی از زیر دست چندین کارشناس خبره و با تجربه و در نظر داشتن نکات مهم آموزشی و احیاناً روان‌شناسانه گذشته است، ولی یک کتاب کمک‌درسی احتمالاً تألیف یک معلم است که اگرچه ممکن است معلم خیلی خوبی باشد، ولی ضرورتاً نویسنده خوبی نیست. خب اگر قرار است این‌طور باشد، به نظر تان بهتر نیست بیایم چند صفحه تمرین و توضیح، به کتاب درسی اضافه کنیم که هم خوب کارشناسی شده باشد و هم احتمالاً فضای کمتری را اشغال کند و هم هزینه کمتری روی دست ما و جامعه بگذارد؟

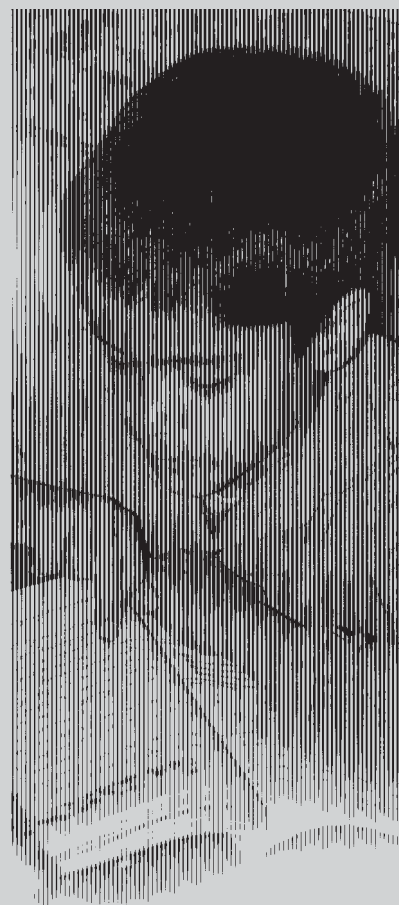
استفاده عمومی از وسیله شخصی

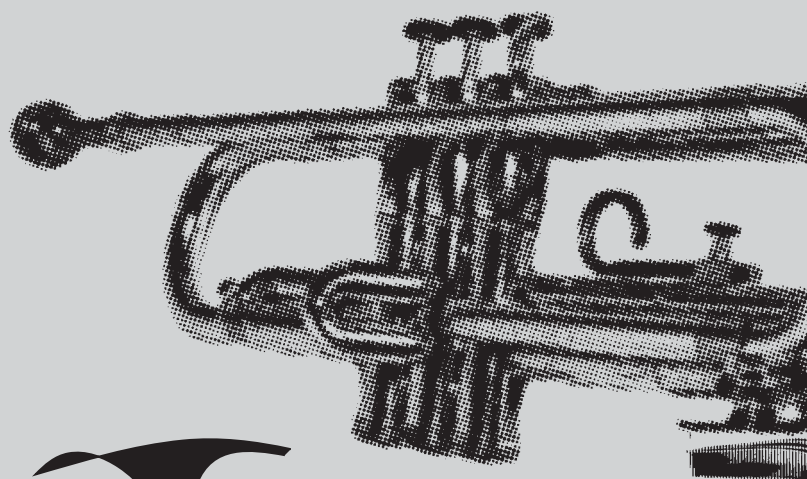
کتاب کمک‌درسی نوعی وسیله آموزشی شخصی است؛ به این معنی که هر کاربر، نیازهای خاصی دارد که هر کتاب کمک‌درسی بخصوصی، یا حتی بخشی از آن، ممکن است به این نیاز پاسخ گوید. به عبارت دیگر معلوم نیست یک کتاب کمک‌درسی برای همه شاگردان یک کلاس مفید باشد یا همه مطالب یک کتاب کمک‌درسی به کار یک دانش‌آموز بیاید. متأسفانه به نظر می‌رسد، بسیاری از معلمان ما به این شأن شخصی کتاب کمک‌درسی توجه ندارند. اساساً کتاب کمک‌درسی در صورتی مورد نیاز است که دانش‌آموز حس کند در بخش یا بخش‌هایی از مطالب درسی، محتاج کار بیشتری روی متن است. چون نیاز هر دانش‌آموز احتمالاً با نیاز دانش‌آموزان دیگر تفاوت دارد، از این رو ناگزیر کتابی که هر دانش‌آموز می‌خواهد و می‌خواند، با دیگران تفاوت دارد یا باید داشته باشد. بنابراین، انتخاب یک کتاب واحد کمک‌درسی، افزون بر مشکلات پیشین، چون منبعث از نیازی واقعی نیست، مخرب هم هست. مثلاً چه‌بسا ممکن است خانواده‌ای با مشغول کردن وقت دانش‌آموزی مستعد به کارهای بیهوده و تکرار چندباره آن‌چه او می‌داند، استعداد دانش‌آموز را بخشکاند و چشمه شوق و ذوق او را کور کند. یعنی نه تنها به پیشرفت بچه‌های ضعیف کمک نکند، که بر توانایی‌ها و پیشرفت بچه‌های قوی نیز اثر منفی بگذارد.

معلم به‌مثابه کتاب‌دار

برداشت درست نیست اگر تصور رود که نویسنده در پی

وقتی معلمی کتابی کمک‌درسی را به شاگردانش معرفی می‌کند، در واقع به این معناست که فقط به «حجم» متن آموزشی می‌افزاید





کنیم. البته خودش زحمت تهیه‌اش را هم کشیده بود و ما فقط باید هزینه‌اش را پرداخت می‌کردیم. هنوز مدت زیادی از سال تحصیلی نگذشته بود که یک روز دیدم دخترم خیلی ناراحت است و کم مانده اشککش درآید. گفتم چه خبر است؟ گفت: «خانم گفته این دو صفحه را حل کنم و ببرم؛ اما من چند تا از مسئله‌ها را بلد نیستم.» از قضا هر دو سه مسئله‌ای که او در آن‌ها اشکال داشت، شبیه به هم بودند. گفتم این‌ها که ساده است و شروع کردم به توضیح دادن دم‌دستی مسئله تا روش حل آن‌ها یادش بیاید. هر چه توضیح دادم، دیدم خوب متوجه نمی‌شود. گفتم نکند در کتاب درسی طور دیگری توضیح داده باشند. به سراغ کتاب رفتم و در کمال تعجب دیدم که بحث مربوط، در اواخر کتاب جا گرفته و قرار است حدود سه چهار ماه دیگر تدریس شود. آن‌ها هنوز این درس را نخوانده بودند و بیچاره دخترم حق داشت توضیحات مرا نفهمد. یکی دو بار دیگر این اتفاق افتاد و هر بار که اتفاق می‌افتاد، آشوبی در دل دخترک برپا می‌شد. یک بار هم خود من مسئله‌ای را حل کردم که بیش از یک جواب داشت و این موضوعی بود که مطمئن بودم نه نویسنده و نه معلم، توجهی به آن نداشته‌اند. من نامه‌ای به خانم معلم نوشتم و این چند مورد را توضیح دادم و از جمله مسئله اخیر را از راهی که درس داده بود، حل کردم و نشان دادم که در این مسئله چگونه ما می‌توانیم به دو جواب درست برسیم. نامه را درون پاکتی گذاشتم و چسب زدم و از طریق دخترم برایش فرستادم. گویا چند نفر دیگر از والدین هم اشکالات این کتاب کمک درسی را به او گوشزد کرده بودند؛ می‌دانید چه واکنشی نشان داده بود؟ گفته بود: «بچه‌ها، به باباهاتون بگید این قدر برای من نامه ننویسند؛ این کتاب را که من تألیف نکرده‌ام!»

تجربه تلخ

سال گذشته، نزد یکی از معلمان دخترم که اصرار داشت کتاب کمک درسی زبان انگلیسی برایش تهیه کنیم و نمی‌خواست مانند برخی معلم‌های دیگر، خودش شخصاً این کار را بکند، رفتم و ضمن تعریف کردن تجربه سال چهارم دخترم، غیرمستقیم به او گفتم، کتابی که معرفی کرده‌است، کتاب مناسبی نیست. بعد برای آن‌که بگویم آوردن این کتاب‌ها به مدرسه غیرقانونی است، پرسیدم، می‌دانید چرا آموزش و پرورش امسال بخش نامه کرده‌است که فقط کتاب‌های

مناسبی که به تأیید سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی رسیده باشند، مجوز ورود به محیط‌های آموزشی را دارند؟ برای تکمیل بحث، باز کمی از نقش مخرب کتاب‌های نامناسب در یادگیری بچه‌ها صحبت کردم و گفتم، خوش‌یختانه وزارت آموزش و پرورش هر سال صدها کتاب مناسب معرفی می‌کند که می‌شود کتاب‌ها را با طیب خاطر، از بین آن‌ها انتخاب کرد. او با آرامش گفت، ما این کار را برای پیشرفت خود بچه‌ها انجام می‌دهیم و هیچ اجباری نیست.

من با توجه به این که فکر می‌کردم صحبت با او ثمربخش بوده و او را قانع کرده‌ام و این پاسخ آخرش نشانه ضمنی آن است، از ایشان خداحافظی کردم. جلسه بعد، سر کلاس و در حضور بچه‌ها و با صدای بلند به دخترم گفته بود: واقعا دادن سه چهار هزار تومان و خریدن یک کتاب، این قدر برای شما سخت است؟ و متأسفانه بی‌توجه به بار روانی حرفش، روزهای بعد و روزهای بعد آن قدر به تکرار این حرف ادامه داده بود که دخترم حس بدی از حضور در کلاس درس او پیدا کرده بود.

ممکن است بگویید نباید در برابر خواست او مقاومتی نشان می‌دادم. متأسفانه من این کار را کردم. مقاومت من بر سر آن حق قانونی و نخریدن کتابی که می‌گفت اجباری نیست، بحث را به جمع فامیل و بستگان و آشنایان و شماتت و ملامت آن‌ها کشید و بالاخره همسرم مقاومتان را شکست و شاید نیمی از سال تحصیلی گذشته بود که گفت، من با مسئولیت خودم این کتاب را می‌خرم.

بله، می‌شد شکایت کرد؛ ولی معلمی که برای استفاده از حق قانونی ما برای نخریدن یک کتاب، که به قول خودش در مسیر کمک به خود دانش‌آموز بود (و در پایان سال مشخص شد که نبود)، این قدر او را در مانگنه گذاشت، در واکنش به این شکایت، چه می‌کرد؟

تجربه تلخ‌تر

امسال وقتی دخترم گفت که چند نفر از معلم‌هایش از او خواسته‌اند کتاب کمک درسی بیاورد و یکی از آن‌ها تهدید کرده‌است برای کسانی که تمرین‌های کتاب کمک درسی را حل نکنند و با خود به کلاس نیاورند، نمره منفی می‌گذارد، به او گفتم به ناشر کتاب یا یکی از شرکت‌هایی که در کار تهیه و فروش کتاب‌های کمک درسی هستند، زنگ بزنم و کتاب‌ها را سفارش دهم. با این که می‌دانم برخی از آن‌ها مجوز ندارند و مطمئنم برخی از آن‌ها نامناسب هستند، اما حالا دخترم خوش حال است که معلمش چیزی به او نمی‌گوید و معلم خوش حال است که هیچ بچه‌ای و هیچ پدر و مادری از دستور و خواسته او تمرد نکرده است و همه بچه‌ها درس‌های او را خیلی خوب یاد می‌گیرند و من هم خوش‌حالم که کسی از فامیل و بستگان، مرا به خاطر مقاومت بی‌فایده و بی‌هوده‌ام شماتت نمی‌کند!

■ متأسفانه، ما از بسته آموزشی، فقط به دو جزء سهل الوصول آن بسنده می‌کنیم: کتاب درسی و کتاب کمک درسی!

■ معلوم نیست یک کتاب کمک درسی برای همه شاگردان یک کلاس مفید باشد یا همه مطالب یک کتاب کمک درسی به کار یک دانش‌آموز بیاید. متأسفانه به نظر می‌رسد، بسیاری از معلمان مابه این شأن شخصی کتاب کمک درسی توجه ندارند



گناگون

شگفتی حواس ما

بویایی

ما بوی مشک را موقعی احساس می‌کنیم که غلظت آن به ۰/۰۰۰۴ میلی گرم در لیتر هوا برسد. اگر ۱۰۰ گرم مشک را در دریاچه‌ای به طول یک کیلومتر و عرض ۲۵۰ متر و عمق ۱۰ متر حل کنیم، چنین غلظتی به دست می‌آید. اکنون فکر کنید دستگاه بویایی ما چه قدر حساس و دقیق است!

بینایی

آن مقدار انرژی که حس بینایی ما برای دیدن و درک مطمئن هر تصویر صرف می‌کند، به قدری کم و ناچیز است که ۶۰ میلیون سال طول می‌کشد تا (این مقدار انرژی) بتواند یک «گرم» آب را ... به اندازه «یک درجه سانتی‌گراد» گرم کند!

فضیلت‌های اربعه

اصول خلق نیک آمد عدالت

پس از وی حکمت و عفت، شجاعت

حکیمی راست گفتار است و کردار

کسی کو متصف گردد بدین چار

به حکمت باشدش جان و دل آگه

نه گریز باشد و نه نیز ابله

به عفت شهوت خود کرده مستور

شره هم چون خمود از وی شده دور

شجاع و صافی از دل تکبر

مبرا ذاتش از جبن و تهور

عدالت چون شعار ذات او شد

ندارد ظلم، از آن خلشش نکوشد

همه اخلاق نیکو در میانه است

که از افراط و تفریطش کرانه است

گلشن راز شیخ محمود شبستری (۷۲۰-۶۸۷)



چستان

هم به دیقعه می‌گویند، هم به اصفهان.
هم آدمی دارد و هم باد می‌چکان.
هم در نماز است و هم در چاه.
دوست شما می‌تواند «او» را سوار دوچرخه
خود کند، ولی شما هرگز نمی‌توانید؟
در باغ سبز است، در بازار سیاه، در خانه قمر؟

بخیلان

جاحظ ادیب شهیر عرب، در کتابش «البخلاء» لطایف زیبایی درباره بخیلان دارد. سه لطیفه را برای شما می‌آوریم:

۱. چند خراسانی در جایی هم‌منزل شدند. شب تا آن‌جا که ممکن بود بی چراغ نشستند تا ناچار پولی روی هم



۳۶
شماره هفتم - فروردین ۱۳۹۱

مال دارد، تو خود چه داری؟» جواب داد: «این‌طور که گفتید، اموال خاتون برای هر دو مان کافی است.»

۳. جمعی نزد عبادی صیرفی و ساطت کردند که هزار درهم به فلان قرض بده و یک‌سال هم مهلت بده، گفت: «پول نمی‌دهم! اما دو سال مهلت می‌دهم!»
از کتاب جاحظ: علیرضا کاوتی فراگوزلو

گذاشتند و چراغی تهیه کردند. یکی‌شان در هزینه چراغ سهیم نشد. چشمش را دستمالی بستند تا از نور مفت استفاده نکند و موقع خواب که چراغ را خاموش کردند، چشمش را گشودند.

۲. ابوالقمام می‌خواست از قومی زن بگیرد، یکسره راجع به میزان مال و منابع زن سؤال می‌کرد. گفتند: «زن فلان قدر

ابیات مشهور

برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی
که در نظام طبیعت ضعیف پا مال است
گلشن آزادی خراسان

میان ماه من تا ماه گردون
تفاوت از زمین تا آسمان است

نیازی صفوی اصفهانی

چون نور که از مهر جدا هست و جدا نیست
عالم همه آیات خدا هست و خدا نیست
عبرت نائینی

گمان مبرکه به پایان رسید کار مغان
هزار باده ناخورده در رگ تاک است
اقبال لاهوری

افتادگی آموز اگر طالب فیضی
هرگز نخورد آب زمینی که بلند است
پوریای ولی

دیدي که خون ناحق پروانه شمع را
چندان امان نداد که شب را سحر کند
حکیم شقایب اصفهانی

عیب می جمله بگفتی هنرش نیز بگو
نفی حکمت مکن از بهر دل عامی چند
حافظ

شب های هجر را گذرانده ایم و زنده ایم
ما را به سخت جانی خود این گمان نبود
محمدرضا شکیبی اصفهانی

همت اگر سلسله جنبان شود
مور تواند که سلیمان شود

وحشی بافقی

کسانی که بد را پسندیده اند
ندانم ز نیکی چه بد دیده اند

فرهاد میرزا قاجار

مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد
غنچه خاموش بلبل را به گفتار آورد
صائب تبریزی

من نمی گویم سمندر باش یا پروانه باش
چون به فکر سوختن افتاده ای مردانه باش
مرتضی قلی خان شاملو

۱. معمای زندگی

برای فیلسوف شدن همین بس که مستعد باشیم تا درباره خود متحیر بمانیم. به نظر می رسد که در طول زندگی، به تدریج استعداد خود را برای متحیر ماندن درباره این جهان از دست می دهیم و واقعیتی را در وجودمان گم می کنیم. با این همه، چیزی در وجودمان به ما می گوید که زندگی معمای بزرگی است.

اگرچه پرسش های فلسفی به همه انسان ها مربوط می شود، ولی همه مردم فیلسوف نمی شوند. اکثر مردم به دلایل گوناگون به این نتیجه می رسند که حیرت درباره حیات، فقط وقت تلف کردن است.

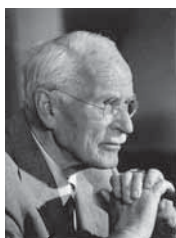
یوستین گاردنر: کتاب دنیای سوفی



۲. تجربه دینی

علی رغم آن چه دنیا درباره تجربه دینی فکر می کند، کسی که این تجربه به او دست داده باشد، صاحب گهر گران بهایی است. یعنی صاحب چیزی است که به زندگی معنا می بخشد، بلکه خود سرچشمه زندگی و زیبایی است و به جهان و بشریت شکوه تازه ای می دهد. چنین کسی دارای ایمان و آرامش است.

کارل گوستاو یونگ: کتاب روان شناسی و دین



۳. یادگیری

انسانی زنده است که پیوسته یاد می گیرد و تجاربش را می افزاید و از آن لذت می برد. استعداد «تفکر» و «یادگیری»، دو نعمت ارزنده الهی هستند. کسی که نمی اندیشد یا کمتر می اندیشد و به یادگیری علاقه نشان نمی دهد، در واقع کفران نعمت می کند و انسانیت خود را از یاد می برد.

علی اکبر شعاری نژاد: مبانی روان شناختی تربیت

هر سه مورد نقل از کتاب تپش زندگی، ابراهیم اصلاهی



نقش خانواده،

مدرسه و جامعه

در بهداشت روانی

روانی

علی پورعلی رضا توتکله
کارشناس ارشد علوم تربیتی

کلیدواژه‌ها: بهداشت روانی،
بیماری روانی، اختلال روانی.

منظور از بهداشت روانی، پیش‌گیری از پیدایش بیماری‌های روانی و سالم‌سازی محیط روانی است. تا افراد جامعه بتوانند به‌طور طبیعی با عوامل محیط خود رابطه برقرار کنند و در راه رسیدن به اهداف و مقاصد خود، موفق شوند. بهداشت روانی فقط به بیماران روحی و روانی محدود نمی‌شود، بلکه امری عمومی و همگانی است و کلیه طبقات و افراد جامعه اعم از کودک و بزرگسال، پیر و جوان و زن و مرد را دربرمی‌گیرد. بهداشت روانی در مورد کودکان و نوجوانان که در حال رشد و تکامل هستند و هنوز شخصیت واقعی آن‌ها به‌درستی تکوین نیافته است، اهمیت بیشتری دارد و باید به‌طور ویژه مورد توجه قرار گیرد. اساساً خانواده، مدرسه و جامعه، باید به‌گونه‌ای نقش خود را ایفا کنند که تا حد امکان افراد جامعه به بیماری‌های روانی مبتلا نشوند، اما اگر در اثر فشارهای محیطی، ناراحتی‌های عصبی در افراد پدید آمد، جامعه باید با پیش‌گیری‌های لازم، بکوشد تا ناراحتی‌های عصبی افراد به بیماری‌های روانی تبدیل نشود. زیرا جامعه برای رشد و ترقی، به انسان‌هایی نیاز دارد که علاوه بر سلامت جسمانی، از سلامت روانی کامل نیز برخوردار باشند.

باید در هر جامعه، فعالیت‌های مربوط به بهداشت روانی و مسائل ناشی از آن، در اولویت قرار گیرد و همه ارگان‌های مهم جامعه از قبیل مدارس، دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزشی و غیره، در این امر مهم و اساسی فعالیت مناسب و مستمر داشته باشند تا با برقراری ارتباط صحیح در جامعه و فراهم کردن زمینه‌های لازم، بهداشت روانی همگان به‌خوبی تأمین شود.

نقش خانواده

خانواده مهم‌ترین پایگاه تربیتی کودک است. چگونگی محیط خانواده و ارتباط اعضای آن با یکدیگر، تأثیر بسیار مهمی در رشد روانی و شخصیت کودک دارد. اکثر روان‌شناسان، متخصصان علوم تربیتی و جامعه‌شناسان عقیده دارند، بیشتر بیماری‌های روانی، اختلالات روانی، انحرافات و بزهکاری‌های کودکان، ریشه در خانواده دارد و به سنین و مراحل رشد اولیه آن‌ها مربوط می‌شود. از این‌رو، بهداشت روانی افراد باید از دوره‌کودکی و حتی قبل از آن، یعنی از دوران جنینی مورد توجه قرار گیرد. در دوران جنینی، حالات روحی و روانی مادر، اثر فراوانی در رشد جنین دارد. نقش پدر خانواده در این برهه از زمان، بسیار مهم و اساسی است، بنابراین، باید تلاش کند با ایجاد زمینه‌های مناسب و امکانات لازم، آرامش خاطر همسرش را فراهم کند، زیرا در این زمان، همسر وی بیش از هر چیز دیگر، به مهر و محبت و حمایت همه‌جانبه او نیازمند است. علاوه بر این، عوامل دیگری مانند وضعیت اقتصادی خانواده، اعتقادات، آداب و رسوم، نگرانی‌های مادر در دوران بارداری، ضربه‌های احتمالی وارده بر جنین، بیماری‌های دوران حاملگی، وضع جسمانی و روانی مادر و نحوه تغذیه او در طول مدت بارداری، می‌تواند در سرنوشت کودک مؤثر واقع شود. از نظر روان‌شناسی، بررسی حالات روحی و روانی مادر در دوره حاملگی و ارتباط آن با اختلالات شخصیتی و رفتاری در افراد، بسیار حائز اهمیت است. زمانی که مادر در دوران



بارداری دستخوش هیجان، نگرانی و اضطراب می‌شود، گردش خون جنین به شدت دچار اختلال می‌شود و در نتیجه، جنین فعالیت بسیار زیادی از خود بروز می‌دهد. حال اگر نگرانی‌های مادر پی‌درپی و طولانی مدت باشد، به‌طور حتم ضایعات و عوارض ناگوار و عمیقی را بر جنین به‌جا خواهد گذاشت. هم‌چنین، در اثر هرگونه ضربه احتمالی وارده بر نوزاد در زمان تولد و یا کمبود شدید اکسیژن در هنگام تولد، قوای عقلانی و بدنی نوزاد به شدت کاهش می‌یابد و او به عقب‌افتادگی حرکتی دچار خواهد شد. بعد از تولد کودک نیز، تغذیه و محبت دو عامل بسیار مهم و اساسی در نگهداری و پرورش او تلقی می‌شوند. کودکانی که به هر دلیل از مادر دور نگه داشته می‌شوند، از لحاظ رشد و تکامل عاطفی، روانی، اجتماعی و عقلی، با مشکل جدی مواجه هستند و درصد عقب‌ماندگی هوشی و مشکلات روحی و روانی و اجتماعی آن‌ها به مراتب بیشتر از سایر کودکان است. مسلماً اساس حالات روانی و عاطفی هر انسانی، از دوران کودکی او پی‌ریزی می‌شود. از این‌رو، توجه نکردن به سالم‌سازی محیط زندگی کودک، به‌ویژه از لحاظ روانی و عاطفی، باعث ایجاد مشکلات فراوانی برای او می‌شود. روان‌شناسان اعتقاد دارند که محیط زندگی کودک، رفتار بزرگ‌ترها و اطرافیان با او، نحوه ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر، اعتقادات و تعصبات والدین، تعارضات موجود در محیط خانواده و وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حاکم بر آن، اثرات قابل توجهی بر روحیه و رشد و تکامل شخصیت کودک دارد. مهر و محبت والدین، به کودک امنیت روانی و عاطفی می‌بخشد، اعتماد به نفس او را افزایش می‌دهد و زمینه ورود وی را به جامعه و داد و ستدهای اجتماعی و ارتباطات همه‌جانبه او را فراهم می‌سازد.

برخی از رفتارهای کودکان، ظاهراً بی‌اهمیت به‌نظر می‌رسند و والدین توجه چندانی به آن‌ها ندارند، مانند جویدن ناخن، مکیدن انگشتان، رویاهای وحشتناک، حسادت‌های زیاد، کج خلقی، ترس‌های غیرعادی و غیره، که از نشانه‌های اختلال رفتاری است و اگر به موقع پیش‌گیری و درمان نشود، به‌تدریج به رفتارهای ضداخلاقی و اجتماعی، مانند انزواطلبی و افسردگی تبدیل می‌شوند. چنین کودکانی، به درس، زندگی و روابط اجتماعی علاقه‌ای ندارند و اگر در شرایط حاد و پیچیده‌تری قرار بگیرند، ممکن است به بیماری‌های روانی پیشرفته مبتلا شوند. یکی دیگر از عوامل اصلی در بهداشت روانی کودک، احترام کردن شایسته به اوست. این رفتار، نشاط و شوق و امید را در وی برمی‌انگیزد و باعث می‌شود او دارای شخصیتی مستقل و با اراده شود. افرادی که در کودکی مورد تحقیر، بی‌احترامی و بی‌مهری قرار گرفته‌اند، در بزرگسالی معمولاً روحی ناآرام و متزلزل دارند و همیشه در زندگی خود احساس ناامنی، درد و رنج و اضطراب می‌کنند.

دوره کودکی، بهترین زمانی است که کودک بیش از هر زمان دیگر، برای رشد و یادگیری آماده است. کودکانی که از لحاظ عاطفی و روانی سالم هستند، به‌طور طبیعی از خود تلاش و کنجکاوی زیادی برای فهم امور و درک مسائل اطراف نشان می‌دهند. بنابراین، اگر اشتیاق و جست‌وجوگری آن‌ها برای فراگیری به موقع درک شود و به سؤال‌انشان، پاسخ مثبت، منطقی و درخور فهم داده شود، به‌طور یقین موجبات رشد

و تکامل ذهنی، روانی و اجتماعی آنان به‌خوبی فراهم خواهد شد. به‌طور کلی، علاقه نداشتن والدین به کودک و بی‌توجهی به نیازها و احتیاجات او، رفتار تحقیرآمیز و اهانت‌بار، راهنمایی نادرست، سرزنش مداوم، ظلم و ستم و سخت‌گیری‌های بی‌جا و یا برعکس، مهر و محبت افراطی و حمایت بیش از حد از کودک، از جمله عوامل مهمی هستند که در کودک ترس و وحشت، ناراحتی، عدم اعتماد به نفس، تزلزل روحی و روانی و اضطراب شدید و دائمی ایجاد می‌کنند. این عوامل، هر یک به تنهایی می‌توانند بسیاری از اختلالات رفتاری را در کودک پایه‌گذاری کنند. در نتیجه می‌توان گفت، خانواده نقش بسیار مهمی در تربیت و پرورش کودکان دارد. از این رو، باید زمینه رشد صحیح شخصیت و تعادل روانی فرزندان خود را به‌خوبی فراهم کند تا آن‌ها بتوانند مستقل، با اراده و با اعتماد به نفس در جامعه زندگی کنند و در روابط و داد و ستدهای اجتماعی، روشی منطقی، متعادل و اصولی داشته باشند.

نقش مدرسه

به‌طور کلی مدرسه دو وظیفه یا کارکرد مهم در ارتباط با کودکان دارد: یکی ارائه آموزش‌های لازم و کافی است. این کار برعهده کادر آموزشی مدرسه یعنی معلمان است که با استفاده از کتاب و سایر امکانات آموزشی (مانند وسایل کمک آموزشی و تجهیزات آزمایشگاهی) به امر تدریس می‌پردازند. وظیفه دیگر، پرورش، تربیت و هدایت کودک است که براساس اصول انسانی، اعتقادات، فرهنگ و فلسفه حاکم بر جامعه صورت می‌گیرد. در امر آموزش انسانی، اعتقادات، فرهنگ و فلسفه حاکم بر جامعه صورت می‌گیرد. در امر آموزش کودک، همواره باید به موضوع تربیت و پرورش او توجه دقیق داشت، زیرا آموزش بدون تربیت، راه به‌جایی نخواهد برد.

هر کودک به‌طور طبیعی، حدود هجده هزار ساعت از عمر خود را در مدرسه سپری می‌کند و تحت تأثیر معلمان، اولیای مدرسه، برنامه‌ها و ارزش‌های خاص آن‌ها قرار می‌گیرد. از آن‌جا که بیشتر یادگیری‌های فرد بعد از سن شش سالگی است، بنابراین می‌توان گفت که مدارس نقش مهمی را در تربیت کودکان دارند. کودکان در مدارس با مسائل عاطفی و روانی متعددی مواجه‌اند که می‌توان آن‌ها را به چهار دسته طبقه‌بندی کرد:

۱. اختلالات رفتاری؛ مانند: گستاخی، نافرمانی و قانون‌شکنی، دزدی، شقاوت و بی‌رحمی، دروغ‌گویی و فرار از خانه.

۲. اختلالات عصبی؛ مانند: اضطراب، حساسیت زیاد، گوشه‌گیری، غوطه‌ور شدن در فکر و خیال، احساس ناراحتی بیش از حد و توجه نکردن به اطراف.

۳. اختلالات روانی؛ مانند: انزواطلبی افراطی، بی‌تفاوتی نسبت به محیط زندگی و افکار موهوم و بیهوده.

۴. اشکالات درسی و آموزشی؛ مانند: عقب‌ماندگی درسی، نداشتن تمرکز حواس، مشکلات شناختی، ذهنی و شنیداری، نداشتن توانایی در بیان افکار، عقاید و سخن گفتن.

متأسفانه در بسیاری از مدارس جهان دانش‌آموزانی هستند

■ محیط زندگی

کودک، رفتار
بزرگ‌ترها و اطرافیان با
او، نحوه ارتباط اعضای
خانواده با یکدیگر،
اعتقادات و تعصبات
والدین، تعارضات
موجود در محیط
خانواده و وضعیت
اجتماعی، اقتصادی،
فرهنگی و سیاسی
حاکم بر آن، اثرات
قابل توجهی بر روحیه و
رشد و تکامل شخصیت
کودک دارد

قدرت تصمیم‌گیری صحیح و منطقی برخوردار باشند و مقلد و پیرو دیگران نباشند. اگر جامعه‌ای خواهان پیشرفت و ترقی است، باید به تربیت چنین افرادی بپردازد و برای پرورش این‌گونه افراد، باید به بهداشت روانی آن‌ها توجه لازم را داشته باشد، از این‌رو، ارائه خدمات بهداشت روانی، که هدف آن سالم‌سازی محیط روانی اجتماع و تأمین نیازهای روانی افراد است، از اهمیت زیاد برخوردار خواهد بود. جامعه هم مانند خانواده‌ها، نقش بسیار مهمی در پیش‌گیری از مشکلات اختلالات روانی افراد دارد. از این جهت، باید با همه توان و امکانات، در این زمینه بکوشد. جامعه باید برای اجرای برنامه‌های بهداشت روانی، از همه ارگان‌ها و نهادهای خود بهره‌گیرد تا بتواند در اشاعه و گسترش بهداشت روانی که در مرحله اول اهمیت قرار دارد، موفق باشد. مهم‌ترین این ارگان‌ها عبارت‌اند از: آموزش و پرورش، انجمن‌های اولیا و مربیان، سازمان تدوین کتاب‌های درسی و رسانه‌های گروهی.

آموزش و پرورش

مؤسسات آموزش رسمی که شامل کودکستان، دبستان، مدارس راهنمایی و متوسطه است، در بهداشت روانی دانش‌آموزان نقش بسیار مؤثری دارند. برای ایفای صحیح چنین نقشی، در درجه اول باید مربیان و اولیای چنین مؤسساتی، از سلامت روانی کامل برخوردار باشند تا بتوانند آگاهانه و صمیمانه با مشکلات و مسائل عاطفی و روانی دانش‌آموزان برخورد کنند. اولیا و مربیان مدارس اعم از آموزگاران، دبیران، مشاوران و سایر دست‌اندرکاران آموزشی، باید با توجه به فرایند رشد دانش‌آموزان در دوران کودکی و نوجوانی، راهکارهای مناسبی را به‌منظور ارائه خدمات بهداشت روانی به آن‌ها عرضه کنند و به مسائل روانی و عاطفی شاگردان به دقت توجه کنند تا از این طریق بتوانند به کمبودها، نواقص و نیازها عاطفی و روانی آنان پی ببرند. برای گسترش هرچه بیشتر و بهتر بهداشت روانی در بین دانش‌آموزان، مدارس باید به امکانات، تجهیزات و کادر بهداشت روانی کارآمد و ماهر مجهز باشند و ضمن بهره‌برداری از منابع بومی و محلی، شیوه‌های استفاده و برخورداری از امکانات و تسهیلات بهداشت روانی را به دانش‌آموزان ارائه دهند. علاوه بر این، مربیان و اولیای مدرسه باید به بررسی مشکلات و موانع مربوط به یادگیری دانش‌آموزان نیز بپردازند و ضمن رفع مشکلات و نارسایی‌های آموزشی و درسی موجود، زمینه‌های لازم و مناسب را برای رشد استعداد و خودشکوفایی آنان فراهم سازند.

انجمن‌های اولیا و مربیان

وظیفه این انجمن، تلاش مستمر و همه‌جانبه در جهت برطرف کردن مشکلات عاطفی، روانی، آموزشی و تربیتی شاگردان، و بهبود و ارتقای سطح کیفی بهداشت روانی آن‌هاست. انجمن اولیا و مربیان باید مسائل، مشکلات و وضعیت خانوادگی دانش‌آموزانی را که دارای اختلالات

که از مشکلات عاطفی، عصبی و روانی رنج می‌برند. در مدارس کشور ما نیز تعدادی از کودکان نامتعادل، ناسازگار و بزهکار وجود دارند که باید به موقع شناسایی شوند و به شکلی مناسب و شایسته مورد توجه و حمایت قرار گیرند تا بتوانند مانند سایر کودکان، مسیر عادی و طبیعی زندگی خود را طی کنند. توجه نکردن به مشکلات چنین کودکانی، باعث می‌شود که به تدریج ناهنجاری‌های اجتماعی، رفتارهای ضد اخلاقی و بزهکاری در آن‌ها تشدید شود. این کودکان، در نتیجه، از درس، مدرسه و زندگی بیزار می‌شوند و چه بسا ممکن است به اختلالات و ناراحتی‌های روحی و روانی مبتلا شوند.

در دوران بلوغ، مسائل بسیار مهمی در زندگی نوجوان مطرح می‌شود که از مهم‌ترین آن‌ها، تغییرات جسمانی و روانی است. در این دوره، نوجوان ممکن است در نتیجه احساس انزوایی، خیال‌بافی، اضطراب شدید و تنهایی، مرتکب اعمالی شود که عواقب خطرناک و مسئله‌سازی را برای او به‌نبال داشته باشد. از نظر بهداشت روانی، شناخت تحولات روحی و روانی نوجوان در این دوره، بسیار حائز اهمیت است. در این مرحله از زندگی نوجوان، مشاوران، معلمان، اولیای مدرسه و والدین، نقش مهمی را در ارشاد و راهنمایی او برعهده دارند و همگی باید بکوشند تا براساس دگرگونی‌های جسمانی، تحولات روحی و روانی و کیفیت رشد عاطفی، اجتماعی و اخلاقی نوجوان، او را به سوی زندگی ایده‌آل و با نشاط، هدایت کنند. رفتار اولیای مدرسه، معلمان و والدین با کودک و نوجوان باید بسیار دوستانه و توأم با احترام باشد. هم‌چنین، باید آن‌ها را به داشتن افکار، عقاید، رفتار، برنامه‌ریزی و اخذ تصمیم صحیح تشویق کنند تا از این طریق بتواند زمینه استقلال‌شان را فراهم کنند. در برخی موارد، سخت‌گیری و شدت عمل والدین و اولیای مدارس، سبب می‌شود زمینه عصبانیت، پرخاشگری و ستیزه‌جویی کودک و نوجوان در جامعه فراهم شود. بنابراین، والدین و اولیای مدارس باید با توجه به نتایج ناگواری که ممکن است از سخت‌گیری‌های بی‌مورد حاصل شود، از اقدام به آن جداً بپرهیزند.

در نهایت توجه نداشتن به نیازهای واقعی کودک و نوجوان، ممکن است او را به انواع بزهکاری‌ها و انحرافات گرفتار کند، از این‌رو لازم است اولیای مدارس و به‌ویژه معلمان، علاوه بر نظارت و توجه به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، به مسائل عاطفی، روحی و روانی و اخلاقی آن‌ها نیز عنایت کافی داشته باشند و در صورت مشاهده مشکلاتی در این زمینه، با روش‌های معقول، منطقی و مناسب، نسبت به حل و فصل آن‌ها اقدام کنند تا بتوانند هرچه بیشتر، بهتر و سریع‌تر، بهداشت روانی دانش‌آموزان را تأمین کنند.

نقش جامعه

جامعه برای حل مشکلات موجود و رسیدن به اهداف مورد نظر خویش، به افرادی نیاز دارد که از لحاظ علمی و تخصص، به درجات بالایی رسیده باشند. افرادی که توانایی تولید و آفرینش داشته، مستقل و با اعتماد به نفس باشند، از

مهم‌ترین مسئله‌ای که در زمینه تربیتی کودکان مطرح است، هماهنگی‌های لازم بین الگوهای تربیتی خانه و مدرسه است. چون اگر کودک بین الگوهای تربیتی خانه و مدرسه تضاد و متاثرتی مشاهده کند، قطعاً به دام شک و تردید گرفتار خواهد شد



اولویت کاری همه ارگان‌های ذی‌ربط قرار گیرد.

دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، یکی دیگر از مراکزی است که می‌تواند در گسترش بهداشت روانی در مدارس، نقش بسیار مهمی را ایفا کند. کارشناسان این سازمان، مسئولیت تهیه و تدوین محتوای کتاب‌های درسی در همه دوره‌های تحصیلی را به عهده دارند. از این رو باید به منظور تحقق اهداف مورد نظر جامعه، در جهت اشاعه اصول و مفاهیم بهداشت روانی در سطح همگانی، این مفاهیم و راهکارهای نیل به آن را به‌طور مناسب و قابل فهم، در محتوای کتاب‌های درسی و در کلیه دوره‌های تحصیلی، از پیش دبستانی تا متوسطه بگنجانند تا دانش‌آموزان در هر دوره تحصیلی، با مطالعه این رهنمودها، شیوه‌های مقابله با مشکلات، ناملایمات و شکست‌های احتمالی را بیاموزند و بتوانند با اعتماد به نفس بیشتر، مسیر رشد و تکامل خود را به‌طور طبیعی طی کنند، در آرامش روحی، تعادل و امنیت روانی زندگی کنند و به آینده‌ای روشن و زیبا امیدوار باشند.

رسانه‌های گروهی

رسانه‌های گروهی اعم از رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها، مجلات و سایر نشریات، نقش بسیار عمده‌ای در ترویج بهداشت روانی بین گروه‌های اجتماعی و عموم مردم دارند و باید این وظیفه خود را به‌درستی انجام دهند. رسانه‌های گروهی بخصوص رادیو و تلویزیون، باید مسائل مربوط به بهداشت روانی در خانواده، مدرسه، اجتماع و اختلالات و مشکلات ناشی از عدم رعایت آن‌ها را دقیقاً بررسی و تجزیه و تحلیل کنند. برای انجام این کار، باید به تهیه و تدارک برنامه‌هایی بپردازند که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم موضوع بهداشت روانی را برای خانواده‌ها مطرح کنند و با آگاهی دادن به والدین، آن‌ها را در انجام صحیح این مسئولیت یاری کنند. برنامه‌هایی که رادیو و تلویزیون به منظور آشنایی جامعه با موضوع بهداشت روانی ارائه می‌دهد، باید در سطح آگاهی و درک همه مردم باشد و اطلاعات لازم و کافی را در اختیار آن‌ها قرار دهد، تا والدین، مربیان، مسئولان و به‌طور کلی همه گروه‌های اجتماعی، با بهداشت روانی، برخوردی مناسب و شایسته داشته باشند و بویژه این موضوع (بهداشت روانی) را در مدارس جدی بگیرند. نشریات هم باید با چاپ مقالات و آثار مربوط به بهداشت روانی، هرچه بیشتر آگاهی مردم را در این زمینه افزایش دهند.

منابع

۱. حکمت، سیمین و همکاران (۱۳۶۴). بهداشت عمومی. دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش.
۲. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۶۴). روان‌شناسی رشد. چاپ پنجم. تهران: اطلاعات.
۳. نقش‌های متعدد معلم در کلاس درس. مجله اطلاعات علمی. اسفند ۷۹.

رفتاری هستند، شناسایی و بررسی کند و نسبت به رفع یا به حداقل رساندن آن‌ها اقدام کند. این انجمن باید به نهاد خانواده اهمیت زیادی بدهد و بخصوص با برگزاری کلاس‌های آموزش خانواده، والدین را با شیوه‌های مناسب تربیتی آشنا کند. در آموزش خانواده، والدین باید بتوانند ضمن شناخت مفاهیم بهداشت روانی در چارچوب اصول و موازین اخلاقی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی مفاهیم گوناگون بهداشت روانی را با توجه به دوران رشد فرزندان خود، به نحو شایسته‌ای به‌کار گیرند. هم‌چنین، انجمن اولیا و مربیان باید در روش‌های تربیتی خود از شیوه تنبیه و پاداش نیز به شکل مناسب و به‌طور مستمر استفاده کند، چون این روش تا حدود زیادی می‌تواند نقش بسیار سازنده‌ای در کاهش اعمال نابهنجار و ضد اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموزان داشته باشد. علاوه بر این، انجمن اولیا و مربیان نقش بسیار مهمی در برقراری ارتباط صمیمانه و مستمر در زمینه‌های گوناگون به‌ویژه آموزشی و تربیتی بین مربیان مدارس و اولیای دانش‌آموزان دارد. این نوع ارتباط، می‌تواند بسیار مفید و سازنده واقع شود و موجبات رشد و ترقی دانش‌آموزان و شکوفایی استعدادهای نهفته آن‌ها را به‌خوبی فراهم کند. اما مهم‌ترین مسئله‌ای که در زمینه تربیتی کودکان مطرح است، هماهنگی‌های لازم بین الگوهای تربیتی خانه و مدرسه است. چون اگر کودک بین الگوهای تربیتی خانه و مدرسه تضاد و مغایرتی مشاهده کند، قطعاً به دام شک و تردید گرفتار خواهد شد و نمی‌تواند بین دو الگوی تربیتی خانه و مدرسه، یکی را انتخاب کند. این دوگانگی در الگوهای تربیتی، بدترین وضعیت روحی و روانی را برای کودک فراهم می‌کند. در این حالت، کودک دچار تزلزل روحی و عاطفی می‌شود، و نمی‌تواند به‌درستی تصمیم بگیرد و انتخاب کند. این مسئله، یکی از مهم‌ترین نکات تأثیرگذار در بهداشت روانی دانش‌آموزان است که انجمن اولیا و مربیان باید به آن توجه لازم را داشته باشد و با ایجاد هماهنگی و هم‌نوایی بین الگوهای تربیتی خانه و مدرسه، زمینه تربیت صحیح و شایسته دانش‌آموزان را فراهم کند.

نکته آخر این که انجمن اولیا و مربیان می‌تواند با برقراری و تشکیل جلسات و سمینارها، از متخصصان علوم تربیتی، روان‌شناسی و غیره دعوت کند تا با ایراد سخن‌رانی و بحث‌های علمی درباره بهداشت روانی در حوزه‌های گوناگون آموزش و پرورش، اهمیت بهداشت روانی در مدارس و مؤسسات آموزشی را هرچه بیشتر و بهتر برای همگان، بخصوص والدین و مربیان، آشکار سازند تا این مسئله بتواند مورد توجه لازم و



■ برخی از

رفتارهای کودکان،

ظاهراً بی‌اهمیت

به نظر می‌رسند

مانند جویدن ناخن،

مکیدن انگشتان،

رویاهای وحشتناک،

حسادت‌های زیاد،

کج خلقی، ترس‌های

غیرعادی و غیره،

که از نشانه‌های

اختلال رفتاری

است و اگر به موقع

پیش‌گیری و درمان

نشود، به تدریج به

رفتارهای ضد اخلاقی

و اجتماعی، مانند

انزوایی و افسردگی

تبدیل می‌شوند

دیجیتال، از جمله رادیو و تلویزیون و سینما و اینترنت، از این قدم‌ها بوده است. اما کتاب، هم‌چنان جایگاه خود را دارد و هنوز منبع و ابزار اساسی آموزش است. مجموعه‌ای که به شما معرفی می‌کنیم، یکی از مجموعه‌های مهم برای گسترش دانش روز است که چند سالی از انتشار آن می‌گذرد و با توجه به ابعاد کیفی آن، قابل توجه است.

دانش روز برای همه^۱

«دانش روز برای همه» عنوان مجموعه‌ای است که در سال ۱۹۷۸ در آمریکا در شش مجلد منتشر شد و در سال‌های اخیر به همت جمعی از مترجمان طراز اول، به همت مؤسسه‌ای معتبر، در ۱۴ مجلد در ایران انتشار یافت. اکنون به معرفی مبسوط مجموعه می‌پردازیم. نخست این‌که مجموعه به معرفی و زیر نظر دکتر محمد باقری، تاریخ‌نگار، مروج علم و سردبیر نشریه تاریخ علم نشر یافته‌است.

هدف تهیه‌کنندگان مجموعه در آمریکا این بوده است که «هر کس با معلوماتی در حد دبیرستان بتواند با مفاهیم، کارکردها و پیشرفت‌های هر یک از علوم آشنا شود. چنین کسی ممکن است دانش‌آموز، دبیر، روزنامه‌نگار یا حتی دانشمند در یکی از رشته‌های علمی باشد و بخواهد از آنچه در دیگر علوم می‌گذرد، آگاهی یابد (از سخن ناشر).

عناوین کتاب‌ها و مترجمان هر یک عبارت‌اند از:

۱. اخترشناسی (ترجمه بابک امینی تفرشی)
۲. علوم فضا (شادی حامدی آزاد)
۳. ریاضیات (مهدی مدغم)
۴. زمین و هوا (محمد دانش)
۵. انرژی (کوروش رضایی)
۶. محیط زیست (احمد جواهریان)
۷. شیمی (رباب اردکانی)
۸. فیزیک (منیژه رهبر)
۹. زیست‌شناسی (محمود بهزاد)
۱۰. گیاهان (امیر اقتداری)
۱۱. جانوران (زهرا عمادزاده)
۱۲. پستان‌داران (زهرا عمادزاده)



دانش‌روز برای همه، مجموعه‌ای برای مدرسه‌ها و کتابخانه‌ها

از ویژگی‌های مهم عصر جدید در جهان، که حداقل دو تا سه قرن را دربر می‌گیرد، عمومی شدن علم و فراگیر شدن آن در میان آحاد مردم است. همان‌گونه که برای مثال، با ظهور اسلام پیامبر اکرم (ص) آموزش علم را بر همه، اعم از زن و مرد، واجب کرد و فرمود: «برای آموختن علم تا چین هم بروید»، و نتیجه آن انفجار علم و آگاهی در جهان و پدیدار شدن آگاهی و آزادی ملت‌ها در تمدن اسلامی بود، در جهان معاصر هم گسترش دانش به نوع دیگری موجب آگاهی و آزادی ملت‌ها شده است، بویژه که پشتیبانی فناوری و صنعت و رسانه را هم همراه خود دارد. غرض این‌که گسترش سوادآموزی، آموزش علوم به صورت طبقه‌بندی شده در مدارس و دانشگاه‌ها، و نیز شناخت جغرافیای جدید جهان، به روشن‌بینی و روشنگری انسان در بعد از رنسانس انجامید.

در عمومی کردن علم، تاکنون قدم‌های مؤثری برداشته شده که انتشار دانش‌نامه‌ها، دایره‌المعارف‌ها، مجموعه‌های مکتوب و به‌ویژه در چند دهه اخیر، استفاده از امکانات الکترونیک و

هدف
تهیه‌کنندگان
مجموعه دانش
روز برای همه در
آمریکا این بوده
است که «هر کس
با معلوماتی در حد
دبیرستان بتواند با
مفاهیم، کارکردها و
پیشرفت‌های هر یک
از علوم آشنا شود»



۱۳. بررسی علمی انسان (محمدرضا غفاری)

۱۴. فناوری (عباس کتیرایی)

ضمناً ویراستاری مجموعه به دست **غلامحسین صدری افشار**، که خود مردی دانشمند و فرهنگ‌نویس است انجام گرفته که در یک‌دست شدن مجموعه بسیار مؤثر بوده است. ویژگی مشترک دیگر مجموعه، پیشگفتار واحدی است به قلم شادروان دکتر **محمود بهزاد** که با عنوان «علم چیست»، در ابتدای همه مجلدها قرار گرفته است و در واقع بینش لازم برای مطالعه مجموعه را به خواننده القا می‌کند.

دکتر بهزاد مقدمه خود را با این جمله معروف **فرانسویس** **بیکن** انگلیسی آغاز می‌کند که «علم دانایی است و دانایی توانایی». اما خود اضافه می‌کند که «تعریف حقیقی علم بی‌شک عمیق‌تر از این است». دانش فقط زمانی علم می‌شود که شخص ارتباط‌ها و مفهومی در واقعیت پیدا کند» و مثال می‌زند که: مثلاً یک دفتر راهنمای تلفن، بیش از ۱۰۰,۰۰۰ رقم اطلاعات دارد، ولی منجر به این نمی‌شود که آن را یک کتاب علمی بدانیم.

بهزاد، سپس برای علم دو ویژگی اساسی برمی‌شمارد: ۱. علم تکامل می‌یابد؛ ۲. علم واقع‌بینانه است. تکاملی و رو به پیشرفت بودن علوم، خاصیتی است که در علوم گذشته به این شکل وجود نداشت. در گذشته نیز دانشمندان علم را دریای بی‌پایان و نامحدود تصور می‌کردند، اما «پیشرفت» مفهوم جدیدی است که با علوم جدید زاده شد و درک آن امروزه برای عادی‌ترین افراد امر ساده‌ای است. در مورد «واقع‌بینانه بودن علم هم شاید نقل این عبارت کافی باشد. دکتر بهزاد می‌نویسد: «علم وابسته به روش‌های واقع‌بینانه است و نتایج واقع‌بینانه تولید می‌کند. مراد از واقع‌بینانه چیزی است که به باور، عقیده و سلیقه شخص بستگی ندارد. هر کسی دستور کار را دنبال کند، به نتیجه همانندی می‌رسد و این برخلاف غذایی است که هر کسی به سلیقه خود تهیه می‌کند».

ادامه مقدمه عالمانه دکتر بهزاد بیان روش‌های علمی و سپس معرفی رشته‌های عمده علم است. رشته‌های عمده علم از نظر وی عبارت‌اند از: اخترشناسی، علوم فضا، ریاضیات، زمین و هوا، علوم محیط زیست، شیمی، فیزیک، زیست‌شناسی، گیاهان، جانوران، بررسی علمی انسان و فناوری.

علم و جامعه

پایان بخش مقدمه این مجموعه با عنوان علم و جامعه، این عبارات است:

«اشتقاق به گردآوری اطلاعات و درک جهان‌ما، همواره انسان‌ها را از دیگر جانوران سیاره زمین متمایز ساخته است. اصول و روش‌های علم، بویژه در این تلاش، نیرومند بوده است. حقیقت این است که بیشتر آنچه ما «زندگی جدید» می‌نامیم، در دانش علمی رو به گسترش بشریت ریشه دارد. ساعت شمابه‌ای که صبح از خواب بیدارتان می‌کند، اتوبوسی که شما را به مدرسه می‌برد، کتاب‌ها و مقاله‌هایی که می‌خوانید، نور چراغ برقی که در آن مطالعه می‌کنید و حتی رایانه‌هایی که با آن‌ها کار می‌کنید، همه از موهبت‌های پیشرفت علمی قرن‌ها مطالعه و تحقیق است. داروهای حیات‌بخش و روش‌های کشاورزی که کیفیت زندگی را برای میلیاردها انسان سراسر جهان بهبود بخشیده نیز چنین‌اند.»

هشدار!

آخرین عبارت «علم و جامعه» هشدار است به خواننده که تصور نکند علم جدید همه موهبت است. بنابراین، چنین می‌خوانیم: «هم‌چنین باید افزود که علم به ما توان از بین بردن جان‌داران در مقیاس غیرقابل تصور را داده است. شاید بزرگ‌ترین چالش علمی در آینده رخ دهد؛ چالشی که این نکته را تضمین می‌کند که علم همیشه به‌خاطر مصلحت انسان، که در اولویت اوست، به کارافتد.» بحث بیشتر از این مجموعه، در این مختصر نمی‌گنجد. بنابراین، مطلب را با بیان چند نکته به پایان می‌بریم:

- مجموعه «دانش روز برای همه»^۱، از نظر کیفیت کاغذ و چاپ و تصاویر چهاررنگ، عالی است.
- وجود چنین مجموعه‌ای در کتابخانه‌های دوره‌های متوسطه و مراکز تربیت معلم ضروری است. حتی وجود آن‌ها در مدارس راهنمایی نیز علاوه بر این‌که برای معلمان قابل استفاده علمی است، برای دانش‌آموزان نیز می‌تواند در حد تفریح و آشنایی با فضای کتاب‌ها، مفید باشد.

پی‌نوشت

۱. popular science

۲. ناشر مجموعه، انتشارات علمی و فرهنگی است.

■ علم وابسته به روش‌های واقع‌بینانه است و نتایج واقع‌بینانه تولید می‌کند. مراد از واقع‌بینانه چیزی است که به باور، عقیده و سلیقه شخص بستگی ندارد. هر کسی دستور کار را دنبال کند، به نتیجه همانندی می‌رسد





در دی‌ماه گذشته ایرج شگرف نخعی درگذشت. او خود بازنشسته و رییس کانون بازنشستگان وزارت آموزش و پرورش بود و تا آخرین روزهای عمر خود به خدمت ادامه داد. نظر به شخصیت استوار آن شادروان و خدمات مادی و معنوی ارزشمندی که به آموزش و پرورش کرد، شرح زندگی او را که به قلم خودش نوشته شده است، از کتاب گنجینه آموزش و پرورش کرمان (پژوهشکده تعلیم و تربیت کرمان، ۱۳۸۴)، به اختصار نقل می‌کنیم و برای او رحمت و مغفرت الهی آرزو داریم.

در سال ۱۳۱۴ هـ. ش در شهر کرمان متولد شدم. هنوز چهار سال نداشتم که پدرم را از دست دادم. او راننده عباس نخعی، خان منطقه راور بود که در اثر تصادف ماشین مرد و پدرم نیز در اثر عارضه همین تصادف، یک‌سال بعد دعوت حق را لبیک گفت. از آن پس مادرم متکفل زندگی ما سه فرزند (دو پسر و یک دختر) شد.

مادرم با کار خیاطی زندگی را اداره می‌کرد. خدایش بیامرز، زنی عاطفی، مدیر و کوشا بود. در چهار سالگی مرا به مکتب‌خانه که آن روز «ملا» می‌گفتند، سپرد. ظرف یک‌سال روخوانی قرآن را یاد گرفتم. از آن پس سوره‌هایی از قرآن را حفظ نمودم و تا شش سالگی به‌جز حفظ قرآن، گلستان سعدی، حافظ و نصاب الصبیان را نیز خواندم.

در شش سالگی مرا به مدرسه «ادب» بردند. در آن جا چون خیلی بیشتر از کلاس اول می‌دانستم، در کلاس دوم ثبت‌نامم کردند. تمام دوره ابتدایی را در مدرسه ادب بودم. مدرسه‌ای بود منظم و سخت‌گیر. سیکل اول دبیرستان را در دبیرستان سعادت گذراندم؛ مدرسه‌ای آرام با دبیران خوب.

کلاس نهم که بودم، یک مسابقه ریاضی، در سطح استان برگزار شد و من اول شدم و جایزه گرفتم. همان روزها حجت‌الاسلام لیبی، مدیر دبستان اسلامی، از من خواست شش ساعت ریاضی کلاس ششم را درس بدهم و من قبول کردم. با این‌که از نظر قد و هیکل از دانش‌آموزان کوچک‌تر بودم، مع ذلک در تدریس توفیق پیدا نمودم و این شروعی بود برای کار معلمی. حاج آقا لیبی ماهی ۴۰ تومان حق‌التدریس به من می‌داد. چند ماه بعد، علاوه بر روزانه، در کلاس‌های شبانه آن مدرسه نیز درس دادم.



یاد ایرج شگرف نخعی

تقریباً هم محصل بودم و هم معلم و کمک هزینه‌ای هم برای خانواده‌ام جور شده بود. در سیکل اول دبیرستان، یک تابستان، به محضر ازدواج و طلاق مرحوم زین‌العابدین رفتیم. حافظه قوی داشتم، همان روزهای اول، خطبه و صیغه عقد را بلد شدم. دفتر ازدواج را هم می‌نوشتیم و گاهی در مجالس عقد، طرف قبول می‌شدیم. تابستان بعدی روزنامه «بیداری» رفتیم. در آن‌جا نزد مرحوم سیدمحمدرضا هاشمی خیلی چیزها آموختم. حروف چین خوبی شدم و مطالب روزنامه هر هفته را نیز آماده می‌کردم.

آخرین تابستان در کلاس‌های تجدیدی مدرسه اسلامی درس می‌دادم و بعد از شرکت در کنکور دانش‌سرای مقدماتی و موفقیت در آن‌جا، مشغول به تحصیل شدم. دوران تحصیل بهترین زمان زندگی انسان است. از معلمان بنام آن روز، **محمدجواد آموزگار** (عربی) **شمس‌الدین حائری** (شیمی) **مهندس کارآموز** (فیزیک) **شکیبا** (زیست‌شناسی) **طاهری** **رییس دانش‌سرا** (ریاضی) و **محمود محزونی** (تاریخ) را می‌توان نام برد.

بعد از فارغ‌التحصیل شدن از دانش‌سرای مقدماتی، در مهرماه ۱۳۳۲ش، به آموزگاری دبستان‌های جوپار منصوب شدم. چهار سال در جوپار آموزگار، مدیر و آموزگار و دبیر دبیرستان بودم. بعد از آن به کرمان منتقل و به مدیری دبستان سرباز انتخاب شدم.

در سال ۱۳۴۲ در دوره مدیریت دانش‌سرای عالی تهران قبول شدم و بعد از یک سال، بین کسانی که در این دوره قبول شده بودند، امتحان برگزار شد و من برای دوره لیسانس آموزش و پرورش موفق شدم.

چند سالی که در تهران بودم، دوره‌های شبانه تخصصی «حسابداری و حسابرسی» و «زبان انگلیسی» را گذراندم و موفقیت‌های خوبی در این زمینه پیدا کردم. عضو دو کتاب‌خانه ملی و مجلس شورا شدم و در حد خود کتاب‌های مفیدی خواندم. بعد از لیسانس به کرمان بازگشتم و ضمن تدریس در دانش‌سرا، کار راهنمای تعلیماتی را نیز انجام می‌دادم. در این زمان ازدواج کردم که حاصل آن پنج فرزند است. سال بعد در امتحان فوق لیسانس راهنمایی و مشاوره توفیق پیدا کردم و به تهران آمدم. در این مدت، در دبیرستان البرز ادبیات فارسی درس می‌دادم. بعد از فارغ‌التحصیل

شدن، رییس مرکز راهنمایی و مشاوره استان کرمان شدم و علاوه بر آن، مدرّس دانش‌سرای تربیت معلم و مدرسه عالی بازرگانی کرمان بودم.

پس از پیروزی انقلاب، در ۲۲ اسفندماه ۱۳۵۷ش، به سمت معاون اداری و مالی و امور مجلس وزارت آموزش و پرورش منصوب شدم.

در دوران وزارت شهید رجایی و شهید باهنر، قائم‌مقام وزارت آموزش و پرورش و معاون آموزشی و یک‌سال هم سرپرست وزارت آموزش و پرورش بودم. در وزارت آقای پرورش، قائم‌مقام وزارت‌خانه و معاون هماهنگی و امور استان‌ها شدم.

چون یک‌شنبه مسئولیت پیدا نکردم و از پله اول کار را شروع نموده بودم، به تدریج جلو آمدم، بحمدالله در کار توفیق داشتم. زمانی که پختگی یافتیم، بازنشست شدم.

یک روز به شوق کار مستم کردند در مدرسه خاک و گچ به دستم کردند خامی بنگر که داعیان فرهنگ چون پخته شدم بازنشستم کردند

بعد از بازنشستگی، آن‌چه کار فرهنگی کردم و می‌کنم، مطلوب است. تدریس در دانشگاه، مشاوره با دانش‌آموزان و دانشجویان و هدایت آنان، شرکت در جلسات کارشناسی و... قریب پنجاه سال کار فرهنگی کردم. نمرات دوره دکترای تعلیم و تربیت را دارم. کلاس‌ها و دوره‌هایی در زمینه‌های ابزار هوش و مدیریت گذراندم.

سعیم همیشه این بود که صدیق و درستکار باشم. از ریا و تظاهر بیزارم. دنبال رفاه مادی نبودم. بهترین توشه زندگی‌ام راحتی وجدان است.

معلم به چشمه می‌ماند. تکریم معلم، بالا بردن سطح آب چشمه است تا آب آن بر تمام سطح کشت جاری شود. سبک کردن او به منزله پایین بردن سطح آب چشمه است تا بر هیچ زمینی سوار نشود.

متأسفانه جامعه فعلی، قدرشناس خدمت صادقانه و بی‌صدا نیست و کار جنجالی و تظاهری را بهتر می‌پسندد!

دلدادۀ عشقم و نفرتم بی‌راه
راهی به‌جز این نیست خدا هست گواه
در هرچه نظر کنم نبینم جز عشق

بهترین روزهای تدریس من

فریبا شالانی
دبیر جغرافیا
ناحیه دو اردبیل



روزهای خوب تدریس من بسیارند. یکی از آن‌ها روزی بود که قرار شد اداره امور مدرسه و کلاس را دانش‌آموزان به‌دست بگیرند. البته همه دبیران این اجازه را ندارند، ولی من این طرح را پیاده کردم تا بتوانم کار خود را ارزیابی کنم، چرا که اعتقاد دارم، همان‌طور که کودکان آینه تمام‌نمای والدین خود هستند، دانش‌آموزان نیز آینه تمام‌نمای معلمان خود به‌شمار می‌روند. با این حساب، لب‌تاپ خود را در اختیار دانش‌آموز مشتاق این کار قرار دادم. او هم با خود فلش و سی‌دی مربوط به درس را آورده بود. با حرارت، شور و لذت درس می‌داد. زمانی جلوی تخته سیاه می‌رفت، زمانی دیگر مقابل دانش‌آموزان می‌ایستاد و آن‌ها را مورد خطاب قرار می‌داد. گاه صدایش را بالا می‌برد و زمانی متفکر پشت میز می‌نشست و دانش‌آموزان را نظاره می‌کرد و به سخنانشان گوش فرا می‌داد. روی تخته می‌نوشت و پاک می‌کرد، قدم می‌زد و مرتب در مورد درس مثال می‌گفت.

من میان دانش‌آموزان روی نیمکت نشسته بودم، اما می‌شنیدم که بچه‌ها آرام می‌خندیدند و به هم می‌گفتند: «ادای خانم را درمی‌آورد و مثل خودش رفتار می‌کند!»

مطمئن شدم که افعال فرزندانمان، فقط انعکاس رفتار والدین و فرهنگ خانواده نیست، بلکه فرهنگ مدرسه و رفتار معلم نیز بخش انکارناپذیر این انعکاس است. پس بر آن شدم که هم‌زمان با محاسبه و ارزیابی فعالیت دانش‌آموزان، به ارزیابی مستمر رفتار و فعالیت آموزشی خود بپردازم. دل‌پذیرترین ساعت کارم وقتی بود که دانش‌آموزان در فعالیت آموزشی و تدریس من دخالت داشتند. طرح درس مرا ارزیابی می‌کردند، توقع و خواسته‌های خود را از کلاس و تدریس من به صراحت به زبان می‌آوردند و در زنگ نماز با هم بودیم و کنار هم به نماز می‌ایستادیم.

یکی از روزهای خوب تدریس من زمانی بود که مدیر مدرسه به عنوان راهنمای آموزشی، بنا به درخواست خودم، از کلاس من بازدید کرد. حین تدریس، او گوشه کلاس نشسته بود. کلاس درس به کانون بحث و گفت‌وگو بین من، مدیر مدرسه به عنوان راهنمای آموزشی و دانش‌آموزان تبدیل شد. فضایی دوستانه میان ما برقرار شد و دانش‌آموزان برخلاف عرف، بین خود و مدیر احساس صمیمیت می‌کردند.

گفتنی است که روابط میان راهنمای آموزشی و معلم، باید بر پایه تفاهم استوار باشد. برای به‌دست آوردن بهترین نتیجه ممکن، راهنمای آموزشی باید بازدید از اتاق درس معلمان را به تقاضا و درخواست ایشان موقوف کند. اگر مدیر و معلمان به کار راهنمای آموزشی اعتقاد داشته باشند، اگر برخورد و تماس معلمان در نشست‌های عمومی آزمایشگاه یا راهنمای آموزشی، مطلوب و خالی از ترس و تهدید باشد و اگر سایر معلمان به ارزش اطلاعات و دوستی و صفای راهنمای

آموزشی شهادت بدهند، احتمال فراوان هست که معلمان در موقع نیاز از او یاری بطلبند. اما اگر راهنمای آموزشی در رفتار خود گستاخی به خرج دهد، میل به کسب قدرت داشته باشد و خود را برتر از دیگران احساس کند، دیگران در تقاضای کمک و یاری از او، تردید خواهند کرد.

زمانی می‌خواستم با توجه به طرح درس، هر کلاسی را فراخور نوع درس، به بازدید ببرم. همه بچه‌ها سراپا آماده، شاد و با چشمانی برق‌مرا، یاری می‌کردند تا بازدید به نحو مطلوب صورت گیرد. بنابه ماهیت درس، یک‌روز دانش‌آموزان یک کلاس را برای دیدن فیلمی تاریخی به سینما بردم. روز دیگر کلاس دیگری را به موزه تاریخ طبیعی و روز دیگر کلاس دیگر را به موزه مردم‌شناسی و هم‌چنین سایت پژوهش سرا و نمایشگاه کتاب... هم آموزش بود، هم تنوع و تفریح و هم فرصتی مغتنم برای شناخت بهتر یکدیگر و دمی خوش برای آموزش چگونه با هم بودن و گروهی رفتار کردن.

نتیجه کار را از گزارش‌های دانش‌آموزان دریافت کردم. از احساس خوبی که داشتند، تجربه‌ای که کسب کرده بودند و پیشنهاد و انتقادی که نوشته بودند، دریافت کردم که باید در اداره امور کلاس و مدرسه، روی توانایی‌های دانش‌آموزان حساب کرد و می‌توان حساب کرد.

یکی دیگر از روزهای خوش تدریس من، زمانی بود که می‌خواستم امتحان کلاسی برگزار کنم. از قبل، جزوای از دروس مورد نظر تهیه کردم و براساس آن، سؤالات را به صورت مفهومی در قالب انواع سؤالات بسته و باز طرح کردم. روز موعود، دانش‌آموزان را گروه‌بندی کردم و امتحان برگزار شد. دانش‌آموزان هر گروه کنار هم بودند. هر گروه یک جزوه و سؤالات مربوط به آن را در اختیار داشت که از گروه‌های دیگر متمایز بود. دانش‌آموزان ابتدا جزوه را مطالعه می‌کردند و سپس به سؤالات آن در زمان محدود پاسخ می‌دادند. شور و هیجان خاصی ایجاد شده بود. با هم بحث می‌کردند، گاهی می‌خندیدند و سپس با جدیت می‌نوشتند و خبری از دعوا و تقلب نبود.

من میان آن‌ها قدم می‌زدم و صحبت‌ها و استدلال‌های شیرینشان را گوش می‌دادم. در پایان جلسه، وقتی اوراق جمع‌آوری شد، به من گفتند: «خانم همیشه این جوری امتحان نگیرید!» تا پایان سال دانش‌آموزان از آن روز به عنوان بهترین روز آزمون یاد می‌کردند. پس برای من هم بهترین روز بود.

یکی دیگر از روزهای زیبای تدریس من، جلسه‌ای بود که می‌خواستم درباره جنگ تحمیلی و دفاع مقدس هشت ساله درس بدهم. با یاری خداوند، توانستم شکوه و مجد و عظمت آن سال‌ها را به تصویر بکشم. دانش‌آموزان کلاس احساس غرور می‌کردند. آن روز توانستم مفهوم زیبایی را به دانش‌آموزان خود انتقال دهم.

صدیقہ اخباری
دیبر ناحیہ یک زنگان



**Publish Association
News Agency**

خبرگزاری دانش آموزی پانا

خبرگزاری کانون دانش آموزی پانا* در خردادماه سال ۱۳۸۱ طی تفاهم نامه‌ای بین رئیس سازمان دانش آموزی و مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی با تأیید وزرای آموزش و پرورش و فرهنگ و ارشاد اسلامی تأسیس شد. این خبرگزاری فعالیت رسمی خود را در تابستان ۸۲ آغاز کرد و اکنون حدود ۱۰ سال است که به صورت جدی در عرصه رسانه در حال فعالیت است. این خبرگزاری از ابتدای امر اقدام به جلب و آموزش دانش آموزانی کرد که به رسانه و خبر علاقه داشتند و با همه مشکلاتی که وجود داشت، توانست هزاران دانش آموز را در تهران و شهرستان‌ها به صورت رایگان آموزش دهد. هم‌اکنون پانا در همه استان‌های کشور دفتر نمایندگی دارد. نمایندگان خبری هر استان پس از بررسی اخبار استانی که خبرنگاران ارسال می‌کنند آن‌ها را ویرایش، تصحیح و تأیید می‌کنند و به سرویس موردنظر در دفتر مرکزی تهران می‌فرستند. دبیران سرویس‌ها هم با توجه به تجارب و معیارهای مشخص و سیاست‌های خبری که سردبیر در جلسات هفتگی به آن‌ها تذکر می‌دهد، اخبار ارسال شده را تأیید و روی سایت خبرگزاری قرار می‌دهند. این خبرگزاری سرویس‌های گوناگون خبری دارد؛ از جمله فرهنگی - هنری، اجتماعی، سیاسی - اقتصادی، علمی - آموزشی، ورزشی، انجمن‌های اسلامی، بازی‌های پرورشی، عمره دانش آموزی و عکس. هم‌چنین، هم‌اکنون تعداد بسیاری خبرنگار فعال دانش آموز از سراسر کشور، خبرهای خود را در اختیار پانا قرار می‌دهند.

خبرگزاری پانا قصد دارد تحول قابل توجهی در بحث آموزش دانش آموزان با استعداد و علاقه‌مند داشته باشد. دوره‌های آموزشی خبرنگاری در سراسر کشور، از طریق مدیریت دانش آموزی استان‌ها و توسط دفتر مرکزی پانا، به صورت مستمر در حال اجراست و ماهانه تعداد زیادی از دانش آموزان پس از طی دوره آموزشی تئوری و عملی، وارد عرصه خبرنگاری می‌شوند.

دفتر سرپرستی مدارس خارج از کشور و سرپرستی کشورهای کویت، پاکستان، شبه قاره هند، سوریه، لبنان، اردن، امارت متحده عربی، ترکیه، آسیای میانه، روسیه، قطر و بحرین، از مراکز نمایندگی خبرگزاری کانون دانش آموزی هستند. با توافقات به عمل آمده، پانا قصد دارد دفتر نمایندگی خود را در تمامی کشورهای تحت پوشش سرپرستی مدارس خارج از کشور راه‌اندازی کند. هم‌چنین، ستاد خبری پانا هر ساله با حضور در مراسم عمره دانش آموزی که سازمان دانش آموزی برگزار می‌کند، تازه‌ترین اخبار را روزانه در اختیار مخاطبان خود قرار می‌دهد.

شما و دانش آموزانتان در هر کجای دنیا که باشید، با مراجعه به وبگاه خبرگزاری به نشانی www.pana.ir می‌توانید به فضای پانا وارد شوید. دانش آموزان هم با ارسال برگه درخواست خبرنگاری، تماس با دفتر خبرگزاری در تهران به شماره ۰۵-۲۲۲۶۴۸۹۳ یا دفتر استان‌ها در مدیریت دانش آموزی هر استان و شرکت در کلاس‌های آموزشی که به صورت رایگان برگزار می‌شود، می‌توانند به عنوان خبرنگار پانا در محافل خبری حضور داشته باشند.

پی‌نوشت

*Puplis Association News Agency

